

امام مهدی (ارواحنا فداه) آیا ظهور اتفاق افتاده؟
 استعمار و بهره‌گیری از آخر الزمان،
 پیش‌بینی انقلاب تا ظهور..... ستریار، ۴۰ حدیث

سرشناسه : زارع‌پور، محمود، ۱۳۳۶

شمارگان: ۵۰۰۰

قیمت: ۶۵.۰۰۰ تومان

نوبت چاپ: دوم ۱۴۰۱

طراح جلد : زارع‌پور

عنوان : امام زمانی

چاپ و صحافی : فراز اندیش سبز

آدرس نویسنده : m5736z.blog.ir لطفا پیام ارسال نمایید

آدرس کتاب‌های منتشر شده: zarepoorketab.blog.ir



حق چاپ برای مؤلف محفوظ است

فهرست مطالب

فعالیت نواب	شروع غیبت صغری	میلااد (ارواخنا فداه)
ویژگی های مشترک مهدی	دوره غیبت کبری	خلفای این دوره
هنگام قیام مهدی (ارواخنا فداه)		شباهت های مهدی عصاره نیکی ها
معجزات امام زمان		اسماء و القاب متفاوت امام
منجی آخرالزمان در ادیان		آخرالزمان چه معنی زمانی است؟
رویکردها و عملکردهای آخرالزمانی	ماهیت دجال	ظهور دجال
نگاهی به رخدادهای آخرالزمانی		آیا آخر الزمان نزدیک است؟
آغاز امامت امام عصر		شاخص های خروج دجال
مهدویت از نگاه رهبری		مهدی و ده انقلاب در یک انقلاب
گفتمان مهدویت و منجی طلبی در بیداری اسلامی		ظهور اتفاق افتاده است (علامه حسن زاده آملی)
دشمنان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف		قیام های قبل از قائم
رفتار امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف با مخالفان و معاندان		استعمار و بهره گیری از آخرالزمان
راه های در امان ماندن از گزند مدعیان		مهدی، آن گونه که غرب معرفی می کند!
نشانه های ظهور، مصادیق بدلی برای اهداف شوم		ارتباط موعودگرایی انحرافی با استکبار
خط کش ادیان ابراهیمی برای شایعه های آخرالزمان		نگرانی استکبار و سلطه گران
آینده جهان از نظر اسلام آیت الله جوادی آملی		پایان دنیا در تاریکی جهل مدرن
زمینه سازی برای ظهور چرا و چگونه؟		ظهور مصلحان در مواجهه با تمدن غرب
مصلح کل جهان در انتظار صالح مصلح		بررسی ضرورت اصلاحات، پیش از ظهور
		خصوصیات منتظران واقعی، در انتظار صالح و مصلح کل
		آیا با ظهور امام زمان ارواحنا فداه دنیا «بهشت» می شود؟
		وقتی نگاه های عامیانه را کنار بزنیم
		آیا می توان از زیارت عاشورا مفاهیم مهدوی دریافت کرد؟
		ادعای رؤیت امام زمان (ارواخنا فداه) آیا صحیح و معتبر است؟
		آیا می توان برای ظهور امام عصر (ارواخنا فداه) وقت تعیین کرد؟
		چرا امام زمان را منتقم امام حسین (علیه السلام) می نامند؟
		چهل حدیث پیرامون حضرت
		مفهوم حکومت در قرآن
		معرفی اولی الامر توسط پیغمبر
		سِرِّ یار پیش گوئی (شاه نعمت الله ولی) از شروع صفویه تا انقلاب اسلامی ایران و ظهور

مقدمه ی مؤلف :

و نَرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ

اراده ما بر این است که بر ستمدیدگان نعمت بخشیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم (قصص ۵)

امام سجاد (علیه السلام) : سوگند به کسی که محمد را به حق، بشارت دهنده و بیم دهنده قرار داد، نیکان از ما اهل بیت و پیروان آنها به منزله موسی و پیروان او می باشند و دشمنان ما و پیروان آنها به منزله فرعون و پیروان او هستند. سرانجام، پیروزی از آن ماست. پیش بینی کلیه پیامبران بر آمدن نجاتبخشی از سلک انبیاء {ما در زبور داوود، پس از ذکر (تورات) نوشته ایم که سرانجام، زمین را بندگان شایسته ما میراث برند و صاحب شوند.} آمدن عیسی مسیح و بشارت حضرت موسی سپس بشارت حضرت عیسی بر وجود پیامبر عظیم الشان و خاتم انبیاء علیهم السلام (سوره صف و انجیل لوقا) و و بالاخره نوید پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله بر وجود ائمه علیهم السلام و خاتم آنان حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) {مسأله مهمی که همیشه در طول تاریخ پر افتخار اسلام مایه امید مسلمانان و به ویژه «شیعیان» منتظر بوده است، وعده های تخلف ناپذیر الهی در مورد آینده اسلام و پیروزی نهایی مومنان و مستضعفان و محرومان می باشد. آیین مبین اسلام از همان آغاز پیدایش خود و حتی از همان نخستین سال های ظهور پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله) پیوسته مسلمانان را به آینده ای درخشان امیدوار ساخته است. مسلمانان و به خصوص شیعیان نیز از همان روزگار بعثت رسول خدا تا به امروز بر اثر همان وعده هایی که پیامبر گرامی به وسیله آیات روحبخش و دلنواز قرآن کریم بدانها داده است، با اعتقادی عمیق و راسخ تمامی آن وعده ها را جدی گرفته، و علی رغم همه مشکلات و مصایبی که در دوران های مختلف تاریخ اسلام دیده اند، هرگز امید خویش را از دست نداده و همواره این اعتقاد اصیل اسلامی را نصب العین خود قرار داده اند.

مسلمانان بر اساس وعده های صریحی که قرآن کریم بدانها داده است، عقیده دارند که طبق قانون خلقت و سنت آفرینش، تاریخ بر مبنای سنتهای الهی و وعده های خدایی به پیش می رود، و اگر چند روزی دنیا به نفع ستمگران و تجاوزگران و بی اعتقادان تمام شود، ولی سرانجام، حکومت مطلق جهان به دست صالحان و حق پرستان خواهد افتاد و جهان روزی را در پیش دارد که حکومت مطلق دنیا به دست پاکان و صالحان و افراد با ایمان خواهد افتاد، در این کتاب ضمن مختصری از تولد و چگونگی غیبت و شباهت های امام با پیامبران و پرداخته و سپس به مباحث شرایط ظهور و حضور و ماهیت دجال صفتان در این زمانه و بحث آخرالزمان و سوءاستفاده استعمار به طور مفصل بیان شده و در انتها اشعار، و پیش بینی شاه نعمت الله ولی از زمان صفویه تا پیدایش انقلاب و ظهور منجی و همچنین ۴۰ حدیث از امام همام آورده شده است.

مؤلف : محمود زارع پور

امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیمه شعبان ۲۵۵ هجری در سامراء از مادر نرجس متولد یافتند (بانوی پاکدامن دختر پادشاه روم، به صورت معجزه آسا و بر اساس یک نقشه حساب شده از روم به مدینه منتقل می شود) (خواستگاری پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از شمعون جد نرجس در خواب، حضرت فاطمه سلام الله علیها و پیش بینی اسارت و ازدواج نرجس).

نرجس تحت نظر حکیمه خاتون عمّه امام حسن عسکری علیه السلام کاملاً با تعالیم اسلامی آشنا می گردد و به جهت برخورداری از کمالات والای معنوی به افتحار همسری امام یازدهم نائل آمد.

تا لحظاتی قبل از تولد آثاری از بارداری به جهت امنیتی در مادر دیده نمی شد، امام برای اتمام حجت بر اهل تسنن از قابله غیر شیعی استفاده نمودند.

پیامبر صلی الله علیه و آله بارها اشاره به امامان و بخصوص آخرین آن ها داشته اند در حدیث لوح، غدیر، ثقلین و از علمای اهل سنت در کتاب ینابیع الموده ص ۴۴۰ بعد از نام امام حسن و امام حسین علیهما السلام به عنوان دو برادر نام ۹ تن از ائمه اطهار علیهم السلام را به ترتیب بیان شده است.

فردای تولد، آیه ۵ سوره قصص را تلاوت کردند **وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ..**

۵ سال با پدر که وظیفه محافظت و پنهان نگهداشتن او و آشنا سازی مردم با عدم معرفی آشکار و فراهم نمودن زمینه غیبتهای ایشان را به عهده داشتند. کم کم در بین فرمانروایان و دستگاه حکومت جبار، نگرانی هایی پدید آمد. علت آن اخبار و احادیثی بود که در آنها نقل شده بود:

از امام حسن عسکری علیه السلام فرزندی تولد خواهد یافت که تخت و کاخ جباران و ستمگران را واژگون خواهد کرد و عدل و داد را جانشین ظلم و ستم ستمگران خواهد نمود. در پی گزارش جاسوسان خلیغه معتمد، بارها به منزل امام عسکری علیه السلام به طور ناگهانی هجوم می آورند، تا کودکی یا زن بارداری را مشاهده و دستگیر نماید، و چون اطلاع دقیقی از زمان تولد نداشتند، موفق نمی شدند

یکبار مادر را که ناچار است برای نجات فرزندش ادعا کند باردار است، به دربار برده و بعد از مدتی او را رها میسازند، یکبار هم متوجه کودکی (امام مهدی (ارواحنا فداه)) میشوند ولی مامورین نزدیک او نمیشوند، کودک از میان آنها عبور میکند و پنهان میشود و مامورین درمانده و نا امید میشوند.

متأسفانه فشارهایی که بویژه از زمان امام جواد و امام هادی و امام عسکری علیهم السلام از طرف حکومت وارد شد، و محدودیتهای فوق العاده ای که برقرار گردید؛ بهره مندی از هدایتها و راهبریها امکان نداشت، و زمینه مساعد حضور امام بین مردم نبود.

و از طرفی حکمت الهی اقتضا کرد که پیشوای دوازدهم امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در غیبت بماند، به فرموده امام حسن علیه السلام **ما مِنَّا إِلَّا مَقْتُولٌ أَوْ مَسْمُومٌ** دشمنان با کلیه امامان اینگونه عمل نموده بودند و برنامه محافظت و زندگی مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در پس **پرده غیبت** بایستی میرفت.

یکی از سنت های ثابت الهی آزمایش بندگان و انتخاب صالحان و گزینش پاکان است، صحنه زندگی همواره صحنه آزمایش است تا بندگان از این راه در پرتو صبر و ایمان و تسلیم خویش در پیروی از اوامر خداوند تربیت یافته و به کمال برسند و استعدادهای نهفته آنان شکوفا شده و به سبب، انتظار ظهور آن حضرت پخته تر و ایمان در اعماق قلبشان ریشه دوانیده

و با ایستادگی در مقابل شدائد و تحمل انتظار آزموده می شوند. در این دوره حکومت سرگرم مبارزه با **نهضت زنگ** بودند و امام عسکری علیه السلام فرصت خوبی برای توجیه مردم و حفظ امام داشتند امام یکبار حدود ۴۰ تن از یاران را دعوت و در مورد امام مهدی (ارواحنا فداه) این طور سفارش مینماید، او بعد از من صاحب شما و خلیفه شماست و وقتی که زمین از ستم و ناروایی پر شد، خروج میکند و زمین را از قسط و عدل سرشار می سازد. پدر، به شهادت رسیده و امامت به مهدی (ارواحنا فداه) میرسد. می بایست حضرت مهدی (ارواحنا فداه) بر پیکر مقدس پدر بزرگوار خود نماز گزارد، تا خلفای ستمگر عباسی جریان امامت را نتوانند تمام شده اعلام کنند، و یا بدخواهان آن را از مسیر اصلی منحرف کنند، و وراثت معنوی و رسالت اسلامی و ولایت دینی را به دست دیگران بسپارند.

بدین سان، مردم دیدند کودکی همچون خورشید تابان با شکوه هر چه تمامتر از سرای امام بیرون آمد، و جعفر کذاب عموی خود را که آماده نماز گزاردن بر پیکر امام بود به کناری زد، و بر بدن مطهر پدر نماز گزارد. و خبر آن همه جا منتشر شد. جعفر کذاب، کارگزاران و ماموران معتمد عباسی را از وجود مهدی (ارواحنا فداه) آگاه می کند و به خانه امام هجوم می برند، ولی خداوند اراده کرده که زمین از حجت خالی نماند.

عده ای از نمایندگان امام (ارواحنا فداه) از قم جهت تحویل نامه ها و اموال جمع آوری شده از راه می رسند و با شهادت امام روبرو شده و می پرسند نامه و پول ها را تحویل چه کسی باید بدهیم، عده ای جعفر کذاب را معرفی و به هنگام تحویل، امام مهدی (ارواحنا

فداه) با فرستادن یکی از خادمین و با دادن اطلاعات از نامه ها و اموال و محتویات آن همه را متعجب و این بار هم جعفر کذاب نا امید و مجددا مامورین حکومتی را در جریان و تعقیب امام و امی دارد.

شروع غیبت صغری : در این دوره امام با چهار نفر نواب خاصه به ترتیب حیات ارتباط داشته و همان طور که کلیه برنامه های پدر را با وجود نمایندگانی که، در شهر ها گمارده و تبادل وجوهات و تقسیم آن به عهده داشتند؛ به همین طریق انجام میداد. امام با نزدیکان و سفرای خود نیز، محدودیت ملاقات داشته و به ندرت تماس امام با آنان به طور حضوری پیش می آمده آن هم بعد از ظاهر شدن و رفع امور متوجه حضور میشدند. نواب خاصّ امام می بایست از بین افرادی که از جهت اخلاص، وفاداری و توانائی و تحمّل شکنجه و زندان قوی باشند

۱. (عثمان بن سعید سمان، از قبل وکالت دو امام را هم داشتند، روغن فروش بودند و کلیه نامه ها و لوازم را در جعبه های روغن جاسازی میکردند و به امام یا شیعیان میرساندند به مدت ۵ سال وظیفه را به عهده داشتند).

۲. (ابو جعفر محمد بن عثمان، وکیل امام عسکری علیه السلام هم بودند، فرزند نایب اولی بود و از همین روش استفاده میکرد ۴۰ سال)

۳. (ابوالقاسم حسین بن روح، اهل قم بودند با نفوذ در دربار هواداری از شیعیان را میکردند و چندین بار هم به زندان افتادند و سپس اخراج شدند ۳ سال)

۴. (ابوالحسن علی بن محمد سمري و آغاز غیبت کبری را از سال ۳۲۹ قبل از فوت خودش به شیعیان اعلام میکنند ۳ سال). ضمنا نواب دارای کراماتی هم بودند تا وکالت خود را اثبات کنند.

فعالیت نواب ماموریت و فعالیت نواب خاص امام به طور کلی عبارت بود از : مبارزه با غالیان و مدعیان نیابت، رفع شک و شبهه وجود در مورد حضرت مهدی (ارواحنا فداه)، توجیه و آماده سازی غیبت کبری و لزوم آن و وظایف مردم، سازماندهی نمایندگان شهرها، ادامه دادن به مناظرات و طرح بحثهای دینی و علمی و پاسخگویی سوالات فقهی و مشکلات عقیدتی، مخفی نگاه داشتن آن حضرت، تبادل نامه و وجوهات با امام و شیعیان و...

بارها دشمن با ترفند رساندن کمک مالی به نواب می خواستند به مکان امام و به شناسائی نایب او برسند که امام با آگاهی از آن این توطئه ها را خنثی میکرد. به هر حال مسئله غیبت به سادگی حل نشد و علمای قرون سوم و چهارم بخصوص شیخ

صدوق محدث شیعه کتاب پر بار کمال الدین و تمام النعمه و شیخ طوسی کتاب الغیبه را تالیف و به پاسخ شبهات پرداخته اند.

تشیع در دوران غیبت صغری روند رو به رشدی داشت یکی از علل آن نفوذ در حکومت عباسیان که از زمان ولایتعهدی امام رضا علیه السلام پیش آمد و به تدریج دیگر افراد لایق و شیعی به نفع تشیع حضور خود را در دوره های مختلف خلفای عباسی حضور در دربار را لازم میدانستند تا آنجا که به فرمانروائی بحرین، حکومت سیستان، قاضی کوفه، و... این قبیل موقعیت ها بود که جایگاه شیعه را در بغداد و دیگر ممالک مستحکم می ساخت. شیعه از یک سو، امامت عباسیان را نا مشروع می دانست و از سوی دیگر در حکومت در حد وزارت به کار می پرداخت.

مدت غیبت در مورد زمان دقیق پایان غیبت حضرت و وقت ظهور، کسی اطلاعی ندارد و اگر کسی مدعی تعیین وقت ظهور و پایان غیبت بشود، دروغ گو است؛ زیرا موضوع پایان غیبت حضرت و اعلام ظهور، فقط به اراده الهی بستگی دارد و خود حضرت مهدی (ارواحنا فداه) هم منتظر دستور و فرمان ظهور از سوی خداوند است. به همین دلیل، نه تنها در روایات، زمانی برای ظهور تعیین نشده، بلکه تعیین کنندگان به شدت دروغ گو خوانده شده اند.

فردی به نام مهزم از امام صادق علیه السلام پرسید: فدایت شوم! ظهور قائم آل محمد و تشکیل دولت حق به درازا کشید؛ پس چه وقت روی میدهد؟ حضرت پاسخ داد: تعیین کنندگان وقت ظهور دروغ می گویند، تعجیل کنندگان هلاک می شوند، و تسلیم شوندگان نجات می یابند و به سوی ما باز می گردند. تعیین وقت نکردن از سوی معصومان علیهم السلام و تکذیب وقت گذاران، با توجه به اسرار و حکمت هایی است که در نامعلوم بودن آن نهفته است. یکی از آن حکمت ها، جلوگیری از سوء استفاده اشخاص ناپاک از این قضیه است.

البته سخن از نزدیک شدن به عصر ظهور، چنانکه در روایات نشانه های ظهور مطرح شده، با این مطلب منافات ندارد؛ زیرا آن چه در روایات ممنوع و تکذیب شده، اظهار نظر قطعی در مورد ظهور از نظر سال و ماه و روز است، نه نزدیک دانستن ظهور. البته ظهور امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شرایطی دارد. در زمانی که این شرایط محقق شود، ظهور نیز تحقق می یابد. مهم ترین این شرایط و زمینه ها، فراهم شدن یاوران مخلص و توانمند و آمادگی جهانی برای پذیرش رهبر معصوم است.

خلفای این دوره :

معتمد عباسی مقرّر حکومت را به بغداد منتقل کرده بود و به علت پرخوری و بدمستی در گذشت بعد از او **معتضد** برای دست یابی به امام، ترفندهائی را بکار گرفت ولی نافرجام میماند. یک بار ۳ سواره را با تجهیزات به منزلی که جاسوسان شناسائی کرده بودند میفرستد ولی با وجود امام (ارواحنا فداه)، ناتوان از دیدن او. بار دیگر نیروهای بیشتری اعزام میکنند، با اینکه صدای تلاوت قرآن را متوجه و امام را هم دیدند، امام در پیش چشمان مامورین و از میان آنها میگذرد متوجه نمیشوند.

معتضد اول حکومتش سختگیر بود ولی بعد ها ملایم شده و از آزار و اذیت شیعیان دست کشید و زندانها را به مسجد تبدیل و مزارع کشاورزی را رونق داد.

خلاصه اینکه، به هنگام حکومت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهر مکه و قبله مسلمین مرکز حرکت انقلابی وی میشود تا نخستین افراد قیام او، در آن شهر گرد آیند و در آنجا به او بپیوندند. برخی به او بگروند، با دیگران جنگ کند، و هیچ صاحب قدرتی و صاحب مرامی، باقی نماند و دیگر هیچ سیاستی و حکومتی، جز حکومت حقه و سیاست عادلانه قرآنی، در جهان جریان نیابد.

دوره غیبت کبری: از نظر شیعه طبق روایات محکم و آیه اولی الامر نیابت به عهده نواب عامّه یعنی مجتهد عادل و با تقوی و مدیر و مدبر و آگاه به زمان خود میباشد **أَمَّا الْخَوَادِثُ الْوَأَقِئَهُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا (احادیثنا) و... {اسناد:** (نامه امام زمان به نائب دوم)، شیخ طوسی غیبت ص ۲۹۱. اصول کافی ج ۱ ص ۶۷ از امام صادق. احتجاج ج ۲ ص ۲۶۳ از قول امام عسکری. جامع الاحادیث الشیعه ج ۱ ص ۷ از قول پیامبر (فقها امانت داران پیامبرانند)}}

در دوران غیب کبری افراد بسیاری **ادعای مهدویت** کرده اند از جمله غلام احمد قادیانی، موسس فرقه قادیانی هند در ۱۲۳۵، سید علی محمد شیرازی معروف به سید باب، موسس فرقه بابیان در ایران، که به سال ۱۲۶۶ در تبریز کشته شد و محمد احمد معروف به مهدی سودانی که در ۱۳۰۲ هـ ق (۱۸۸۱ م) در سودان بر ضد استعمارگران انگلیسی قیام کرد.

بسیاری از پیامبران بنا به حکمت به گونه ای غیبت داشته اند حضرت ابراهیم علیه السلام سختگیری های نمرودیان و تولد ابراهیم علیه السلام نگهداری او در غار تا هنگام راه رفتن. و بار دیگر زمانی که پادشاهان جبّار او را از شهر بیرون راندند تا مدتی غایب

بودند. حضرت یوسف علیه السلام مدت ۳ روز در چاه و نجات یافتن وی و تا زمانی که برادرانش از قحطی جهت تهیه آذوقه مراجعه کردند یوسف خود را معرفی نمود.

حضرت موسی علیه السلام تولد حضرت موسی در دامان زن فرعون و آشکار نمودن نبوت خود تا زمانی و غیبت مجدد او در مدت ۴۰ روز در کوه طور و مبارزه با گوساله پرستی. حضرت مسیح علیه السلام ادعای نبوت و مبارزه با بنی اسرائیل و تعقیب آنان جهت نابودی مسیح و به اراده خدا از نظرها مخفی و به آسمان ها رفت تا ظهور مهدی (ارواحنا فداه)

غیبت پیامبر صلی الله علیه و آله قبل از انعقاد و تولد حضرت فاطمه سلام الله علیها مدت ۴۰ شب به عبادت در غار بود و ۳ سال در مخفی گاه به تبلیغ پرداخت و غایب بودند و مدت ۱۰ سال هم در مکه به طور پنهانی با مشقات فراوان ادامه نبوت داشتند (شیخ طوسی- بحارالانوار، ج ۵۲- احتجاج، طبرسی- وسائل الشیعه- کمال الدین، صدوق)

منجی آخرالزمان در ادیان دیگر: مصلح در آخرالزمان اختصاص به دین مقدس اسلام و مذهب تشیع ندارد. بلکه در ادیان دیگر نیز از این موضوع سخن بسیار گفته شده است. اهل سنت و شعبه های آن، در آیین های زرتشت، هندو، بودا، یهود و مسیح بشارت از موعود و نجات دهنده بشر آمده است و عقیده به منجی در همه ادیان آسمانی به صورت یک اصل مسلم و پذیرفته شده تجلی کرده است.

اعتقاد به ناجی و فردی که پایان دهنده ظلم و جنایت است، در کلیه ادیان الهی و گروه ها وجود دارد. مهدی ارواحنا فداه فریاد رسی است که روزگار موعظه و نصیحت در زمان او دیگر نیست. پیامبران و امامان و اولیاء حق آمدند و آنچه لازمه پند دادن بود بجای آوردند. بسیاری از مردم نشنیدند و راه باطل خود را رفتند. حتی اولیاء حق را زهر خوراندند و به شهادت رساندند و بهانه آوردند و غصب خلافت نمودند و اما در ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) باید از آنها انتقام گرفته شود.

ویژگی های مشترک مهدی ارواحنا فداه و پیامبر صلی الله علیه و آله: رحمت خداوند متعال در قرآن درباره پیامبر صلی الله و علیه و آله می فرماید: **وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ** (انبیاء ۱۰۷) و در حدیث قدسی راجع به حضرت مهدی (ارواحنا فداه) آمده: **... وَ أَكْمَلُ ذَلِكَ يَابِنَهُ مُحَمَّدٍ رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ عَلَيْهِ كَمَالُ مُوسَى وَ بَهَاءُ عِيسَى وَ صَبْرُ أَيُّوب.** و آن را با فرزندش محمد که مایه رحمت برای جهانیان و دارای کمال موسی و شکوه عیسی و صبر ایوب است کامل نمود. (کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۵۲۷؛ محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۱۹۶) و در زیارت آل یاسین می گوئیم: سلام بر تو ای پرچم برافراشته ... و رحمت گسترده الهی

اخلاق نیکو و با عظمت خداوند خطاب به حضرت محمد صلی الله و علیه و آله می فرماید: **وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ** (سوره قلم/۴) یعنی تو، به اخلاق عظیم و نیکو آراسته ای. پیامبر فرموده اند: **الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِي اسْمُهُ اسْمِي وَكُنْيَتُهُ كُنْيَتِي أَشْبَهَ النَّاسِ بِي خَلْقًا وَ خُلُقًا** (بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۳۰۹) مهدی ارواحنا فداه از فرزندان من است، اسم او اسم من و کنیه او کنیه من است و او از لحاظ جسمی و روحی و اخلاقی، شبیه ترین مردم به من است.

نور خدایی پیامبر صلی الله و علیه و آله و سلم نور خدایی است. چنان که در زیارت آن حضرت می خوانیم: **السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ الَّذِي يُسْتَضَاءُ بِهِ** سلام بر تو، ای نور روشنایی بخش خداوند.

در زیارت روز جمعه نیز خطاب به امام زمان (ارواحنا فداه) این گونه می گوئیم: **السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ الَّذِي يَهْتَدَىٰ بِهِ الْمُهْتَدُونَ**؛ سلام بر تو ای نور خداوند که هدایت جویان به وسیله او هدایت می شوند.

امنیت بخشی و ما كان الله ليعذبهم و أنت فيهم (سوره انفال ۳۳) (ای پیامبر!) تا تو در میان آن ها هستی، خداوند آن ها را مجازات نخواهد کرد.

امام زمان نیز در وصف وجودی خویش می فرمایند: **أَيُّ أَمَانٍ لِأَهْلِ الْأَرْضِ كَمَا أَنَّ النُّجُومَ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ** (بحارالأنوار، ج ۷۵، ص ۳۸۰)

به درستی که من امنیت بخش اهل زمین هستم، همانگونه که ستارگان امنیت بخش اهل آسمانند.

طریف، یکی از خادمان حضرت مهدی (ارواحنا فداه)، در مدتی که حضرت در گهواره بودند به خدمت ایشان می رود. پس از آنکه به درخواست حضرت برای ایشان صندل سرخی می برد. حضرت از او می پرسند: آیا مرا می شناسی. می گوید: بلی شما آقای من و فرزند آقايم هستید.

حضرت می گویند: منظورم این نبود. خادم عرضه می دارد: خودتان بفرمایید. حضرت می فرمایند: **أنا خاتم الأوصياء؛ بي يدفع الله البلاء عن أهلي و شيعتي**. من خاتم اوصیاء و جانشینان [پیامبر صلی الله و علیه و آله] هستم.

به وسیله [و به برکت] من خداوند بلا را از خانواده و شیعیانم برطرف می کند. (بحارالأنوار، ج ۵۲ ص ۳۰)

دعوت کننده به سوی خداوند متعال

خداوند در قرآن خطاب به رسول مکرمش می فرماید: **يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِداً وَ مُبَشِّرًا وَ نَذِيرًا وَ دَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِأَذْنِهِ وَ سِرَاجاً مُنِيرًا** (احزاب/۴۶ و ۴۵) ای پیامبر! ما تو را گواه فرستادیم و بشارت دهنده و انذار کننده، و تو را دعوت کننده به سوی خدا به فرمان او و چراغی روشنی بخش قرار دادیم. در مورد امام عصر **عجل الله تعالی فرجه الشريف** نیز آمده است: **السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ** سلام بر تو ای دعوت کننده خلق به سوی خدا

خاتمیت حضرت محمد **صلی الله و علیه و آله** خاتم پیامبران و انبیا هستند. خداوند متعال در قرآن می فرماید: **مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَ خَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَ كَانِ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيماً** (احزاب/۴۰) محمد پدر هیچ یک از مردان شما نیست ولی فرستاده خدا و خاتم پیامبران است و خدا همواره بر همه چیز داناست. همان حضرت **صلی الله و علیه و آله** در خطبه روز غدیر درباره خاتمیت حضرت مهدی (ارواحنا فداه) می فرمایند: آگاه باشید خاتم امامان ما قائم مهدی (ارواحنا فداه) است؛ بدانید که او برگزیده و مختار خداوند متعال است. آگاه باشید که او وارث [علم] همه علما و محیط بر تمام علوم است. (الاحتجاج طبرسی، ج ۱، ص ۶۳)

عالم، محضر دو خاتم قرآن کریم درباره حضرت ختمی مرتبت می فرماید: **فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَ جِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا** (نساء/۴۱) پس [حالشان] چگونه است وقتی از هر امتی شاهد و گواهی بگیریم و تو را بر آنان گواه بیاوریم؟ و حضرت صاحب الزمان (ارواحنا فداه) ضمن توقیعی به شیخ مفید می فرمایند **فإننا يحيط علمنا بانباتكم ولا يعزب عنا شيئاً من أخباركم** (بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۴) همانا از همه امور مربوط به شما مطلعیم و ذره ای از اخبار شما از ما پنهان نمی ماند [و همه چیز را درباره شما می دانیم و می بینیم].

برپا کننده عدل هدف از رسالت پیامبر اعظم **صلی الله و علیه و آله** اجرای عدالت و مساوات بوده است. **لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَ أَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَ الْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ** (حدید/۲۵) ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنها، کتاب و میزان نازل کردیم تا مردم عدالت را بپا دارند. هدف از قیام حضرت مهدی (ارواحنا فداه) نیز برپایی عدالت است. **يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مَلِئَتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا** (الغیبة، النعمانی، ص ۵۸) زمین را آکنده از عدل و داد می کند همان گونه که از جور و ستم پر شده است. **أَمَا وَ اللَّهُ لَيَدْخُلَنَّ عَلَيْهِمْ عَدْلُهُ جَوْفَ بُيُوتِهِمْ كَمَا يَدْخُلُ الْحَرُّ وَ الْقَرُّ**

امام زمان عجل الله تعالی فرجه عدالت را، همچنان که سرما و گرما وارد خانه ها می شود، وارد خانه های مردمان کند. (الغیبة، النعمانی، ص ۲۹۶)

اهداف و روش واحد امام مهدی (ارواحنا فداه) عصاره نبوت و احیا کننده سنت پیامبر صلی الله و علیه و آله و سلم است. پیامبر اعظم می فرماید: **سُنَّتُهُ سُنَّتِي يُقِيمُ النَّاسَ عَلَى مِلَّتِي وَ شَرِيْعَتِي وَ يَدْعُوهُمْ اِلَى كِتَابِ اللّٰهِ عَزَّ وَ جَلَّ** (کمال الدین، ج ۲، ص ۴۱۱) سنت او (ارواحنا فداه) همان سنت من است و مردم را به دین و شریعت من به پا می دارد، و آنان را به کتاب خدا فرا می خواند. راه و روش پیامبر اعظم صلی الله و علیه و آله سرلوحه برنامه های امام زمان (ارواحنا فداه) است و این آخرین وصی پیامبر گرامی و آخرین حجت خدا، تمام برنامه های محقق نشده انبیاء الهی را تحقق می بخشد و اسلام ناب محمدی را آنگونه که جد بزرگوارشان عرضه کردند،

در آخرالزمان اجرا می کند. در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است: چون مهدی عجل الله تعالی فرجه قیام کند، به مسجد الحرام رود و رو به کعبه و پشت به مقام ابراهیم بایستد و دو رکعت نماز گذارد، آنگاه ندا می دهد یا اهل العالم ای مردمان، منم، یادگار آدم، و یادگار ابراهیم، یادگار اسماعیل، و یادگار محمد صلی الله و علیه و آله و سلم.

شباهت های مهدی (ارواحنا فداه) عصاره نیکی ها

الف، شباهت ها به پیامبر اعظم حضرت مهدی (ارواحنا فداه) آخرین ذخیره الهی و بقیه الله در زمین، عصاره و خلاصه همه خوبیهای عالم است. او انسانی کامل است که از هر یک از انبیاء و اوصیای الهی خصلتها و منشهایش را به ارث برده است، چنانچه در زیارتنامه های گوناگون ائمه علیهم السلام آنها را وارثان آدم علیه السلام تا امام قبل خود می نامیم. اما در میان تمام انبیاء و اولیاء، حضرت مهدی (ارواحنا فداه) بیشترین شباهت را به **جد بزرگوارش** رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) دارد و آخرین وصی شبیه ترین مردمان به آخرین نبی میباشد. در ماه شعبان معظم که آن را ماه پیامبر خدا نامیده اند و نیز در آن میلاد حضرت حجت قرار دارد، مختصری پیرامون شبیه این دو بنده بی مثال الهی یعنی خاتم الانبیاء و خاتم الاوصیاء سخن به میان می آید.

کسی که اطاعت او را کند اطاعت من کرده است و کسی که مخالفت او کند مخالفت مرا کرده است. هر که در حال غیبت او را انکار نماید انکار من کرده است. کسی که تکذیب او کند تکذیب من کرده، هر که تصدیق او نماید تصدیق من کرده است. به خدا شکایت میکنم از کسانی که مرا در امر وی تکذیب می نمایند و قول مرا در

خصوص او انکار و امت مرا از طریقه او گمراه میکنند و **سیعلم الذین ظلموا آی منقلب** **ینقلبون** . همچنین از امیرالمؤمنین حضرت علی (علیه السلام) روایت شده: او مهدی (ارواحنا فداء) شبیه ترین مردم به رسول الله است، از نظر ظاهر و باطن و حسن و زیبایی. علاوه بر آنکه از لحاظ صورت و شمایل حضرت حجت میراث دار پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله)، در سیرت و فضایل نیز از همه کس به این وجود شریف شبیه تر است. از این رو مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیز **رحمت للعالمین** است و در عین حال همچون رسول خدا بر کفار و منافقین می تازد و **اشدء علی الکفار** می باشد. مهدی موعود و منجی مورد بشارت همه انبیای الهی با این رحمت عالمگیر خود و شدت شمشیرش بر کفار، جهان را از عدل و داد پر خواهد کرد.

از موارد شباهت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف را می توان در برخی حوادث هنگام ولادت این دو نور پاک مشاهده کرد. چنانچه شب میلاد رسول اکرم شبی متفاوت بود و در آن شب نوری از سمت حجاز بر آمد و به سمت مشرق رفت تا به مکه رسید و نور به سمت آسمان برخاست و تمام مکه از این نور روشن شد. این نور شبانگهان از نور سیمای حضرت محمد ساطع شد. عبدالمطلب می گوید: پس از زایمان آمنه، به دیدار او و فرزندش رفتم، سیمای او همانند ماه تمام می درخشید. در شب میلاد امام زمان (ارواحنا فداء) نوری مشاهده شده است.

شیخ صدوق از محمد بن عثمان نقل میکند که؛ هنگامی که حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) متولد شد، نوری از بالای سرش تا فراز آسمان درخشید سپس روی بر زمین نهاد و برای پروردگارش به سجده افتاد. پس از ولادت حضرت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) ملائکه هفت آسمان به دیدار این نوزاد الهی به زمین فرود آمدند و گروه گروه به او سلام کردند. پیرامون حضرت حجت نیز روایت شده وقتی ایشان متولد شد پرندهگان سفید رنگی از آسمان آمدند و بالهای خود را بر سر و صورت و بدن این نازدانه کشیدند امام حسن عسکری (علیه السلام) فرمود: آنها فرشتگان الهی بودند که برای تبریک به این نوزاد فرود آمدند. همان گونه که رسول الله محمد بن عبدالله آخرین فرستاده خدا بود و بعد از او پیامبری نیامد، بقیه الله حجت بن الحسن آخرین وصی است که البته دین رسول خدا را به نحو اکمل و اتم در سرتاسر عالم به بهترین وجه اجرا خواهد نمود و پرچم اسلام را در تمام گیتی به اهتزاز در خواهد آورد. و **الیس صبح بقریب؟** خصوصیات ظاهری و اخلاقی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هم چون **پیامبر** است. پیامبر اکرم فرمودند: مهدی فرزند من. نام و کنیه او هم چون من است.

او شبیه‌ترین مردم به من از نظر ظاهری و اخلاق است.

ب، شباهت‌ها به انبیاء: شباهت به حضرت **آدم** علیه السلام خدا همانطور که حضرت

آدم را خلیفه خود کرد، حضرت مهدی (ارواحنا فداه) را خلیفه خود در زمین می‌کند.

حضرت **نوح** علیه السلام: حضرت نوح علیه السلام در کودکی به مقام نبوت رسید و امام زمان

(ارواحنا فداه) نیز در این دوران به مقام امامت رسیدند و در عمر طولانی می‌باشد.

حضرت **صالح** علیه السلام: حضرت صالح علیه السلام به امر خداوند مدتی از قومش غایب

شد و زمانی که بازگشت عده ای او را انکار کردند.

حضرت **لوط** علیه السلام: یاری فرشتگان به حضرت لوط علیه السلام وجه شباهت آن جناب

به امام زمان (ارواحنا فداه) می‌باشد.

حضرت **یوسف** علیه السلام یوسف زیباترین اهل زمان خود بوده و همچنین مدتی غایب

بودند

حضرت **جرجیس** علیه السلام خداوند برای آن جناب مردگانی را زنده کردند و این زنده

شدن مردگان بر طبق روایات در زمان ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هم رخ می

دهد

حضرت **خضر** علیه السلام عمر طولانی آن حضرت و حضور هر سال ایشان در مناسک

حج به مانند امام زمان (ارواحنا فداه) میباشد.

حضرت **داوود** علیه السلام خداوند او را خلیفه در زمین قرار داد و آهن را برایش نرم کرد

و بر طبق روایات این خلافت بر کل زمین در آخر الزمان برای امام زمان (ارواحنا فداه) می

باشد.

حضرت داود و حضرت **سلیمان** علیهما السلام حکومتی کم‌نظیر داشتند، امام زمان (ارواحنا

فداه) نیز حکومتی عدل‌گستر و بی‌نظیر خواهند داشت.

به ولادت حضرت **یحیی و اسماعیل** قبل از تولدشان بشارت دادند، به ولادت و

ظهور امام زمان (ارواحنا فداه) نیز قبل از تولدشان مژده دادند.

تولد حضرت **ابراهیم** و حضرت **موسی** علیهما السلام از دشمنانی چون نمرود و

فرعون مخفی ماند، تولد حضرت مهدی (ارواحنا فداه) نیز از دشمنان پنهان ماند.

اسماء و القاب متفاوت امام زمان عجل الله تعالى فرجه الشريف

در قرآن **بقیه الله** و بین شیعه **حجت خدا** لقب گرفتند و ناحیه مقدسه رمز و کنایه از جا و شخص امام است.

ابا صالح یکی از کنیه‌های مشهور حضرت مهدی عجل الله تعالى فرجه الشريف است، مخصوصاً در مقام استغاثه جستن به صاحب الامر و روایتی را از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که هر گاه در راه گم شدی، ندا کن **یا صالح یا ابا صالح ازشدونا إلى الطريق رحمکم الله**.

قائم شیخ صدوق فرمود: چون جدم امام حسین علیه السلام شهید شد، فرشتگان بدرگاه الهی نالیدند و گفتند: پروردگارا! آیا قاتلین بهترین بندگان، و زاده اشرف برگزیدگان را بحال خود وامیگذاری؟ به عزت و جلالم سوگند، از آنها انتقام خواهم گرفت هر چند بعد از گذشت زمان ها باشد. آنگاه پروردگار عالم امامان اولاد امام حسین علیه السلام را به آنها نشان داد و فرشتگان مسرور گشتند. یکی از آنها ایستاده بود و نماز می‌گذازد. خداوند فرمود: **بِذَلِكَ الْقَائِمِ انْتَقِمُ مِنْهُمْ**؛ باین قائم از آنها انتقام می‌گیرم (بحار الأنوار ص ۲۲۹)

مهدی از امام محمد باقر علیه السلام نقل شده: او را **مهدی** گویند، زیرا خداوند بامر پوشیده، هدایتش نموده. او تورات (حقیقی) و سایر کتب آسمانی را از غاری واقع در انطاکیه بیرون می‌آورد، آنگاه با پیروان تورات طبق تورات و با اهل انجیل طبق انجیل و با اهل زبور طبق زبور و با مسلمانان مطابق قرآن حکومت میکند.

صاحب الدار از جمله القاب خاصه حضرت مهدی عجل الله تعالى فرجه الشريف و **عاقبه الدار**
صاحب الناحیه از القاب امام زمان عجل الله تعالى فرجه الشريف می باشد. می گویند ناحیه هر مکانی است که صاحب الامر عجل الله تعالى فرجه الشريف در غیبت صغری در آنجا بوده است
طالب: از القاب حضرت مهدی میباشد که به معنی جوینده و خواهان است **این الطالب بدم المقتول بکربلا**

صاحب الزمان به معنای دارای اختیار و قدرت تعرف و هدایت در عصر و زمان خویش بر موجودات باشد، **ولی عصر** به معنا کسی که دارای اختیار و قدرت معنوی برای دریافت فیض و رساندن فیض به موجودات است؛ **امام عصر، امام زمان، صاحب الامر**. هر يك از این لقب‌ها، بیانگر پیام ویژه‌ای درباره آن بزرگوار است. آن امام خوبی‌ها را **مهدی** گفته‌اند زیرا که هدایت شده‌ای است که مردم را به سوی حق

می‌خواند و **قائم** خوانده‌اند چون برای حق، قیام خواهد کرد و **منتظر** نامیده‌اند زیرا که همگان در انتظار مقدم اویند و **بقیة الله** لقب داده‌اند چرا که باقیمانده حجت‌های خدا و آخرین ذخیره الهی است.

حجّت به معنی گواه خدا بر خلق و **خلف صالح** به معنی جانشین شایسته برای اولیاء خداست. او **منصور** است چون از سوی پروردگار یاری می‌شود و **صاحب الأمر** است چون امر ایجاد حکومت عدل الهی به عهده اوست.

صاحب الزمان و ولی عصر نیز به معنی آنست که او حاکم و فرمانروای یگانه زمان است. به وجود مبارک حضرت بقیة الله اعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف **قلب عالم امکان** گفته می‌شود و گاهی هم اطلاق **قطب** می‌کنند.

مناظره هشام بن حکم هشام آن شاگرد زبر دست امام صادق علیه السلام با دلایل ساده اما مستحکم، عمرو بن عبید را که منکر وجود حجت خدا بود. قانع کرد که جهان بدون حجت خدا همچون بدن انسان است بدون قلب. هشام به عالم بصری گفت:

آیا تو چشم داری؟ جواب داد: بلی - چه فایده ای دارد؟ او فواید چشم را بیان کرد و به همین منوال سوال از دست و پا و زبان و گوش و فواید آنها کرد و او جواب داد. در آخر پرسید: تو قلب هم داری؟ مراد از قلب نیروی عقل و فکر انسان است. -بلی، هشام فرمود: قلب، چه فایده ای دارد؟

اگر خطائی برای اعضا رخ دهد مثلاً شبیحی را از دور می‌نگریم و نمی‌دانیم که جماد است یا نبات یا حیوان و یا انسان، به قلب مراجعه می‌کنیم و آن رفع شبهه می‌کند.

هشام فرمود: خداوند حکیمی که برای بدن یک انسان با داشتن چند عضو مختصر، امامی قرار داده که شبهات را برای آنها رفع نماید آیا می‌توان گفت برای کاروان بشریت، با این همه اختلافات و سلیقه‌های متفاوت، امامی و راهنمائی معین ننموده است؟

عمرو بن عبید مات و مبهوت ماند و نتوانست چیزی بگوید. امام صادق علیه السلام از این مناظره با خبر شد.

امام عصر را قلب و قطب، برای خلقت انسانها دانست و بلکه می‌توان بر اساس بعضی از ادلّه لزوم حجّت امام زمان را قلب و قطب عالم امکان دانست.

معجزات امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

انجام دادن معجزات و کرامات از سوی امامان معصوم علیهم السلام و از جمله امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف که حجت‌های خداوند بر روی زمین و وارثان زمین هستند، امر عجیبی نیست. معجزات و کرامات فراوانی از سوی آنان به وقوع پیوسته است. معجزات آن حضرت، دو دسته است:

الف) معجزاتی که آن حضرت در دوران تولّد و کودکی و غیبت، انجام داده اند.

۱- تولّد بدون ظاهر شدن آثار حمل از امام عسکری علیه السلام نقل شده که به حکیمه (دختر امام جواد علیه السلام) فرمود: امشب، به خانه ی ما بیا؛ زیرا، امر مهمّی رخ خواهد داد. پرسید: چه اتفاقی؟ امام علیه السلام فرمود: قائم آل محمد امشب به دنیا خواهد آمد. حکیمه پرسید: از چه کسی؟ امام (علیه السلام) فرمود: از نرجس. حکیمه می گوید: به نزد نرجس رفتم و به او، فرزند بزرگواری را بشارت دادم، در حالی که هیچ اثر حملی در او مشاهده نکردم. چنین معجزه ای، در مورد حضرت موسی (علیه السلام) هم بیان شده. در مادر او، یوکابد، هیچ آثار حملی ظاهر نبود و تا روزی که موسی (علیه السلام) به دنیا آمد، کسی نفهمید که او حامله است.

۲- قرآن خواندن در بدو تولّد هنگام تولّد، مادر نوزاد را به امام حسن عسکری (علیه السلام) دادند. آن حضرت، وی را در آغوش گرفت و فرمود: قرآن بخوان. امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شروع به قرآن خواندن کرد.

۳- شفای مریض لاعلاج محمد بن یوسف نقل می کند، به مرضی دچار شدم که پزشکان از علاج آن ناامید شدند. نامه ای به حضرت امام مهدی (ارواحنا فداه) نوشتم و از آن حضرت، طلب شفا کردم. ایشان در جواب نوشتند: **اَللّٰهُ الْعَافِيْهِ**; خداوند، بر تو لباس عافیت بپوشاند. مدّتی نگذشت که شفا پیدا کردم و وقتی پزشکان از این ماجرا مطلع شدند، گفتند: این شفا و عافیت، به یقین، از جانب خداوند بوده است.

۴- **طلا شدن سنگریزه** یکی از اهالی مدائن می گوید: به همراه رفیقم، به حج می رفتیم. در نزدیکی موقوف، فقیری به سوی ما آمد. ما به او جواب ردّ دادیم. سپس به سوی جوانی خوش سیما که ردایی پوشیده بود رفت. او، سنگی از روی زمین برداشت و به فقیر داد. شخص فقیر، مدّت زیادی در حق او دعا می کرد. در این هنگام، آن جوان غائب شد. ما به نزد مرد فقیر رفتیم و گفتیم: وای بر تو! آیا برای گرفتن یک سنگ، این قدر دعا می کنی؟ که ناگهان در دست او سنگی از طلا دیدیم که در حدود بیست مثقال می شد. وقتی در مورد آن جوان از اهل مکه و مدینه سوال کردیم، گفتند:

چنین شخصی از علویان است و هر سال با پای پیاده به حج می آید.

۵- خبر دادن از غیب از پسر مهزیار نقل شده که در سفری با کشتی همراه پدرم بودم و مال زیادی به همراه او بود. پدرم، دچار بیماری سختی شد و گفت: من، در حال مردن هستم. و در مورد آن اموال، وصیت کرد که آن ها را به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بدهم. از این وصیت تعجب کردم، ولی مطمئن بودم که پدرم بیهوده سخن نمی گوید. با خود گفتم: اگر امر برایم روشن شد، مانند دوران امام حسن عسکری (علیه السلام) به وصیت عمل می کنم و الا آن را صدقه می دهم. مدتی در عراق بودم تا این که فرستاده ای از جانب امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) آمد و مشخصات مال و محل مخفی کردن آن را گفت و حتی بعضی از مشخصاتی را که خودم هم نمی دانستم، بیان کرد و من هم مال را به او دادم.

ب) معجزاتی که امام مهدی ارواحنا فداه به هنگام ظهور انجام خواهد داد

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: هیچ معجزه ای از معجزات انبیا نیست مگر این که خداوند آن را به دست حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) برای اتمام حجت، بر دشمنان ظاهر خواهد کرد. بنابراین، معجزات آن حضرت به دوره قبل از غیبت و غیبت، ختم نمی شود و به هنگام ظهور نیز آن حضرت برای معرفتی حقانیت خویش و اتمام حجت بر دشمنان و منکران، معجزاتی را انجام خواهند داد.

آغاز امامت امام عصر (ارواحنا فداه)

پس از شهادت امام حسن عسکری (علیه السلام) امامت امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) آغاز می گردد و تا زمانی که شرایط حضور فراهم نگردد، امام ظهور نخواهد کرد. از زمان غیبت حضرت تا کنون روایات متعدد و مباحث مختلفی در خصوص شرایط و علائم ظهور بیان شده. اما با نگاه تحلیلی و نگرش سیاسی به این موضوع کمتر پرداخته شده است. در اینجا به اجمال به نکاتی اشاره می شود:

۱- پس از رحلت پیامبر، ائمه معصومین (علیهم السلام) برای رهبری جامعه جهانی و امت اسلامی، رسالت سنگین و الهی خود را در مقاطع مختلف تاریخی عهده دار شدند. اما شاهد بودیم که این رسالت ها ناتمام ماند و امامت معصوم (علیهم السلام) در فرازی از تاریخ سرنوشت ساز خود به شهادت رسیدند.

تا اینکه نوبت به امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) رسید و آن حضرت با عنایت الهی تا آماده شدن شرایط جامعه جهانی برای حضور به عنوان ذخیره الهی امامت و رهبری در پرده غیبت قرار گرفتند.

۲ - بدیهی است که امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف زمانی ظهور پیدا خواهند کرد که بتوانند رسالت امامت و رهبری الهی جامعه جهانی را عهده‌دار شده و به انجام برسانند، رسالتی که خداوند سبحان آن را وعده داده است تا انسان در زمین به کمال رسد و نقش الهی خود را ایفا نماید.

۳ - هر چند در جامعه امروز جهانی، گرایش فراگیر به اسلام خواهی و عدالت به وجود آمده است و روز به روز جمعیت مسلمانان به صورت تصاعدی رو به فزونی است، اما از طرف دیگر اسلام ستیزی توسط قدرت‌های مسلط جهانی ابعاد تازه‌تری به خود گرفته است و هر صدایی که از سوی متفکرین و دانشمندان مسلمان علیه سیاست‌های استکباری بلند شود از درون خفه می‌شود. مسلمانان در اروپا و آمریکا به شدت تحت فشارهای امنیتی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی هستند و کشورهای اسلامی از خاورمیانه تا شاخ آفریقا در آتش خشم این قدرت‌ها گرفتارند.

۴ - مدیریت سازمان‌های بین‌المللی که در عرصه‌های سیاسی، امنیتی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قانون و مقررات وضع کرده و اعمال سیاست می‌کنند، تماما به دست قدرت‌های بزرگ و مسلط جهان اداره می‌شود و امکان راهیابی مسلمانان و فرهیختگان و صاحب نظران مسلمان در حلقه مدیریتی آنها وجود ندارد. به عبارتی فضای جهانی در اختیار چند قدرت بلامنازع می‌باشد. برای ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف شکستن این فضا اجتناب ناپذیر است.

۵ - امروز جمعیت بالغ بر یک میلیارد نفری مسلمانان و در راس آن شیعیان، متعرض وضع موجود جهان هستند. متعرض سیاست‌های خشونت بار و ظالمانه آنها در جای جای دنیا، خاورمیانه، آسیای میانه و دور و آفریقا می‌باشند. شاهد هستیم که این اعتراض‌ها شکل مبارزه به خود گرفته و روز به روز گسترده‌تر و عمق بیشتری می‌گیرد. ۶ - زمانی حضرت ظهور خواهند نمود که اسلام خواهی در دنیا نهادینه گشته و تعرض نسبت به سیاست‌های استکباری در جهان و قدرت‌های مسلط فراگیر شود و با شکسته شدن فضای موجود، دیو استکبار از صفحه جهانی محو شده باشد. حضوری که حکومت جهانی عدل استقرار یابد و خواست الهی تحقق پذیرد.

آخرازمان چه معنی زمانی است؟

در سی و هفت حدیث از **ظهور آقا** در آخرازمان گفت‌وگو شده است. در ده‌ها حدیث از **رواج ستم** در آخرازمان، **بازگشت حضرت عیسی** در آخرازمان، **یاران حضرت** در آخرازمان، **بانگ آسمانی**، **رجعت امامان** و خروج **دَابَّةُ الْأَرْضِ** در آخر الزمان گفت‌وگو شده است. در شماری از احادیث عصر پیامبر، اطلاق شده است.

بنابراین واژه آخرالزمان واژه کشداری است و به دو معنی اطلاق می‌شود :

۱. به معنی اعمّ و به اصالت، یعنی از بعثت پیامبر تا آغاز قیامت
۲. به معنی اخصّ، یعنی به عصر حضرت مهدی(عجل الله تعالی فرجه الشریف) که آن نیز به دو بخش متمایز، **پیش از ظهور** و **بعد از ظهور** تقسیم می‌شود. برداشت مسلمانان عصر رسالت، نزدیک شدن رستاخیز و کوتاهی این مکتب است؛ با توجه به تعبیر پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) که فرمود: **أَنَا وَ السَّاعَةُ كَهَاتَيْنِ؛** من و قیامت همانند این دو هستیم. دو انگشت سبابه‌شان را هم نزدیک کردند.

الف. آخرالزمان، امری نسبی است و زمان بعثت پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) که تا پایان جهان را نسبت به عمر جهان، در نظر گرفته‌اند.

ب. زمان بعثت پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) که ، آغاز آخرالزمان است، اما اینکه چقدر طول می‌کشد و پایان آخرالزمان کی خواهد بود، مشخص نیست.

ج. در قرآن اگرچه به مدت و زمان آخرالزمان تصریح نشده است، اما از نشانه‌ها و حوادثی که قرآن بیان فرموده، می‌توان به دوره پایانی آخرالزمان که مقارن با ظهور حضرت مهدی(عجل الله تعالی فرجه الشریف) است، پی برد :

بحران معنویت اقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَ هُمْ فِي غَفْلَةٍ مُّعْرِضُونَ (انبیاء) حساب مردم به آنان نزدیک شده، درحالی که در غفلتند و روی گردانند. در این آیه، مردم آخرالزمان، به غفلت و اعراض از خداوند، متصف شده‌اند. **وَقَوْعِ اخْتِلَافِهَا وَ دَرَكِیْرِهَای بَسِیَارٍ فَاخْتَلَفَ الْأَنْحَرَابُ مِنْ بَیْنِهِمْ فَوَیْلٌ لِلَّذِیْنَ كَفَرُوا مِنْ مَّشْهَدِ یَوْمٍ عَظِیْمٍ** (مریم ۳۷) ولی {بعد از او} گروه‌هایی از میان پیروانش اختلاف کردند، وای به حال کافران از مشاهده روز بزرگ. این آیه درباره ظهور فرقه‌های مختلف در جهان اسلام است یعنی در آخرالزمان

ظهور دجال لَخَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَكْبَرُ مِنْ خَلْقِ النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا یَعْلَمُونَ (غافر ۵۷) آفرینش آسمان‌ها و زمین از آفرینش انسان‌ها مهم‌تر است، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند. برخی از مفسران، این آیه را به ظهور دجال تفسیر کرده‌اند که در دید مردم، بزرگ‌ترین موجود جلوه می‌کند، در حالیکه خداوند، او را از بسیاری مخلوقات دیگر کوچک‌تر می‌شمارد، سرانجام این پدیده به دست حضرت عیسی(علیه السلام) نابود میشود.

پدید آمدن گرفتاری‌ها و مشکلات إِنْ أَنْتُمْ عَدَابُهُ وَ بَیْتًا أَوْ نَهَارًا مَادَا یَسْتَعْجِلُ مِنْهُ الْمُجْرِمُونَ (یونس ۵۰) اگر مجازات او، شب هنگام یا در روز به سراغ شما آید، پس مجرمان برای چه عجله می‌کنند. **فَإِذَا نَزَلَ بِسَاحَتِهِمْ فَسَاءَ صَبَاحُ الْمُنْذَرِیْنَ** (صافات ۱۷۷)

اما هنگامی که عذاب ما در آستانه خانه‌هایشان فرود آید، انداز شدگان صبحگاه بدی خواهند داشت.

علائم ظهور به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند: فضیل بن یسار از امام باقر (علیه السلام) روایت کرده: یکی نشانه‌های غیرحتمی و دیگر نشانه‌های حتمی. خروج سفیانی از نشانه‌های حتمی است که راهی جز آن نیست.

پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) که میفرماید: زمانی بر مردم خواهد آمد که خدایشان شکم و قبله شان زنان و دینشان پول و شرافتشان وسایل زندگی آنان است. از ایمان جز نامش و از اسلام جز اثرش و از قرآن جز خواندنش باقی نمی ماند. مساجدشان از نظر ساختمان آباد و دل‌هایشان از هدایت ویران است. دانشمندان‌شان بدترین مردمان خدا روی زمین هستند. در چنین زمانی خداوند آنان را به چهار چیز گرفتار می کند: ستم سلاطین، گرسنگی و قحطی، ظلم و ستم فرمانروایان و حاکمان و هم چنین ستم قضات.

هم چنین از علی (علیه السلام) روایت شده: در آخر زمان و نزدیک به رستاخیز که بدترین زمان هاست، زنانی پیدا می شوند که بی حجاب و عریان هستند و خودشان را برای غیر شوهران‌شان آرایش می کنند. آنان داخل شوندگان در آشوب‌ها و فتنه‌ها هستند و به مسایل جنسی گرایش دارند و به سوی خوشگذرانی‌ها و لذتها می شتابند و حرام را حلال می دانند و در دوزخ جاودانند. بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۴۵۵ من لایحضر الفقیه، ج ۵، ص ۲۱

رویکردها و عملکردهای آخرالزمانی

از هنگامی که پیامبر عظیم الشان ما (صلی الله علیه و آله) مسئله ظهور منجی آخرالزمان را مطرح کردند، ذهن مسلمانان همواره با مسئله ظهور منجی عجین بوده است. این امر به حدی در ذهن مسلمانان تثبیت گشته بود که بارها قیام‌هایی از جانب مدعیان دروغین واقع شد.

این مدعیان حتی در احادیث نیز دخل و تصرف کرده و تناقض‌هایی را که بین سخنان آنان و احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله وجود داشت نیز به نحوی توجیه می کردند

تعدادی از این قیام‌ها حتی قبل از تولد حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به وقوع پیوستند که از آن جمله می‌توانیم به قیام محمد بن عبدالله بن حسن بن حسن مجتبی (علیه السلام) اشاره کرد که حتی در بین پیروان خود ملقب به **نفس زکیه** بوده و بعد از مدتی ادعای مهدویت نمود. از دیگر افراد، مهدی عباسی از خلفای بنی عباس است که داعیه مهدویت نمود و حتی در تأیید او احادیث جعلی از پیامبر اکرم ارائه شدند

که در آنها پیامبر (صلی الله علیه و آله) نسب مهدی موعود را از عمومی خود، عبّاس می‌دانند! فصاحت این کار تا بدان حد بالا بود که سیوطی عالم مشهور اهل سنت نیز به صراحت آنها را جعلی دانسته است.

به جز مسئله ظهور، نشانه‌های ظهور نیز در طول تاریخ، بارها ابزار دست اهداف سیاسی گروه‌های قدرت طلب واقع شده‌اند که از آن جمله می‌توان به قیام **ابومسلم خراسانی** از خراسان با پرچم‌های سیاه اشاره کرد که نهایتاً این حيله در جهت خدمت به بنی‌عبّاس به کار گرفته شد و سرانجام آن سقوط بنی‌امیه و حکومت بنی‌عبّاس بود. گه‌گاه سوء استفاده از نشانه‌ها تا بدانجا پیش رفته بود که حتی نشانه‌های منفی، مانند خروج سفیانی نیز مورد توجه واقع شد؛ چنانکه کسی از حکام اموی به نام عثمان با ادّعی اینکه سفیانی است از «عراق» قیام نموده و از دیدگاه جبرگرای مسلمانان آن زمان سوء استفاده کرده و با این عنوان که وی مقدمه‌ساز ظهور است

و دیگران چاره‌ای جز تحمّل وی به عنوان مقدمه‌ساز ظهور ندارند، در عراق به تاخت و تاز پرداخته است. در قرون اخیر نیز وقایع مشابه مانند ادّعی صفویان مبنی بر اینکه سید خراسانی ممکن است از بین آنها برخیزد یا مهم‌تر از آن، ادّعی **بابیت** و **بهائیت** در قرن گذشته، نشان از تأثیرگذاری فرهنگ مهدوی بر تحرّکات سیاسی دارد.

آیا آخر الزمان نزدیک است؟

اصطلاح آخر الزمان برای معانی مختلفی به کار می‌رود. در یک معنا، هنگام سخن از آخر الزمان، منظور نزدیک بودن **زمان ظهور** امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است.

درباره ظهور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در دعای عهد می‌خوانیم **اللَّهُمَّ اكْشِفْ هَذِهِ الْغُمَّةَ عَنِ هَذِهِ الْأُمَّةِ بِحُضُورِهِ ، وَ عَجِّلْ لَنَا ظُهُورَهُ إِنَّهُمْ يَرُونَهُ بَعِيدًا وَ نَرَاهُ قَرِيبًا** خدایا! این غم و اندوه را (که بر اثر غیبت او بما رسیده) با حضور او برطرف نما و در ظهور او شتاب کن، دشمنان ما ظهور آن حضرت را بعید میدانند ولی ما آن را نزدیک می‌دانیم.

و درباره **روز قیامت** چنین آمده **إِنَّهُمْ يَرُونَهُ بَعِيدًا" وَ نَرَاهُ قَرِيبًا" يَوْمَ تَكُونُ السَّمَاءُ كَالْمُهْلِ** [معارج ۶الی ۸] ایشان آن روز را دور می‌بینند. و ما نزدیکش می‌بینیم. روزی که آسمان چون فلز گداخته گردد و اگر این سوال به وجود بیاید که فاصله زیادی بین ظهور و قیامت، وجود دارد، پس چگونه هر دو را نزدیک می‌دانیم، باید گفت که: کسیکه به دنبال حوادث آینده است و از زود یا دیر بودن آنها می‌پرسد، غرضش چیست؟ اگر غرضش آماده شدن برای این وقایع است، باید آن‌ها را نزدیک بداند و

خود را مهیا کند. اما اگر به دنبال علم غیب و اطلاع از جزئیات آینده برای کنجکاوی یا نظیر آن است، بهتر است به این حقیقت توجه کنیم که خدای تعالی علم غیب را براحتی در دسترس دیگران قرار نمی دهد:

عِلْمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا "إِلَّا مَنِ ارْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ [جن ۲۶ و ۲۷] او دانای غیب است و غیب خود را بر هیچ کس آشکار نمی سازد، مگر بر آن پیامبری که از او خشنود باشد. حتی برای پیامبر نیز این علم غیب مطلق و بدون شرط نیست: **لَوْ كُنْتُ أَعْلَمُ الْغَيْبَ لَأَسْتَكْثَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ وَمَا مَسَّنِيَ السُّوءُ** [اعراف ۱۸۸] اگر علم غیب می دانستم بر خیر خود بسی می افزودم و هیچ شری به من نمی رسید. پس راهی مطمئن برای این گونه کنجکاوی برای ما وجود ندارد.

نگاهی به رخدادهای آخرالزمانی قرآن تنها به کلی گویی درباره آخرالزمان و فرجام بشر و دنیا بسنده نکرده، بلکه به برخی از مهم ترین جزئیات در این باره نیز توجه داده است.

۱. جنگ های جهانی: پیش از آنکه حکومت صالحان تشکیل شود، به سبب افزایش کفر و فجور و ظلم و بی عدالتی، جامعه بشری گرفتار جنگ های جهانی می شود. آیات ۹۸ و ۹۹ کهف می فرماید که در آخرالزمان مردم به حال خود رها شده و به جنگ جهانی گرفتار و مبتلا می شوند.

قَالَ هَذَا رَحْمَةٌ مِنْ رَبِّي فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ رَبِّي جَعَلَهُ دَكَّاءَ وَكَانَ وَعْدُ رَبِّي حَقًّا ذو القرنین گفت که این (قدرت و تمکن بر بستن سد) لطف و رحمتی از خدای من است و آن گاه که وعده خدای من فرا رسد (که روز قیامت یا روز ظهور حضرت ولی الله اعظم است) آن سد را متلاشی و هموار با زمین گرداند و البته وعده خدای من محقق و راست است. **وَتَرَكْنَا بَعْضَهُمْ يَوْمَئِذٍ يَمُوجُ فِي بَعْضٍ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَجَمَعْنَاهُمْ جَمْعًا** و روز آن وعده که فرا رسد (طایفه یا جوج و مأجوج یا) همه خلائق محشر چون موج مضطرب و سرگردان باشند و درهم آمیزند، و نفخه صور دمیده شود و همه خلق را در صحرای قیامت جمع آریم.

مقصود از **یموج فی بعض**، در آیه به معنای داخل شدن برخی بر برخی دیگر است که شاید به هجوم و تجاوزگری گروهی از انسان ها به گروهی دیگر اشاره باشد (مجمع البیان)

۲. هجوم یموج فی بعض: یکی از سنت های الهی در آخرالزمان آن است که یاجوج و ماجوج در سراسر زمین یک هجوم سریع خواهند داشت که همراه با فتوحات فراگیر در آخرالزمان است (انبیاء ۹۶) آنان از هر سو سرازیر می شوند. ماجرای یاجوج و ماجوج

به سرزمین خاصی مربوط نیست، بلکه شامل تمام سرزمین‌ها و جهان خواهد بود. از آیات ۹۴ و ۹۸ و ۹۹ کهف این معنا به دست می‌آید که درگیری یا جوج و مأجوج پس از ویرانی سد ذوالقرنین در آخرالزمان خواهد بود. **قَالُوا يَا ذَا الْقُرْنَيْنِ إِنَّ يَا جُوجَ وَ مَأْجُوجَ مُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ فَهَلْ نَجْعَلُ لَكَ خَرْجًا عَلَىٰ أَنْ تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُمْ سَدًّا** آنان گفتند: ای ذوالقرنین، قومی به نام یا جوج و مأجوج در این سرزمین (پشت این کوه) فساد (و خونریزی و وحشیگری) بسیار می‌کنند، آیا چنانچه ما خرج آن را به عهده گیریم سدی میان ما و آنها می‌بندی (که ما از شر آنان آسوده شویم)

۳. خروج دابه الارض: آیه ۸۹ نمل؛ پیش از قیامت جنبنده‌ای از زمین بیرون خواهد آمد که با مردمان سخن می‌گوید. **مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَهُمْ مِنْ فَرَعٍ يَوْمَئِذٍ آمِنُونَ** کسانی که (در قیامت) کار نیکو آورند پاداش بهتر از آن یابند و در آن روز از هول و هراس ایمن باشند.

پیش از قیامت ما آیات اعجازی خود را در آفاق و انفس به آنان نشان خواهیم داد. **سَرُّبِهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَ فِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ** (فصلت ۵۳) به زودی نشانه‌های خود را در افق‌ها و در دل‌هایشان بدیشان خواهیم نمود تا برایشان روشن گردد که او خود حق است آیا کافی نیست که پروردگارت خود شاهد هر چیزی است. در روایات تفسیری است که مراد از آن جنبنده، رجعت علی (علیه السلام) است که حقیقت را آشکار خواهد کرد و با مردم سخن گفته و اتمام حجت می‌کند. در تفسیر مجمع‌البیان آمده که علی (علیه السلام) که آن جنبنده را انسانی میدانند. همچنین آورده‌اند که فرمود: **إِنَّهُ صَاحِبُ الْعَصَا وَ الْمَيْسَمِ**؛ آن موجود شگفت‌انگیز دارای عصا و پاره آهن است.

۴. خروج سفیانی: خروج سفیانی و گرفتاری او و لشکریانش به عذاب الهی از جمله نشانه‌های آخر الزمان است **وَ لَوْ تَرَىٰ إِذْ فَزَعُوا فَلَا قُوَّةَ وَ أَخَذُوا مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ** (۵۱ سبأ) و اگر تو سختی حال مجرمان را مشاهده کنی هنگامی که ترسان و هراسانند، در آن حال هیچ (از عذاب و قهر الهی) فوت نشوند و از مکان نزدیکی دستگیر شوند.. هر چند که برخی این آیه را مربوط به قیامت و پس از نفخ دوم صور می‌دانند ولی با توجه به قرینه **وَ حِيلَ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ مَا يَشْتَهُونَ كَمَا فُعِلَ بِأَشْيَاعِهِمْ مِّنْ قَبْلُ** سرانجام میان آنها و خواسته‌هایشان جدایی افکنده شد؛ همان گونه که از پیش با پیروان آنها عمل شد. آیه فوق بیانگر حالت دنیای آنان است؛ آیه ۱۰۲ هود و ۵۰ واقعه روشن‌نگر همین معناست. در روایات بسیاری از شیعه و اهل سنت این افراد با عنوان سفیانی و پیروان او یاد می‌شوند (مجمع‌البیان الدر المنثور جامع‌البیان)

۵. رجعت بهترین‌ها و بدترین‌ها: همان‌گونه که خوبان امت چون علی (علیه السلام) در آخر الزمان باز می‌گردد تا حجت تمام کند، همچنین اراده الهی بر بازگرداندن دسته‌ای از کافران هر امت به دنیا، در آخر الزمان تعلق گرفته (۸۳ نمل). اما دلالت آیه یاد شده بر رجعت از آن جهت است که مسئله نفخ صور در آیات بعدی مطرح شده و این قرینه‌ای است بر اینکه مقصود از این حشر، حشر روز قیامت نیست؛ بلکه حشری است که در دنیا صورت می‌گیرد و با خروج «دابه الارض» ارتباط دارد. (مجمع‌البیان)

۶. نزول عیسی (علیه السلام) به زمین: از جمله نشانه‌های آخر الزمان باید به نزول عیسی (علیه السلام) در آخر الزمان و ایمان آوردن اهل کتاب به او پیش از وفاتش اشاره کرد. (آیه ۱۵۹)

البته برداشت فوق بر این اساس است که مرجع ضمیر «به»، عیسی (علیه السلام) است چنانکه آیات سابق نیز درباره عیسی (علیه السلام) است. (مجمع‌البیان)

آیات ۵۷ تا ۶۱ زخرف آمده که بازگشت و نزول حضرت عیسی (علیه السلام) در این آیات نیز مورد تاکید است؛ چرا که مرجع ضمیر «انه» نزول عیسی (علیه السلام) در آخر الزمان است. (المیزان)

۷. اجتماع شیعیان بر دور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در آیه ۱۴۸ بقره در اخبار اهل بیت (علیهم السلام) روایت شده که مقصود از **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا** ... اصحاب مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در آخر الزمان است و در روایتی دیگر آمده که آنان همه شیعیان ما هستند که خداوند آنانرا از تمام شهرها به سوی مهدی (ارواحنا فداه) گسیل می‌دارد. (مجمع‌البیان)

۸. خلافت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و شیعیان: وعده خداوند به خلافت امام زمان (ارواحنا فداه) و سپس جانشینی شیعیان در آخر الزمان در آیه ۵۵ نور بیان شده. از امام سجاد (علیه السلام) روایت شده که ایشان در پی تلاوت آیه **وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا...** فرمود: سوگند به خدا! آنان شیعیان ما اهل بیت هستند که خداوند به سبب مردی از خاندان ما مهدی (ارواحنا فداه)، آنان را خلیفه روی زمین قرار خواهد داد... (نورالثقلین)

۹. پایان تاریخ با حکومت صالحان: کتب آسمانی از جمله زیور داود (علیه السلام) به مسئله آخر الزمان اشاره داشته و با نگاهی مثبت به وضعیت آن زمان می‌نگرد و وعده می‌دهد که در آخر زمان حکومت عدالت محور صالحان برپا خواهد شد و پس از ایشان دیگر حکومتی ناصالح روی کار نخواهد آمد؛ چرا که وقتی سخن از وراثت است به این معناست که آنان صاحب اختیار زمین و حکومت آن خواهند بود و کسی پس از ایشان وارث نخواهد شد (انبیاء ۱۰۵ و ۱۰۶)

پس اگر بخواهیم برای دنیا پایان تاریخی بنویسیم و براساس فلسفه تاریخ جبری برای سرنوشت انسان و حاکمیت در دنیا بیان کنیم باید گفت که پایان تاریخ با حکومت صالحان خواهد بود و پس از آن است که قیامت برپا می‌شود و زمین و زمان در هم می‌پیچد و جهانی دیگر آفریده میشود (ابراهیم ۴۸) پس آخرین وارثان زمین، صالحان خواهند بود که حکومتی جهانی تشکیل خواهند داد (انبیاء ۱۰۵ و ۱۰۶)

هنگام قیام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف ارواحنا فداه)

چون مهدی (ارواحنا فداه) قیام کند زمینی نماند، مگر آنکه در آنجا گلبنگ محمدی: **أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ** ، بلند گردد. با حضور حضرت مسیح علیه السلام و برگزاری نماز همراه امام، مسیحیت گروه گروه با ایشان ملحق میشوند، با اقدامات مسیح و مبارزه ایشان یهودی در روی زمین نمی ماند، مگر به امام ملحق شود. در حکومت مهدی جباران و مستکبران و نفوذ منافقان و خائنان نابود شده و عقلها رشد و حکمت و علم مردم بسیار و عیبها و آفت از شیعه بر طرف میشود.

برکت عدل و احسان زیاد شود محصولات کشاورزی و دامی گسترش و به قدر کافی برسد مردم از سایه آن حضرت به آرامش و آسایش و ثروت نسبی برسند و دشمنان سلاحشان بی اثر و نابود شوند

قرآن را به گونه ای تفسیر نماید انگار آیات تازه نازل شده اند و هیچ آیه ای شبیه ندارد و کاملا واضح است. گسترش عدالت - امنیت کامل - رفاه و آسایش - عمران و آبادی - پیشرفت علم و تکنولوژی از اهداف آن حضرت میباشد .

صاعقه از جمله علائم ظهور حضرت مهدی (ارواحنا فداه) است که در روایات بسیاری به آن اشاره شده است و پیامبر اکرم **صلی الله علیه و آله** آن را از نخستین نشانه ها نامیده اند **طاعون** امام علی علیه السلام میفرماید: پیش از ظهور حضرت مهدی (ارواحنا فداه) ، مرگ سفید و سرخ وجود دارد. مرگ سفید، طاعون است. همچنین امام باقر **علیه السلام** هم طاعون را از جمله علائم ظهور اعلام کرده اند

غار انطاکیه غاری که امام زمان (ارواحنا فداه) بعد از ظهور، تورات و دیگر کتب آسمانی را از آن غار بیرون می آورند. **عاموس نبی** از پیامبران پیرو تورات است که در کتاب خود از نزول حضرت عیسی علیه السلام در هنگام ظهور حضرت مهدی (ارواحنا فداه) خبر داده است **صفینا** از انبیای پیرو تورات است که در کتاب خود به ظهور حضرت مهدی (ارواحنا فداه) بشارت داده است.

دجال و ماهیت آن

در بعضی از روایات اشاره شده که در آخرالزمان دجال خواهد آمد. منظور از دجال چیست؟ آیا در جامعه کنونی ما مصداق دارد؟ دجال از ریشه «دجل» به معنای دروغگوی حيله گر است. اصل داستان دجال در کتاب های مقدس مسیحیان است. (رساله یوحنا، باب ۲، آیه ۲۲) در انجیل این واژه بارها به کار رفته و از کسانی که منکر حضرت مسیح باشند و یا «پدر و پسر» را انکار کنند، به عنوان دجال یاد شده است. به همین جهت در ترجمه انگلیسی کتاب های مقدس مسیحی، واژه آنتی کریست (Anti christ) یعنی ضد مسیح به کار رفته. در روایات زیادی از اهل سنت، خروج دجال از نشانه های برپایی قیامت دانسته شده (سنن ترمذی، ج ۴، ص ۵۰۷) در کتاب های روایی شیعه، تنها دو روایت در مورد خروج دجال بعنوان یکی از علائم ظهور مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) آمده (کمال الدین صدوق، ص ۵۲۵).

درباره مصداق و ماهیت **دجال** دو احتمال وجود دارد:

۱. با توجه به معنای لغوی دجال مقصود از آن نام شخص معینی نیست؛ بلکه هر کسی که **با ادعاهای پوچ و بی اساس و با تمسک به انواع اسباب حيله گری و نیرنگ درصدد فریب مردم باشد، دجال است.** بر این اساس، دجال ها متعدد خواهند بود. **قال رسول الله (صلی الله علیه و آله) یكون قبل خروج الدجال نيف علی سبعین رجلاً** (کنزالمعال، ج ۱۴)، پیش از خروج دجال، بیش از ۷۰ دجال خروج خواهند کرد. بنابراین احتمال، در حقیقت قضیه دجال بیانگر این مطلب است که در آستانه انقلاب امام مهدی (ارواحنا فداه) افراد حيله گر برای نگه داشتن فرهنگ و نظام جاهلی، همه تلاش خود را به کار میگیرند تا با تزویر و حيله گری مردم را نسبت به اصالت و تحقق آن انقلاب و استواری رهبریش، دچار تردید سازند.

۲. دجال، کنایه از کفر جهانی و سیطره فرهنگ مادی بر همه جهان است. استکبار با ظاهری فریبنده و با قدرت مادی، صنعتی و فنی عظیمی که در اختیار دارد، سعی میکند مردم را فریب دهد و مرعوب قدرت و ظاهر فریبنده خود کند. بر این اساس است که پیامبران امت های خود را از فتنه دجال بیم داده اند **مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا إِلَّا وَ قَدْ أُنذِرَ قَوْمَهُ الدَّجَالَ...** (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۵)

هیچ پیامبری مبعوث نشد مگر آن که قومش را از فتنه دجال بر حذر داشت، در حقیقت آنرا از افتادن دام مادیت و ورطه حاکمیت طاغوت و استکبار جهانی بر حذر داشته اند. پس احتمال می رود منظور از دجال همان استکبار جهانی باشد؛

مثلا در اوصاف دجال گفته شده: کوهی از طعام و شهری از آب به همراه دارد که این معنا شاید کنایه از امکانات عظیم و گسترده ای که استکبار در اختیار دارد، باشد. **دجال ستیزی دشمن شناسی است**: اصلی ترین دشمن منجی موعود که فتنه و فساد او شرق و غرب عالم را فرا می گیرد و بیشترین مردم را به ستیز و مقابله با آرمانهای الهی موعود وامی دارد، دجال و دجال صفتان عالمند.

دجال مهمترین مانع بیرونی بر سر راه کمال بشر است. منابع دینی مسلمانان، از دجال به عنوان شاخصه ممانعت و مخالفت با منجی موعود و فردی که مخالف شکل گیری نهضت اوست، نام برده شده است؛ یکی از مهمترین وظایف همه منتظران، رسیدن به تشخیص موعود و دجال از یکدیگر است تا دچار اشتباه نشوند.

برای منتظران داشتن نگاه قدرت گرا، بجای نگاهی کمال گرا به منجی عهد آخر، یکی از مهمترین این دام هاست. تشخیص این که چه کسی امام زمان حقیقی است، نیاز به تخصص دارد. کسانی که چشم ظاهر بین دارند و به دنبال کرامت های دروغین هستند، به طور قطع به دنبال دجال می روند و فقط تعداد معدودی که سواد کمال و چشم باطن بین دارند و به مفهوم کمال پی برده اند، اطراف امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را می گیرند.

دجال شاخص ترین نماینده همه ابن ملجم ها و همه کسانی است که در طول تاریخ به نام حق در مقابل حق ایستاده اند و منجی موعود، برجسته ترین نماینده همه حق طلبان و حقیقت جویان تاریخ بشر است.

دجال برای دنبال کردن هدف خود ابزاری دارد. اصطلاح **خر دجال**، میتواند کنایه ای از ابزار و وسایلی باشد که غایت سرگرمی را برای اتلاف وقت مردم و انحراف ذهن آن ها از حقیقت ایجاد می کنند و جاذبه های بسیار زیادی که انسانها را به خود مشغول کرده، از رفتن به راه کمال باز می دارد.

او که مدعی نجات و خوشبختی بشر است؛ با قدرت نمایی و ابزاری که در اختیار دارد، وقت کثی میکند تا دیگر فرصتی برای توجه به کمال و حقیقت باقی نمانده، پس از مدتی عادت های معیوب، محور زندگی انسان شود. واژه دجال، همانند واژه شیطان است؛ چنانچه شیطان نیز یک مفهوم کلی است که دارای یک مصداق اصلی و مصادیق بی شمار فرعی است. **جلوه های آخرالزمانی دجال مربوط به تسلط نظام رسانه ای که ابزار آن ماهواره ها، اینترنت، سینما، تلویزیون، و... است و بنیان کار آن بر فیلمها و موسیقیهای حرام با تکیه بر خشونت و لابیگری استوار است؛** نظامی که از طریق امواج، ذهن و اندیشه مردم جهان را در چنبره خویش گرفته است.

و آنان را با تک چشم جادویی خویش سحر کرده و به هر سو که می خواهد می کشاند. و دسته دیگر مربوط به فراگیری طاغوت‌های سیاسی، ناتوهای فرهنگی و عرفانهای دروغین نوظهور که خود شامل ابرقدرت‌های شیطانی، لابیهای صهیونیستی، تیمهای فراماسونری، شیطان پرستی و... می شود؛ فرقه ها و گروه‌هایی اهریمنی که بر ارکان قدرت و ثروت جهان چنگ انداخته و بیشتر مردم جهان را در جولانگاه فتنه و فساد خویش تار و مار ساخته اند. یکی از محورهای اصلی در فرآیند مهدی گرایی و دجال ستیزی، ولایتمداری و امام سالاری است. در طول تمام دوره های تربیتی، برانگیختن محبت، معرفت و ولایت پذیری نسبت به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) از مهمترین محورها و بنیانهای تربیتی است. روح و حقیقت خانواده باید به احرام در آید و همواره دور کعبه ولایت و امامت طواف کند. چرا که وجود امام، چونان کعبه است که مردم باید به گردش طواف کنند، نه او به گرد مردم. مردمی که بارها در تنگ ناها ولایت پذیری را تجربه و تمرین کرده اند کمتر دچار حيله دجال می شوند ولی آنانکه با تحلیل های غلط از رهبری خود را کنار کشیده در مقابل دجالان آسیب پذیرترند.

تمرین در ولایت پذیری مطمئناً مقدمه پذیرفتن ولایت جهانی حضرت بقیه الله الاعظم است بدون تمرین و عادت محال است ولایت امر را با معجزه پذیرفت. بدون شک با یک نگاه موضعگیری قدرت طلبان شرق و غرب را در انقلاب و رهبری بنگریم به حقانیت آن خواهیم رسید

شاخص های خروج دجال

نقل است که سرور مومنان علی علیه السلام روزی خطبه میخواندند و جمله **سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي** پرسید از من پیش از آنکه مرا از دست بدهید. این شاخص ها را بیان فرمود: خروج دجال لعین وقتی خواهد بود که مردمان نماز نگرارند، و امانت را ضایع کنند و دروغ را حلال دانند و ربا خورند و رشوه گیرند، و بنیان را مشید و محکم سازند و دین را به دنیا فروشند و سفها را عامل سازند،..

و قطع رحم کنند و تابع هوای نفس گردند و خون ها را سهل شمارند و علم ضعیف شود و ظلم فخر گردد و امرا فاجر و وزرا ظالم و عرفا خائن و قاریان فاسق باشند، و گواهی دروغ ظاهر شود و فسق و فجور علانیه کنند، و بهتان و گناه مطلقا یا شرب خمر و طغیان، نافرمانی خدا را آشکار نمایند و مصحف ها را زینت کنند و مسجدها را طلا کاری یا مطلقا زینت کنند و منارها را بلند سازند و بدان را اکرام کنند. **تَشْبَهُ النِّسَاءُ بِالرِّجَالِ وَ الرِّجَالُ بِالنِّسَاءِ** زنان خود را شبیه مردان و مردان خود را شبیه زنان سازند. (کمال الدین باب ۷۴)

پیش از ظهور حضرت مهدی (ارواحنا فداه) پنج نشانه تحقق پیدا می کند؛

صیحه آسمانی- خروج سفیانی- فرورفتگی در بیدا- خروج یمانی- کشته شدن نفس زکیه.
صیحه آسمانی: امام باقر (علیه السلام) می فرمایند: دو صدا باید قبل از ظهور شنیده شود، یک صدا از آسمان که صدای جبرئیل است و صاحب این امر را به نام او و نام پدرش معرفی می کند. صدای دوم، صدای شیطان است که می خواهد مردم را گمراه کند.

پس از صدای اول متابعت کنید اما بترسید از اینکه صدای دوم شما را به گمراهی کشاند. منادی از آسمان فریاد می زند به اینکه حضرت مهدی (ارواحنا فداه) امیر بر مردم است و نیز منادی از آسمان می گوید که علی (علیه السلام) و شیعیانش رستگارانند. بعد از این صدا شیطان فریاد می زند که فلانی و پیروانش رستگارانند... نکته مهمی که باید به آن توجه داشت این است که نباید این دو صدا را با ندای **روز ظهور** اشتباه گرفت.

خروج سفیانی: در مورد شخص سفیانی روایات بسیاری آمده و همین طور در مورد زمان خروج و کارهایی که انجام خواهد داد بسیار روایت آمده که دلیل بر حقیقت وجود سفیانی می باشد. اولاً در مورد اینکه آیا خروج سفیانی حتمی است. می توانیم به حدیثی از امام باقر (علیه السلام) فرمود: **السُّفْيَانِيُّ وَ الْقَائِمُ فِي سَنَةِ وَاحِدَةٍ**: سفیانی و قائم (ما عجل الله تعالى فرجه الشريف) در یک سال قیام می کنند.

از امام رضا (علیه السلام) در حدیثی آمده که: امر قائم امری حتمی است که از جانب خداوند و ظهور قائم جز با وجود سفیانی نخواهد بود. امام صادق (علیه السلام) درباره حتمی بودن قیام سفیانی می فرمایند سفیانی از نشانه های حتمی ظهور است و خروج او از آغاز تا انجام، پانزده ماه به طول می کشد (بحار الانوار).

امام باقر (علیه السلام) می فرمایند: سفیانی سرخ روی سفید پوست و زاغ چشم است و هرگز خدا را پرستش نکرده و هرگز مکه و مدینه را ندیده است. عثمان بن عنبسه از فرزندان هند جگرخوار به حساب می آید که طبق روایات آمده او فردی قد بلند و چهار شانه سرخ رو آبله بسیار در صورت و یک چشم می باشد (کتاب علائم ظهور شیخ علی کورانی) از بیابانی در سوریه به نام وادی یابس خروج خواهد کرد. امام علی (علیه السلام): فرزند خورنده جگرها از وادی یابس خروج می کند.

جابر در کتاب الغیبه نعمانی است که از امام باقر (علیه السلام) نقل می کند که فرمودند: ای جابر قائم ظهور نمی کند تا آنکه فتنه ای شام را فرا گیرد و اهل شام به دنبال خلاصی از آنند. سفیانی کشت و کشتار بسیاری راه می اندازد و حکومت او نزدیک به ۱۵ ماه

می باشد که بر پنج شهر تسلط کامل می یابد. از برخی روایات چنین استفاده می شود که وی مسلمان منحرفی است که کینه حضرت امیر المومنین (علیه السلام) را به دل دارد.

چنانکه امام صادق (علیه السلام) می فرمایند: گویا سفیانی را می بینم که در میان کوفه جایگاه خود را گسترده و منادی او فریاد می زند هرکس سر شیعه علی بن ابی طالب را بیاورد هزار درهم خواهد گرفت. همسایه به همسایه می جهد و گردنش را می زند و هزار درهم می گیرد.

آگاه باشید که در آن روز حکومت شما فقط به دست زنا زادگان خواهد بود (الغیبه شیخ طوسی ص ۲۷۳). امام علی (علیه السلام) درباره مدت حکومت و محل مرگ او در ذیل آیه شریفه **وَ لَوْ تَرَى إِذَا فَرَغُوا فَلَا فُوتَ** می فرمایند: کمی پیش از قیام مهدی (ارواحنا فداه) سفیانی قیام می کند پس به اندازه ۹ ماه حکومت کرده و لشکریان او به مدینه وارد شوند تا اینکه به **بیدا** می رسند و خداوند آنها در زمین فرو می برد (تاریخ غیبت کبری محمد صدر)

خروج یمانی: یمانی فردی که از یمین قیام می کند و از نسل زید بن علی بن الحسین (علیه السلام) می باشد و یمانی، سفیانی و خراسانی هر سه در یک روز حرکت خود را آغاز می کنند و پرچم های خود را می افرازند.

روایاتی از ائمه اطهار (علیهم السلام) که در میان این سه پرچم لوایی هدایتگرتر غیر از پرچم یمانی نیست.

امام باقر (علیه السلام) در مورد نشانه های قیام منجی می فرمایند: در پیشاپیش ظهور مهدی (ارواحنا فداه) دو نشانه بزرگ دیده می شود: **خسوف ماه** در پنجم آن ماه و **کسوف خورشید** در پانزدهم آن ماه. از وقتی که خداوند حضرت آدم را به این دنیا فرستاده چنین واقعه ای رخ نداده. پس دیگر اعتباری برای منجمان باقی نخواهند ماند.

قال الصادق (علیه السلام) **طُوبَى لِشِيعَتِنَا الْمُتَمَسِّكِينَ بِحَبْلِنَا فِي غَيْبِهِ قَائِمَنَا،** خوشا به حال شیعیان ما ! آنان که در زمان غیبت قائم ما به ریسمان ولایت ما تمسک می جویند.



وظایف منتظران واقعی حضرت

اهل وفا، نصیحت، سرعت و سبقت باشند یکی از ویژگی‌هایی که خادمین برای خدمتگزاری در ساحت حضرت ولی عصر وفا است یعنی انسان تمام ظرفیت خود را در خدمت حضرت بگیرد به صورتی که تمام ظرفیتش پر باشد و جای خالی نداشته باشد. این مسئله یعنی که فرد هر کاری که می‌شده است را انجام داده باشد و بعداً از کلمه ای کاش استفاده نکند، باید آنچه خواست امام زمان است قبل از اینکه ایشان بفرمایند انجام دهیم و باید از سایرین سبقت بگیریم.

منتظر واقعی ساکن و بی تحرک نیست انتظار فرج آن امام بزرگوار خود یکی از اصلی‌ترین وظایف و دغدغه‌های شیعیان واقعی محسوب می‌شود. ما باید مسئله مهدویت و انتظار فرج را در مسیر اصلی خود تعریف نماییم. پیامبر اکرم می‌فرمایند **افضل العبادة انتظار الفرج** در این خصوص حفظ ایمان و حرکت در مسیر ولایت است که مومنان را به سعادت می‌رساند. ولایت‌پذیری مومنین نسبت به مقام شامخ امام زمان نیاز به معرفت و شناخت دارد. باید این قابلیت در تک‌تک افراد و کل جامعه اسلامی ایجاد شود تا زمینه‌های ظهور فراهم شود. فرج امام با معجزه صورت نمی‌گیرد، بلکه این خودسازی فردی و اجتماعی افراد و جامعه است که منتج به فرج ایشان میشود.

منتظر واقعی امام زمان (ارواحنا فداه) باید با ظلم و فساد و تبعیض مبارزه نماید و پیرو واقعی امام باید وقت خود را صرف خودسازی فردی و اجتماعی جامعه نماید. این تفکر اشتباه و خطای محض است که برخی در دوران انتظار سکوت نموده و نظاره‌گر اوضاع باشند و انتظار داشته باشند که در دوران ظهور جزء یاران امام باشند. اساساً چنین موضوعی قابل قبول نیست. منتظر واقعی باید تحرک داشته باشد. ما باید موضوع همت و کار مضاعف را با توجه به مسئله مهدویت و ویژگی‌های منتظر واقعی امام مورد توجه دقیق قرار دهیم.

انتظار و منتظران واقعی ما هر شب منتظر طلوع خورشید فردا هستیم، اما معنای انتظار خورشید، آن نیست که دست بر روی دست بگذاریم و تا صبح در تاریکی به سر ببریم، انتظار، حالت نیست، بلکه عمل است. بنابراین منتظران واقعی باید اهل عمل باشند. **کسی که منتظر مهمان است، در خانه آرام نمی‌نشیند** (تمثیلات ۴۷)

ره آورد انتظار، برداشت‌هایی از انتظار انتظار به معنی تعطیلی تکلیف و صرف چشم به راه بودن نیست بلکه روح انتظار آراسته شدن به اخلاق اسلامی و سازش نکردن با ظالمان و زمینه‌سازی برای حکومت عدل جهانی حضرت است.

الف) بدون تردید امر به معروف و نهی از منکر با انتظاری میسازد که تکلیف ساز

باشد نه با معنایی که تکلیف سوز است.

ب) انتظار را با واژه هایی مانند بهترین عمل، بزرگترین عبادت و آمادگی نظامی قرین ساخته اند و هر عقل سالمی می پذیرد که واژه های عبادت و عمل و آمادگی نظامی، با انتظاری که معنایش گوشه گیری و رکود است تناسبی ندارد. امامی که مهمترین لقبش قائم است و منتظران با شنیدن این لقب، قیام میکنند، و با این کار آمادگی خود را به نمایش می گذارند، چگونه می توان چشم به راهی منتظرانش را به رکود تفسیر کرد و عاشقانش را به عزلت و ایستایی متهم کرد.

انتظار سازنده، عامل مقاومت و بقای تشیع انتظار سازنده، از بزرگترین عوامل مقاومت و پایداری است و از آن جهت که مسلمانان و به ویژه شیعیان را در برابر ظلمها، فسادها و ... ثابت و پابرجا نگه میدارد و به آنان دل و جرأت میدهد تا در برابر دشمنان اسلام مقاومت و ایستادگی کنند و در عقیده خود محکم و استوار و ثابت قدم بمانند سرمایه روحی بزرگی برای منتظران است.

جیمز دارمستر شرق شناس و زبان دان معروف فرانسوی نیز انتظار را عامل مقاومت و بقای تشیع دانسته: قومی را که با چنین احساساتی (عشق و انتظار به حضرت مهدی پرورش یافته است می توان کشتار کرد اما مطیع نمی توان ساخت. در طول تاریخ حیات پر افتخار تشیع، مهمترین عاملی که شیعیان را در برابر حکومت های جور و ستم از زوال و انقراض نگهداشته است مسئله انتظار و عقیده به ظهور مهدی بوده است. ریشه تمام حرکات و نهضت های شیعه و مسلمین علیه باطل و استعمارگران، همین فلسفه اجتماعی انتظار عقیده به ادامه مبارزه حق و باطل تا پیروزی مطلق بوده است.

انتظار سازنده، آراستگی به عدالت

زندگی منتظرانه زندگی منتظرانه پیشینه ای دراز در تاریخ و افقی ناپیدا در آینده روزگار دارد. باور انتظار تنها به پایان عصر غیبت بر نمی گردد بلکه به دوران آغازین دین؛ زیرا تاریخ اسلام این سلوک را در زندگی دینی آن روزگار نشان میدهد. فرهنگ انتظار با سه رکن مهم تحقق پیدا می کند:

۱. نارضایتی یا قانع نبودن به وضع موجود؛ ۲. امید داشتن به آینده بهتر؛

۳. حرکت و تلاش اما این انتظار فقط در حیطه زندگی فردی انسانها توسعه پیدا نمیکند بلکه در اعماق زندگی و روابط اجتماعی انسان ها تحقق می یابد.

انتظار اعتقادی است در گرو عمل به آن چه فرهنگ انتظار ایجاب میکند. انتظار باوری است بارور به عمل که در زندگی منتظر در قالب کرداری خاص تجسم می یابد.

چگونگی تسخیر جهان با یاران معدود چگونه ممکن است مثلاً سه میلیارد نفر تسلیم یک جمعیت اندک معدود شوند و از عادات و اخلاق و برنامه‌ها و سنن خود دست بردارند؟ بر حسب روایات و احادیث شریفه، وقتی حضرت ظاهر می‌شوند، نخست ۳۱۳ نفر از خواص اصحاب در مکه حاضر خدمتش می‌گردند و وقتی عده اصحاب و اجتماع کنندگان به ده هزار نفر رسید از مکه خارج می‌شوند و اما غلبه آن حضرت و حکومت جهانی اسلام، ممکن است بطور اعجاز و خرق عادات انجام یابد و با فراهم شدن اسباب و علل ظاهری باشد و ممکن است به هر دو نوع واقع شود.

تسخیر جهان بطور اعجاز حصول چنین غلبه مطلق برای آن حضرت، به خواست خداوند، امری است ممکن و معقول و با وعده‌های صریح و بشارت‌های حتمی که در قرآن مجید و احادیث متواتر داده شده، بدون شبهه حاصل خواهد شد خداوند به مصداق آیه **گَمِ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ** چه بسیارند گروه اندکی که به اذن خداوند، بر گروه بسیاری چیرگی می‌یابند آن حضرت، اصحابش و عموم بندگان شایسته خدا را بر تمام علل غالب و حاکم، و وارث و مالک ارض قرار می‌دهد.

و از لحاظ اسباب، و علل ظاهری حصول چنین فتح و غلبه و تشکیل آن حکومت الهی ممکن و عملی خواهد بود، زیرا آن حضرت در موقعی ظهور می‌کند که اوضاع و احوال اجتماعی و اخلاقی و سیاسی کاملاً مساعد باشد. در آن موقع همه ملل از مدنیت معنوی و اخلاقی محروم، و دشمنی و کینه و ظلم و تجاوز، همه را نسبت به یکدیگر بد بین و از هم جدا ساخته و اتحاد، وحدت، همفکری و همکاری، به کلی از میان بشر رخت بر بسته و از اینکه کسی بتواند بدون مدد غیبی جامعه را رهبری کند، همه مایوس می‌گردند. خلاصه همه با هم در مبارزه و جنگ و ستیز و همه از وضع خود ناراضی، و از مکتب‌های مختلف که عرضه می‌شود نا امید بوده و منتظر تغییر رژیم و انقلاب و عوض شدن اوضاع، و کنار رفتن زمامداران خدا نشناس و برداشته شدن مرزها و الغای تجزیه‌ها و تقسیم‌ها می‌باشند.

در یک چنین موقعیتی، حضرت و اصحابش، با نیروی ایمان و اخلاق حسنه و با نجات بخش‌ترین برنامه‌های عمرانی و اقتصادی و عدالت اجتماعی، برای انقلاب و دعوت به قرآن و اسلام، قدم به میدان می‌گذارند و آن نهضت الهی و دعوت روحانی را شروع می‌کنند. مردم را بسوی خدا و احکام خدا و زندگی برابری و برادری، عدل و امنیت، صفا و وفا، راستی و درستی و نظم صحیح، می‌خوانند و خود و اصحابش، نمونه همه فضایل بشری می‌باشند و با نیروی ایمان و استقامت و پشتکار و همتی که مخصوص مؤمنان ثابت قدم است، هدف و مقصد خود را تعقیب می‌نمایند. معلوم است این جمعیت با آن برنامه‌ها و وضع کار، در آن دنیای پر آشوب و غرق در طوفان گرفتاریها و فشارها، دلها را به خود متوجه نموده و فاتح و پیروز می‌شوند و هیچ نیروئی نمی‌تواند در برابر آنها مقاومت کند. از آنهمه تعظیم و نیایش و بشر پرستی و استعباد سلاطین، خسته شده بودند و

مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ده انقلاب در یک انقلاب

کارنامه همه ایدئولوژی‌های بشری در عصر حاضر و در طول تاریخ دارای نقاط سیاه بسیاری است. بسیاری از آنها به یک نکته صحیح توجه کردند و نکات مهمتر را نادیده گرفتند. آخرین جمع‌بندی مغرب زمین این است که تمام ایدئولوژی‌ها امتحان خود را پس داده‌اند و ما دیگر احتیاج به ایدئولوژی نداریم، هرچه در این مدت فریب خوردیم کافی است و انقلابی در ابعاد جهانی نمی‌تواند وجود خارجی داشته باشد.

اما درست در این نقطه بن‌بست و در این زمانی که افراد احساس خلاء شدید می‌کنند، یک انقلاب واقعاً کبیر از راه خواهد رسید که جهان را یک جا در خواهد نوردید. مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه) از راه خواهد رسید و دست همه بشریت را "برای متحول کردن موقعیت انسانی" خواهد فشرد.

شرق و غرب عالم خانه مهدی (عجل الله تعالی فرجه) است، اگرچه پیام او از حیث مضمون، نه شرقی و نه غربی، ولی از حیث مخاطب به هر دو پهنه توجه دارد. او مادری رومی و مسیحی داشت که در جنگی اسیر شد و خود اسلام و شرافت را برگزید. او از نظر نژاد از دو نژاد مختلف است و مساله قیام او یک تحول انسانی بشری است، نه یک مساله نژادی و عربی.

مادر او و مادر تعداد دیگری از امامان شیعه (علیهم السلام) از نظر طبقه بندی‌های ظاهری اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، جزء طبقات پائین بوده‌اند و عظمت این مساله مشخص می‌شود که معیارهای غلط اجتماعی در این نهضت جهانی، دخیل نیستند. در این مجال سعی بر بیان، بعضی از شاخصه‌های انسانی جامعه مهدوی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) که ایشان بنا خواهند کرد رفته است، هرچند در حد اشاره باشد.

حکومت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، حکومت دینی و جهانی است و در عین حال حکومت کلیشه‌ها نیست، بدین معنا که جهان مملو از آدمهای یکنواختی باشد که همه مثل ماشین یک جور حرف می‌زنند و یک جور عمل می‌کنند. در آن زمان، همه هم‌شکل و هم‌سلیقه نیستند، البته روابط انسانی بر اساس مناسبات و معیارهای الهی تنظیم می‌شود و همه حقوق و حدود را می‌شناسند ولی یکنواخت نیستند. انسانهای با فضیلت و تربیت‌شده‌ای هستند که هم، حق را می‌شناسند و هم تکلیف را و علی‌رغم تفاوت با یکدیگر، متناسب و متعادلند. اختلاف نظر در جامعه مهدوی وجود ندارد چون همه واقعیت را وجدان می‌کنند.

مفهوم اطاعت‌پذیری از امام در جامعه مهدوی [عجل الله تعالی فرجه الشریف](#) مطلقاً به معنی تعطیل کردن عقل فردی، درک و تشخیص و احساس مردم و ماشینی شدن، جامعه نیست. این اطاعت در رهبری انقلاب جهانی، ضامن اجرایی حقوق و ضامن تعالی شخصیتی آحاد شهروندان آن جامعه جهانی است. همه تأکیدها در انقلاب جهانی ایشان بر "حقوق مردم" است و پرچم اصلی انقلاب، پرچم "عدالت" است.

در روایات آمده است که کار اصلی مهدی [عجل الله تعالی فرجه الشریف](#)، رساندن مردم به حقوق مادی و معنویشان است. یعنی شعار اصلی ایشان "عدالت" است و جوامع بشری را بعد از آنکه مملو از ظلم و جور شده باشد از عدالت آکنده خواهند کرد و حقوق انسانها، احقاق می‌شود.

هدف اصلی و فلسفه نهضت تربیتی ایشان، نجات مردم، احقاق حقوق بشریت و رفع تبعیض‌های نژادی و ... است. قدرت او سرتاسر، شرق و غرب عالم را فرا خواهد گرفت و هیچ سرزمینی خارج از این حکومت قرار نمی‌گیرد.

سؤالی که این جا مطرح می‌شود این است که: آیا این فتوحات از نوع فتوحاتی است که قیصرها و فرعونها در طول تاریخ بدنبال آن بوده‌اند؟ جواب این سوال را حضرت امیر [\(علیه السلام\)](#) به این صورت داده‌اند که: مهدی [\(ارواحنا فداه\)](#) می‌آید تا تمام بردگان را در سراسر زمین آزاد کند. این فکر که برده داری در دنیای امروز امری منسوخ است، صحیح نیست،

زیرا اگرچه برده داری به شکل صریح و سنتی در عصر ما کمیاب است (هرچند که وجود دارد) ولی امروزه برده‌ها را با روش‌های پیچیده و مدرن می‌فروشند، اکثریت بشر، بردگانی هستند در دست برده دارانی که با شیوه‌های جدید برده داری می‌کنند و ملت‌ها و نسل‌ها را خرید و فروش می‌کنند. حال روشن است که چرا حضرت امیر [\(علیه السلام\)](#) فرمودند: مهدی [\(ارواحنا فداه\)](#) برده‌ای را روی زمین نخواهد گذاشت مگر آنکه آزادش خواهد کرد. برده‌های اقتصادی و برده‌های سیاسی و برده‌های گوناگون.

مهدی [\(ارواحنا فداه\)](#)، هیچ بدهکاری را در دنیا باقی نخواهد گذاشت مگر آنکه قرض او را ادا کند. هیچ ظلمی را باقی نخواهد گذاشت مگر آنکه از ایشان رد مطالب کند و آن ستم‌ها را جبران کند. سرنوشت و حقوق همه مردم برای ایشان مهم است. انقلاب و اصلاح او آنقدر انسانی است که مهدی هیچ بی‌گناهی را نمی‌کشد حتی اگر در سپاه دشمن باشد. انقلاب او، انقلابی قاطع است، با هیچ ستمگری سرسازش ندارد ولی

انقلابی کاملاً انسانی است و یک شورش کور که مردم را تنها یک آلت دست می‌بیند و چشمش فقط به پیروزی و قدرت خیره است، نمی‌باشد.

انسان و حتی یک انسان نیز برای او مهم است. کوچکترین ذره حق برای او مهم است. او می‌گوید هیچ کاری واجب‌تر از احقاق حق و لو کوچکترین حق برای عادی‌ترین فرد، نیست. انقلاب او در واقع انقلاب مردم است و با رهبری صالح و تمام عیار صورت می‌گیرد.

مهدی (ارواحنا فداه) دو چهره دارد. چون دو مخاطب دارد. چهره اولی، چهره‌ای است که مهدی (ارواحنا فداه) با توده‌های مردم با همه بشریت و با انسان‌های مظلوم و محروم دارد، او آن چنان با ایشان متواضع و مهربان است که گویی با دست خود غسل (عین لفظ روایت) در دهان محرومان جهان می‌نهد و چهره دوم که در برابر مافیای ستم جهانی بروز می‌کند؛ با آنها جز با زبان سلاح و از تیغ شمشیر سخن نخواهد گفت و حتی از آنها توبه هم نخواهد پذیرفت. زیرا دیگر دوران موعظه و توبه آنها پایان یافته، به اندازه کافی، هزاران سال از آنها خواسته شده است که توبه کنند. وقت عمل به وعده‌هایی است که همه انبیاء (علیهم السلام) قبلاً داده‌اند.

بر طبق روایات ما در رستاخیز مهدی (ارواحنا فداه) هرچه هست، صلح و دوستی، برادری و رحمت و یگانگی است. مهدی (ارواحنا فداه) می‌جنگد، اما جنگ برای صلح، زیرا می‌داند که نمی‌شود به این جنگ‌ها پایان داد، مگر با جنگی که همه این جنگ‌ها را یکسره کند، او برای صلحی توأم با عدالت می‌جنگد. شعار جامعه مهدوی، محبت است و در جامعه‌ای که مهدی **عجل الله تعالی فرجه الشریف** می‌سازد، مردم به یکدیگر خدمت می‌کنند، بی‌آنکه نیرنگی در کار باشد.

هرجا به محض آنکه جرمی صورت گیرد، حد خدا جاری می‌شود و هیچ تبعیضی پذیرفته نخواهد بود. روش ایشان در حکومت این است که با کارگزاران حکومت اسلامی و جهانی، بسیار سخت‌گیر و با مردم، بویژه مستمندان بسیار مهربان است. با مردم، آسان، برادرانه و متواضعانه برخورد می‌کند. حق همه حق‌داران را می‌ستاند، آرمانهای همه انبیاء را تحقق می‌بخشد. حرکت او در واقع یک انقلاب نیست، بلکه چندین انقلاب در دل یک انقلاب جا گرفته است.

انقلاب مهدی (ارواحنا فداه) از همه جهات یک استثناء در تاریخ بشر است و تنها یک انقلاب سیاسی نیست، بلکه تحولی همه‌جانبه و عمیق در همه ابعاد مادی و معنوی زندگی بشر است، اکنون به چندین بعد این انقلاب جهانی می‌پردازیم:

انقلاب در حقوق زن و ارتقای عقلانیت و حقوق علمی ایشان ۳۱۳ تن را بر می‌گزیند که در واقع کادر اصلی انقلاب جهان و مدیران اصلی حکومت ایشان هستند. در روایت است که ۵۰ تن از آنان زن هستند، اینان در عالی‌ترین سطوح مدیریت جهانی به فعالیت می‌پردازند. پس نقش زنان را در این انقلاب بوضوح می‌توان حس کرد. مهدی کاری خواهد کرد که زن بدون اینکه دست از عفت خود بکشد، به عزت برسد. پس ۳ انقلاب بزرگ عقلانی و انقلاب حقوقی (حقوق زن و ...) و انقلاب علمی را در نهضت مهدوی مشاهده می‌کنیم.

انقلاب اقتصادی در این زمان (زمان ظهور) یک انقلاب اقتصادی و فن‌آورانه رخ می‌دهد. سراسر زمین برای او در نور دیده می‌شود، آنچه در دل زمین است و آنچه بر روی زمین است در زمان ایشان به نفع بشریت محروم به فعل می‌رسد. زمین محصول بسیاری می‌دهد و هیچ خرابه‌ای در زمین نمی‌ماند مگر آنکه در حکومت مهدی **عجل الله تعالی فرجه الشریف** آباد شود، اینطور نیست که در بخشی از دنیا اقلیتی سیر و اکثریتی گرسنه و مفلوک وجود داشته باشد. در زمان او هیچ جای جهان نیست که پا بگذارد مگر آنکه سرسبز است و همه دنیا آباد است، زمین گیاهان بسیار رویاند. آب نهرها فراوان شود. در این عصر تنعم و وفور نعمت، البته با رعایت عدل و اعتدال و نه توأم با اسراف و تبذیر و ستم، فراگیر می‌شود.

انقلاب در روابط انسانی انقلاب دیگر، انقلابی است که در روابط انسانی و مناسبات بین افراد صورت می‌گیرد. روابط صمیمانه و انسانی، آنچنان پیشرفت می‌کند که اگر کسی احتیاج پیدا کند از دارایی‌های دیگری به مقدار نیاز بر می‌دارد، بطوریکه آن دیگری ناراحت نمی‌شود. در آن روز همه چیز مال همه است. توطئه دیگر معنی ندارد، همه به فکر یکدیگرند و برادری خارج از الفاظ، معنی پیدا خواهد کرد. انقلاب او اگرچه انقلاب بزرگ و خونینی است، اما هرگز بدنبال کینه‌توزی نیست؛ بلکه یکی از بزرگترین آرمانهایش کینه‌شویی است.

انقلاب بر ضد تبعیض در آن زمان یا همه با هم سیر می‌شوند و یا اگر به قدر کافی نیست، همه با هم گرسنگی می‌کشند. وقتی مهدی **عجل الله تعالی فرجه الشریف** بیاید اموال را به طرز صحیح تقسیم می‌کند و بر طبق روایت، یکسان به همه بشریت. اموال را چنان تقسیم می‌کند که در همه دنیا یک گرسنه و محتاج پیدا نمی‌شود، امروزه حتی در مرفه‌ترین جوامع دنیا (علیرغم اینکه آن رفاه هم در نتیجه ظلم و فاصله‌های طبقاتی جهانی بوجود آمده است) در عین حال هزاران شهروند از ابتدایی‌ترین امکانات زندگی

محروم هستند. در جهان امروز فاصله طبقاتی به معنای دقیق کلمه وجود دارد. اما در آن عصر، این رفاه بدون تبعیض در همه جا جریان خواهد یافت.

انقلاب اجتماعی در عین حال همه بشریت مرفه خواهند شد، روح سودپرستی و خودمحوری نیز برانداخته خواهد شد. در آن جامعه همه به هم خدمت می‌کنند. این ابعاد اجتماعی، اگرچه با شکوه هستند در عین حال واقع‌بینانه نیز هستند. البته تکامل در این حد به دست امثال بشر امروزی شدنی نیست. اما اولاً این تکامل آرمان اسلامی است و ثانیاً عملی خواهد شد.

انقلاب امنیتی بعد دیگر در نهضت جهانی مهدوی عجل الله تعالی فرجه الشریف یک انقلاب امنیتی است. برحسب روایات در دوران مهدی یک دختر جوان (که مثلاً در برابر خشونت و تهاجم، آسیب‌پذیر است) به تنهایی از گوشه‌ای به گوشه دیگر دنیا سفر می‌کند، بی‌آنکه تهدیدی علیه امنیت او وجود داشته باشد و در آن زمان مردم به تدریج واژه "ترس" را از یاد می‌برند

انقلاب عمرانی از منظر عمرانی دنیا به دست او زنده و آباد خواهد شد، صفا و شادابی بر همه جوامع بشری حکومت خواهد کرد، اما شادی از نوع شادی انسانی، شادی که نه به قیمت آزار دیگران و پایمال کردن حقوق بدست آید.

انقلاب بر ضد جهل انقلابی بزرگ در درک دین صورت می‌گیرد، شناخت دین در عصر مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اوج می‌گیرد و متحول می‌شود. براساس روایت، وقتی که حضرتش قیام کند، متأسفانه کسانی در جهان اسلام در برابر او می‌ایستند و علیه ایشان به قرآن! استدلال می‌کنند؛ اینان کسانی هستند که نه حقیقت دین را بدرستی می‌شناسند و نه خدمتی به معارف دین می‌کنند. کوچکترین سختی در راه دین نمی‌کشند، اما سود مادی از دین می‌برند. روایتی متذکر می‌شود که انقلاب علیه جهل و قشری‌گری و انقلاب علیه بدعت‌ها و شبهات هر دو به دست ایشان صورت می‌گیرد. جهل به جنگ او خواهد آمد و او دین خدا را همانگونه که نازل شده به مردم می‌آموزد و تفسیرهای غلط از دین را برخواهد انداخت.

انقلاب فرهنگی انقلاب عظیم فرهنگی نیز در دوران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و به دست ایشان اتفاق خواهد افتاد، طبق روایت، همه معارفی که اکنون نزد بشر است، در برابر معارفی که حضرت مهدی خواهد آورد، تنها ۲ حرف از ۲۷ حرف است، این یعنی که بشر امروز با همه پیشرفت‌هایش هنوز کم سواد محسوب می‌شود.

انقلاب اسلامی داعیه دار مهدویت انقلاب اسلامی از ابتدا داعیه دار آماده سازی جهانی برای ظهور آخرین منجی بوده است. گفتمان انقلاب اسلامی پس از طرح در عرصه جهانی، به وضوح امپراتوری جهانی سازی (امپریالیسم جهانی) را به تمام معنای آن به چالش کشید و به سرعت به دیگری جهان غرب (به معنای فکری و فرهنگی آن و نه صرفاً غرب جغرافیایی) تبدیل شد.

انقلاب اسلامی بویژه زمانی که رسالت جهانی خود را روشن می سازد و امام راحل (رض) اعلام می دارند: این واقعیت و حقیقت را بارها اعلام نموده ایم که در صدد گسترش نفوذ اسلام در جهان و کم کردن سلطه جهانخواران بوده و هستیم. در نگاه غرب و غرب گرایان از یک جا به جایی ساده قدرت سیاسی در گوشه ای از دنیا فراتر می رود. دعوت انقلاب اسلامی ایران از همان ابتدا تلاش برای بستر سازی برای استقرار حکومت مهدوی بود.

این مهم را به وضوح می توان از کلام و اندیشه های رهبر کبیر انقلاب به خوبی استنباط کرد. ایشان بارها و به کرات از لزوم تلاش برای تحقق فرج سخن به میان آوردند. به عنوان مثال ایشان در پیام خویش به زائرین بیت الله الحرام کمتر از یک سال از پیروزی انقلاب اسلامی صراحتاً بر ماهیت جهانی حکومت اسلامی تأکید ورزیدند. در بخشی از این پیام آمده نهضت ایران مخصوص به خودش نبوده و نیست. برای اینکه اسلام اختصاص به طایفه خاصی ندارد. ما که نهضت کردیم برای جمهوری اسلامی بوده است.

نهضت برای اسلام نمی تواند محصور به یک کشور باشد و نه حتی به تمام کشورهای اسلام. در واقع باید گفت انقلاب اسلامی ایران از ابتدا رسالت خاصی برای خویش قائل بوده. این رسالت را می بایست در بسط تئوریک مفاهیم مهدویت، تشکیل حکومت ولی فقیه به عنوان شمه ای از حکومت معصوم و تلاش برای جهانشمول کردن مفاهیم مهدوی دانست.

طی ۴ دهه گذشته انقلاب اسلامی ایران توانسته است در هر سه بخش از رسالت خویش موفقیت های چشمگیری پیدا کند. در ابتدا حکومت ولی فقیه است که این مهم امروز در ایران اسلامی تحقق پیدا کرده است و ما توانسته ایم از الطاف این حکومت بهره مند شویم ضمن آنکه هم در پیش از انقلاب و هم در مقطع فعلی کنکاش در موضوع مهدویت صورت می پذیرد.

البته باید گفت طی ۴۱ سال گذشته آرمانشهر مهدوی به مقوله ای تئوریک تبدیل گشته و تحقیق و تفحص های بسیاری در خصوص ابعاد پیدا و پنهان حکومت حضرت صاحب **عجل الله تعالی فرجه** صورت گرفته است. همچنین ایران اسلامی توانسته است جهانیان را با تجربه ای تازه در دنیای مدرنیته و پست مدرنیته آشنا سازد. تجربه ای که بر خلاف تجربه غرب در آن ارتباط آسمان و زمین قطع نمی گردد ضمن آنکه زندگی دنیوی انسان به دیار نسیان سپرده نمی شود. هم اکنون تجربه تازه مردم سالاری دینی در ایران از شرق دور تا غرب آمریکای لاتین مورد حمایت افکار عمومی و علی الخصوص نخبگان است.

مهدویت از نگاه رهبری انقلاب ایران، امتداد حرکت انبیاء و مقدمه ظهور امام عصر **(عجل الله تعالی فرجه)** انقلاب ما در راه آن هدفی که امام زمان (ارواحنا فداه) برای تأمین آن هدف مبعوث می شود و ظاهر می شود یک مقدمه لازم و یک گام بزرگ بوده است. ما اگر این گام بزرگ را بر نمی داشتیم، یقیناً ظهور ولی عصر **(صلوات الله علیه)** به عقب می افتاد. شما مردم ایران و شما مادران شهید داده و پدران داغدار و افرادی که در طول این مبارزه زحمت کشیدید بدانید؛ و شما ای امام بزرگوار امت بدانید (که بهتر از همه ما می دانید) شما موجب پیشرفت حرکت انسانیت به سوی سرمنزل تاریخ و موجب تسریع در ظهور ولی عصر **عجل الله تعالی فرجه الشریف** شدید.

شما یک قدم این بار را به منزل نزدیکتر کردید. با این انقلاب که مانع را که همان دستگاه و نظام پلید ظلم در این گوشه دنیا بود و سرطان بسیار خطرناک و موزی و آزار دهنده ای بود این را کندید و قلع و قمع کردید. جمهوری اسلامی نتیجه برداشت صحیح از اعتقاد به امام زمان **(صلوات الله علیه)** و الگوی کوچکی برای آن حکومت عظیم جهانی است.

انقلاب اسلامی ، از بین برنده مفهوم انتظار مخرب کسانی که مغرض و یا نادان بودند، این طور به مردم یاد داده بودند که انتظار، یعنی اینکه شما از هر عمل مثبت و از هر اقدام و هر مجاهدت و هر اصلاحی دست بکشید و منتظر بمانید تا صاحب عصر و زمان خودش بیاید و اوضاع را اصلاح کند و مفسد را برطرف نماید! انقلاب، این منطق و معنای غلط و برداشت باطل را، یا کمرنگ کرد و یا از بین برد.

{تبیین حکم تاریخی حضرت امام خمینی (ره)}

انقلاب اسلامی ، نمونه کوچکی از انقلاب مهدوی همه خصوصیات که در ظهور مهدی (ارواحنا فداه) هست در یک مقیاس کوچک در انقلاب اسلامی ملت ایران هم هست.

در آنجا هم مخاطب حضرت بقیه الله همه مردم عالمند؛ یعنی در آن لحظه‌ای که به خانه کعبه پشت می‌دهد و تکیه می‌کند و دعوت خود را با صدای بلند فریاد می‌کند،
(یا اهل العالم)

انقلاب اسلامی ما هم، از آغاز اعلام کرد که مخصوص یک ملت و یک قوم و یک کشور نیست، همچنانی که آن بزرگوار با همه قدرت‌های بزرگ جهان ستیزه می‌کند و در می‌افتد، انقلاب ما هم با دست خالی و فقط با تکیه به نیروی ایمان با همه قدرت‌های عظیم جهانی مقابل شد. همان طوری که ظهور حضرت مهدی هم حساب‌های مادی و معمولی را به هم می‌ریزد، انقلاب ما هم همه حساب‌ها را به هم ریخت.

همنوی شعارهای انقلاب اسلامی با انقلاب امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف شعارهایی که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بر سر دست خواهد گرفت و عمل خواهد کرد، امروز شعارهای مردم ماست؛ شعارها یک کشور و یک دولت است. این خودش یک گام بسیار بلندی به سوی اهداف امام زمان است.

انقلاب اسلامی ، مقدمه پیدایش حکومت فراگیر مهدوی مهدی (ارواحنا فداه) در یک زمینه مساعد و مناسبی ظهور خواهد کرد نه در یک زمینه نامساعد؛ اما کسانی بودند که در آن زمان فکر می‌کردند دنیا باید پر از ظلم و جور شود تا اینکه حضرت مهدی (ارواحنا فداه) بیاید در حالی که ما می‌گفتیم چون حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یک حکومت اسلامی صددرصد می‌باشد، بایستی درصدی به‌وجود بیاید تا اینکه به آن صددرصد برسیم. و لذا شما الان می‌بینید حکومت ما چند درصد حکومت اسلامی است. به همین ترتیب پیش خواهد رفت تا اینکه حکومت مهدی برسد؛ که آن حکومت صددرصد اسلامی است، آن هم نه فقط در این نقطه بلکه در همه عالم.

انقلاب اسلامی ، ترجمان انتظار واقعی امروز با انقلاب اسلامی ما که در خط ایجاد عدالت در سطح جهان است انقلاب حضرت مهدی (ارواحنا فداه) یک گام بزرگ به هدف خود نزدیک شد. نه فقط ب‌وجود آمدن حکومت اسلامی آن عاقبت موعود را به عقب نمی‌اندازد بلکه آن را تسریع هم می‌کند و این است معنای انتظار

انقلاب اسلامی ، راهی به سوی ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف این راه گرچه کوتاه مدت نیست، اما همان راهی است که بالاخره به نجات بشریت منتهی خواهد شد. همان راهی است که ان‌شاءالله زمینه‌های ظهور مهدی موعود (ارواحنا فداه) را فراهم خواهد کرد.

ظهور اتفاق افتاده است. حضور علنی ؟ علامه حسن زاده آملی

اگر مقوله غیبت و ظهور حضرت (ارواحنا فداه) به طور دفعی و بدون هیچ زمینه‌ای واقع شود، مسلماً جوامع بشری تاب این تحول شدید را نخواهد داشت. بدین علت حکمت الهی مقتضی تدریجی بودن این اتفاق عظیم است. برای توضیح مطلب باید مثالی بیان شود: پروردگار متعال قواعد عالم ملکوت را نظیر و شبیه قواعد عالم ملک قرار داده و عالم تکوین را منطبق با عالم تشریح خلق کرده تا بشر با پی بردن به اسرار و قواعد عالم ملک و تکوین، پی به اسرار ملکوت و تشریح ببرد و از این هماهنگی و شباهت حکمت‌هایی استفاده کند

یکی از این قواعد مسلم و عمومی طبیعت، تدریجی بودن تحولات می‌باشد فی‌المثل حرکت وضعی زمین و در پی آن طلوع و غروب خورشید یک فرایند تدریجی است اگر خورشید به یک باره در آسمان زندگی مادی و طبیعی طلوع یا غروب کند در روند حیات اختلال ایجاد می‌شود و هیچ موجود زنده‌ای قادر به تطبیق خود با تغییر وضعیت نور در میدان حیات نخواهد بود و نظم زندگی به هم می‌ریزد. خورشید باید به تدریج غروب و طلوع کند تا موجودات تحت تأثیر خورشید بتوانند خود را با تغییر رخ داده تطبیق کرده و حیات به چرخه‌ی نظم خود ادامه دهد نظیر همین اتفاق نیز در حیات معنوی و ملکوتی بشر، در حال، اتفاق افتاده است.

امام معصوم (ارواحنا فداه) ، خورشید آسمان حیات معنوی بشر است و طلوع و غروب ایشان در صحنه حیات بشر تابع قواعدی شبیه قواعد طبیعی خورشید است اگر مقوله غیبت و ظهور حضرت (عجل الله تعالی فرجه) به طور دفعی و بدون هیچ زمینه‌ای واقع شود، مسلماً جوامع بشری تاب این تحول شدید را نخواهد داشت. بدین علت حکمت الهی مقتضی تدریجی بودن این اتفاق عظیم است با بررسی تاریخ حیات با برکت حضرت در میابیم که این اتفاق در مورد غیبت حضرت (ارواحنا فداه) واقع شده است غیر از اینکه حیات سه امام همام قبل از امام عصر (ارواحنا فداه) تقریباً به حالت غیبت بوده و نوعی تمرین برای شیعیان برای زندگی مومنانه بدون ارتباط فیزیکی با امام بود.

غیبت حضرت (ارواحنا فداه) به دو مرحله غیبت صغری و کبری تقسیم می‌شود مرحله غیبت صغری به مثابه آماده کردن مردم برای غیبت اصلی و طولانی حضرت (عجل الله تعالی فرجه) بوده است. همین حکمت در دوران ظهور حضرت هم رعایت خواهد شد بشری که در طول صدها سال در دل ظلمت زندگی بدون حاکمیت فرهنگ توحیدی-ولایی نشو و نما پیدا کرده ظرفیت تحمل ناگهانی نور وجودی که به تعبیر قرآن زمین

را اشراق می‌کند **وَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَ وُضِعَ الْكِتَابُ** را ندارد لذا باید واسطه در این بین وجود داشته باشد بدین معنا که مجالی برای تجلی نور ایشان در وسعت‌های محدود به وجود آید، که مردم بتوانند خود را برای حضور آن مقام رفیع آماده کنند. قرائن و شواهد نشان می‌دهد انقلاب اسلامی و نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران ظهور صغرای حضرت بقیه الله الاعظم و بین الطلوعین حکومت جهانی امام زمان ارواحنا فداه می‌باشد.

مثلاً این مراسمات عبادی و معنوی را ببینید روزی در همین شهر قم، اگر چند طلبه به صورت انفرادی و با هزینه شخصی چند روزی اعتکاف می‌کردند، می‌گفتیم الحمدلله معنویت در حوزه پیشرفت کرده ولی اکنون می‌بینیم چند هفته قبل از ایام اعتکاف شاهد جوانانی هستیم که چندین شبانه‌روز و در سخت‌ترین شرایط و با کم‌ترین امکانات در مساجد و حرم‌ها معتکف می‌شوند و عمده هدف خود را خودسازی برای آمادگی ظهور اعلام می‌کنند

مگر در ایام رژیم گذشته عموم مردم از معارف اهل بیت و ادعیه ایشان این قدر اطلاع داشتند؟! در روز عرفه در غیر صحرای عرفه شاید خواصی پیدا می‌شدند که دعای عرفه سیدالشهدا را با آن مضامین بلند و عرشی را قرائت می‌کردند؛ اما اکنون چه؟ از ظهر تا عصر عرفه، مساجد، حرم‌ها و خیابان‌های اطراف و رسانه‌ها بسیج می‌شوند تا میلیون‌ها انسان اعم از نوجوان و جوان و پیر و زن و مرد و عامی و عالم در کنار هم نشست و با ناله و تضرع، این دعای به این حجم را قرائت می‌کنند، این‌ها فرج امام زمان نیست، پس چیست؟

زمانی بر این ملت گذشت که حتی در میان خواص کمتر کسی پیدا می‌شد که بتواند قرآن را از روی مصحف، به درستی قرائت کند تا چه رسد به درک معانی و معارف قرآن اما اکنون می‌بینیم که در سراسر کشور ده‌ها هزار حافظ و قاری قرآن تربیت شده‌اند که به دنبال درک حقائق قرآن و عمل به آن‌ها هستند، آیا این‌ها جلوه‌های ظهور نیست؟ نماز جمع‌ها، راهپیمایی‌ها، جهادها و شهادت‌ها، احیاء مهدیه‌ها و جمکران، اقبال مردم به دعای ندبه و... همه و همه نشان از یک خیزش عظیم و تحولی بی‌سابقه در تاریخ تشیع و همه جلوه‌هایی از ظهور صغری است.

انقلاب اسلامی ایران ظهور برنامه‌ای، شخصیتی و حقوقی حضرت مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه) بوده و ظهور جهانی و اصلی حضرت، ظهور شخصی و حقیقی ایشان می‌باشد هر کس هر کاری می‌خواهد در دوران ظهور انجام دهد الان شروع کند

چون وقتش فرا رسیده و زمینه‌اش از هر جهت آماده است. در روایات شیعه و غیر شیعه، مسلمان و غیر مسلمان آمده که **شام** و جنگ بزرگ آن مقدمه‌ی ورود به تاریخ ظهور است **بعید نیست که جنگ بزرگی که در سالهای اخیر در سوریه جریان دارد همان جنگ بزرگ آخرالزمان است باشد؛ ولی یک چیز روشن است و آن اینکه هم اکنون هم در همین جنگ، جهان به دو جبهه‌ی سفیانی و یارانش از طرفی و خراسانی و یارانش از طرف دیگر تقسیم شده.** همین امروز هم می‌توان تشخیص داد اگر فردا امام زمان ظهور کند چه کسانی در کدام جبهه می‌ایستند، در سمت شمال یا در یمین.

گفتمان مهدویت و منجی طلبی در جریان بیداری اسلامی

با آغاز رسمی و علنی مبارزات ملت ایران به رهبری امام خمینی (ره) از سال ۴۲ به تدریج گفتمان مهدویت و منجی طلبی بار دیگر در امت اسلام ترویج شد و گفتارها و کردارهای امام خمینی (ره) نوید تشکیل یک حکومت که هدف آن تلاش برای نزدیکی **ظهور و حضور** حضرت است را به جهانیان و علی‌الخصوص امت اسلامی داد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل نظام مقدس جمهوری اسلامی آرمان مهدویت و انتظار به صورت جدی‌تری فعال شد و بسیاری از نهادها و سازمانها نیز هدف خود را در مقدمه چینی برای ظهور منجی بشریت قرار دادند. اما در این قرن شاهد موج بیداری اسلامی در منطقه هستیم و گزاف نیست اگر بگوییم که این موج که برآمده از تفکرات انقلاب اسلامی است نوید ظهور و حضور منجی بشریت را به جهان می‌دهد. حرکتی که ملت‌های مسلمان منطقه به پیروی از الگوی ایران اسلامی انجام می‌دهند دقیقاً منطبق با منطق ظهور است

امروز ملت اسلام بیدار شده است و در صدد مقابله با نمادهای ظلم و جور و کفر است. سقوط دیکتاتورهای وابسته به غرب در کشورهای اسلامی و سرکار آمدن افرادی که نطق‌های خود را با فریاد رسای الله اکبر آغاز می‌کنند بشارتی برای ظهور است و نشان می‌دهد که انقلاب اسلامی ایران در یک مسیر درست در حال حرکت است و توانسته است در منطقه و حتی جهان نیز تاثیر گذار باشد و موجی را علیه بنیان‌های ظلم و استکبار پدید آورد. اگر نگاهی دقیق به مفهوم انتظار داشته باشیم به این نکته پی می‌بریم که موج بیداری اسلامی در مسیر انتظار پویا و فعال است.

پر واضح است که یک انقلاب عظیم جهانی نیازمند بستر سازی است و این بستر سازی نیز به صورت تدریجی صورت می‌پذیرد و نه دفعی.

نمی توان انتظار داشت که ظهور و حضور در مقطعی رخ دهد که هیچ گونه بسترهایی برای آن آماده نشده است. یک انقلاب بزرگ جهانی نیازمند آمادگی های گسترده ای در حوزه های مختلفی است. به عنوان مثال سطح افکار مردم جهان باید چنان بالا رود که بدانند مسئله نژاد یا مناطق مختلف جغرافیایی و تفاوت رنگ و زبان ها و ... نمی تواند بشر را از هم جدا سازد و قرآن کریم هم شایستگی و صلاحیت را شرط آن انقلاب دانسته است. از سوی دیگر مردم جهان باید از ظلم و ستم نظام های موجود خسته شوند و تلخی این زندگی مادی و یک بُعدی را احساس کنند و از حل شدن مشکلات کنونی مأیوس گردند و به این واقعیت برسند که تنها حکومتی که می تواند حلال مشکلات باشد حکومت منجی عالم بشریت است.

یک جفا در این میان نسبت به امام منتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف، صالحان و مستضعفان، از همه بزرگ تر و سنگین تر است **وَ لَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا وَفَقَهُمُ اللَّهُ لَطَاعَتِهِ عَلَى اجْتِمَاعٍ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ، لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا وَ لَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمَشَاهِدَتِنَا** اگر شیعیان ما که خداوند آنان را به اطاعت خود موفق کند در وفای به عهدی که بر عهده آنهاست همدل بودند، قطعاً میمنت ملاقات ما به تأخیر نمی افتاد و در سعادت دیدار ما تعجیل می شد. این کلمات پر قیمت ما را به این معنا دلالت می کند که وفادار نماندن به میثاق الهی یا تفرقه نسبت به آن، برکت و سعادت را از حیات طیبه شیعیان به تاراج می برد.

این بیان شریف، تاریخ **حضور** و تشکیل **دولت کریمه** حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را به ما نمی گوید اما نقشه راهنماست؛ نقشه راه و راهبرد کوتاه کردن فاصله ها تا روز موعود است؛ آدرس میان بر است که می تواند از شکست ها پیروزی و از فاصله و فراق، حضور و ظهور بسازد **وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ** (اعراف ۹۶) پیمان شکنان جبهه حق، سبب اتصال آسمان و زمین (برکت ملکوت برای برهوت ناسوت) را به غربت انداختند و پشت خود را خالی کردند و آنگاه در برابر مستکبران، مستضعف ماندند.

مشیت خدا بر آن نبود که دوستان و دلباختگان امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف سرگردان رها شوند. به همین دلیل آن حضرت به تاسی از پدر بزرگوار خویش که شیعیان را به پیروی از فقیهان دیندار، مراقب نفس، مخالف هواپرستی و مطیع فرمان مولا امر کرده بود به شیعیان فرمودند: در حوادث واقعه به راویان احادیث ما رجوع کنید که آنها حجت من بر شما هستند همچنان که من حجت خدا بر ایشانم.

این ارجاع و امر به اطاعت از فقهای پارسا آن قدر در عصر غیبت مهم و راهبردی بود که امام هادی علیه السلام فرمود اگر این نبود که پس از غیبت قائم آل محمد، برخی علما هستند که به سوی او می خوانند و مردم را به سوی او راهنمایی می کنند و از دین او با حجت های الهی پاسداری می کنند و بندگان ضعیف خدا را از افتادن در دام ابلیس و یارانش نجات می دهند، یقیناً هیچ کس نمی ماند جز اینکه از دین خدا برمی گشت.

اما عالمان، زمام دل های ضعیفان شیعه را می گیرند همان گونه که ناخدای کشتی، سکان آن را به دست می گیرد؛ آنها نزد خداوند عزیز و بلند مرتبه از همه برترند. دو نقشه بیشتر وجود ندارد. نقشه راه ولایت فقیه و ایمان و الفت بر مدار آنکه ما را به روز موعود نزدیک میکند و نقشه بدلی که بازی مطابق آن، نخبگان را طعمه شیطان میکند. نقشه سرویس های اطلاعاتی و جاسوسی طواغیت عالم، درست در نقطه مقابل نقشه راه ظهور و معکوس آن طراحی شده است.

می شود انتظار و اشتیاق را بر مدار صداقت تمرین کرد و به آن تراز دست یافتنی رسید که امام صادق علیه السلام فرمود: مؤمن، محکم تر از پاره آهن است. همانا آهن هنگامی که داخل آتش شود، نرم می شود و مؤمن اگر کشته شود و برانگیخته شود و باز کشته شود، قلب او دگرگون نمی شود. معصیت و نافرمانی، ما را از مقام عاشق صادق ساقط می کند. عاشق، مترصد و گوش به زنگ است... اگر نه، هزار بار هم که پیام و پیامک و نامه بفرستند و دلالت کنند، از جا نمی جنبند.

قیام های قبل از قائم در برخی روایات نقل شده که هر قیامی قبل از قیام قائم امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف باطل است و صاحب آن طاغوت می باشد. سؤال اصلی این است که انقلاب اسلامی را چگونه می توان با توجه به این گونه روایات توجیه کرد؟ از منظر کلی لزوم تشکیل حکومت اسلامی، براساس آموزه های دین و قرآن امری عقلانی و آشکار است. زیرا بخش عظیمی از قوانین اسلامی، برنامه هایی سیاسی و اجتماعی اند که جز در سایه تشکیلات و حکومت، قابل اجرا نمی باشند و چون این احکام دائمی و در زمان غیبت هم لازم الاجرا می باشند،

بنابراین هرگاه تشکیل حکومت امکان داشته باشد، به عنوان مقدمه اجرای احکام الهی، واجب است به آن اقدام شود. (ولایت فقیه، امام خمینی) اما آنچه در روایات به عنوان نهی از قیام، پیش از قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آمده، معنا و مفهوم خاصی دارد که باید به همه ابعاد و زوایای آن توجه کرد.

۱. روشن است که احادیث در هر موضوعی، هم از حیث سلسله سند و راویان، و هم از جهت محتوا و مضمون، باید مورد بررسی قرارگیرد، که در بحث روایات قیام پیش از ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه نیز باید این تحقیق صورت گیرد.

۲. در بررسی های به عمل آمده، بسیاری از روایات این مبحث غیرقابل اعتمادند و آنها که معتبرند تنها قیام های را مردود می شمارند که **رهبران آن قیام ها خود مدعی مهدویت باشند، و به عنوان قائم آل محمد قیام کنند، و یا اینکه هدفی غیرالهی داشته باشند** یا بدون تهیه مقدمات و اسباب لازم و قبل از فرا رسیدن زمان مناسب اقدام شود. اما اگر رهبر یا رهبران قیام نه به عنوان مهدویت و نه به منظور تاسیس حکومتی در برابر حاکمیت الله، بلکه به منظور دفاع از اسلام و قرآن و مبارزه با ظلم و استکبار و به قصد تاسیس حکومت اسلامی و اجرای کامل قوانین آسمانی و ارزش های وحیانی، قیام و مقدمات نهضت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را نیز پیش بینی کرده و مردم را به یاری بطلبند،

روایات مذکور چنین نهضت و انقلابی را مردود نمی شمارند. تاسیس چنین حکومتی، به منظور حاکمیت الله و در مسیر حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و زمینه ساز آن می باشد. بنابراین، احادیث مذکور مخالف چنین قیام و نهضتی نخواهند بود.

۳. این احادیث در شرایطی صادر شده اند که عده ای از علویان و برخی از عباسیان، برای مقابله با حکومت اموی؛ با استفاده از جهل مردم، خود را مهدی موعود که پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) وعده ظهور او را بشارت داده بود، قلمداد می کردند و از مردم برای خود، به عنوان مهدی منتظر، بیعت می گرفتند.

در چنین اوضاعی «ائمه» با موضع گیری مناسب، جلوی سوء استفاده آنان را می گرفتند. شاهد این جریان، قضیه «مهدی عباسی» یکی از خلفای ظالم عباسی است که به همین جهت لقب مهدی به خود داده و از مردم، بیعت می گرفت و نیز محمد بن عبدالله بن الحسن، معروف به **نفس زکیه**، به نام مهدی موعود، برای خود از مردم بیعت می گرفت و حتی از امام صادق (علیه السلام) نیز خواست که به نام مهدی آل محمد (صلی الله علیه و آله) با او بیعت کند و همراه او در جنگ با بنی امیه شرکت نماید!

وقتی امام صادق (علیه السلام) حاضر به بیعت با این عنوان نشد «عبدالله» پدر محمد، سخت عصبانی شد و سخنانی ناروا خطاب به امام بیان کرد. در این مناظره حضرت

به عبدالله فرمود: نه پسر تو آن مهدی موعود است و نه الان وقت قیام است و اگر می خواهید برای خدا غضب کنید، امر به معروف و نهی از منکر نمایید. این روایت خود دلیل بر این است که از نظر ائمه (علیهم السلام) هر قیامی محکوم نبود، بلکه امام (علیه السلام) برای شرکت در قیامی که برای امر به معروف و نهی از منکر باشد، اعلام همکاری کرده بود و این گونه قیام و انقلاب را امضاء کرده و مشروع اعلام می کند.

اغلب روایات نهی از قیام که مخالفین به آنها استناد کرده اند، از این نوع روایات بوده و در چنین فضایی صادر شده اند و منع از قیام، مشروط و ناظر به افراد خاصی است و مطلق نمی باشد. از سوی دیگر اگر روایات مذکور را به معنای ظاهری و نفی مطلق همه قیام ها و مبارزات برای تشکیل حکومت بدانیم.

نتیجه آن وجوب سکوت در برابر همه ظلم ها، طاغوت ها و بی عدالتی هاست و این مخالف نص صریح قرآن و روایات اهل بیت (علیهم السلام) است که اسلام دین عدالت است و مردم را به عدالت و زندگی عادلانه دعوت کرده و سکوت در برابر اهل ظلم و کفر را جایز ندانسته است.

دشمنان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف : مهمترین وظیفه شیعه شناخت و پیروی از جانشین پیامبر (صلی الله علیه و آله) و امام زمانش است و با توجه به این نکته ضرورت طرح مباحث مهدویت را می توان با سه رویکرد اساسی دنبال کرد. **رویکرد اول: امام شناسی** قال رسول الله (صلی الله علیه و آله): **مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةَ الْجَاهِلِيَّةِ** هر کس بمیرد و امام زمان خویش را نشناسد به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است. این حدیث اشعار دارد که نبود شناخت و معرفت امام زمان آنقدر مهم است که انسان متدین را بی دین می کند و یا بهتر بگوئیم، دین او مورد قبول حضرت حق واقع نمی گردد و انسان را به سوی کمال و قرب حق نمی کشاند

خداوندا خود را به من بشناسان که اگر خود را به من شناسانی پیامبرت را نمیشناسم، خدایا پیامبرت را به من بشناسان که اگر پیامبرت را به من شناسانی امامت را نمی شناسم ، خدایا حجت خود را به من بشناسان ، اگر حجت خود را به من شناسانی، از دینم گمراه می شوم.

منظور از شناخت و معرفت باید توجه داشت که منظور از شناخت و معرفت اعم از شناخت شخصی و شأنی امام است. شناخت شخصی و فردی امام بسیار مهم است و شناخت، منحصر در خصوصیات فردی و شخصی امام نیست بلکه خصوصیات

شأنی و جایگاهی را هم شامل می شود و در سعادت و شقاوت انسان تأثیر مستقیم دارد برای معرفت پیدا کردن و شناخت شخصی و شأنی امام می بایست تحقیق و بررسی نمود تا انسان به شناخت صحیحی نائل شود که ذیل مصادر کلامی، ادامه اصل نبوت در علم کلام، شناخت امام بصورت عام و در مباحث مهدویت شناخت حضرت مهدی **عجل الله تعالی فرجه** به عنوان آخرین امام بصورت خاص مورد بررسی قرار می گیرد.

رویکرد دوم : دشمن شناسی دشمنان اسلام و مذهب شیعه و امام زمان **عجل الله تعالی فرجه الشریف** در عصر کنونی را در دو حوزه دینی و غیر دینی می توان شناسائی کرد.

الف) حوزه دینی: از بین ادیان جهانی، بیشترین دشمنی را با اسلام، **صهیونیستهای یهودی و صهیونیستهای مسیحی** که فرقه هائی از مسیحیت پروتستان با نام **ایوانجلیسم** و نو انجیلی هستند، با اسلام و مسلمانان دشمنی خاصی داشته و هیچگاه این موضوع را در گفتار و رفتار انکار ننموده اند این دشمنان نیز در حوزه آخرالزمان و منجی گرایی، نظرات خاص خودشان را دارند و قصد تحقق این نظرات را نیز در عالم دارند یعنی اعتقادات آخرالزمانی صهیونیسم مسیحی و یهودی، همانند یهودیان و مسیحیان سنتی (که باید دست روی دست گذاشت تا منجی مان بیاید) نمی باشد،

صهیونیستهای یهودی و نسیحیان ایوانجلیست معتقدند که باید برای آمدن منجی کارهائی را انجام دهند مثلاً می گویند برای نزول عیسی (که مدعی اند منجی شان است) باید **یهودیان عالم را در فلسطین جمع نمود و برای آنها حکومت تشکیل داد و آنها را یاری داد تا دشمنانشان (که مسلمانان هستند) را نابود کنند و مسجدالاقصی را تخریب و بجای آن معبد موسوم به سلیمان را ساخت تا اینکه منجی بیاید، و اینگونه ادعا میکنند که منجی مسلمانان دشمن منجی غربی ها و مسیحیان است و باید منجی مسلمانان و پیروان او را نابود کرد تا جهان متعلق به خودشان گردد، ناگفته پیداست که این اهداف صهیونیستی در تعارض با دین های آسمانی خصوصاً اسلام و مسلمانان می باشد.**

اما متأسفانه **صهیونیستهای مسیحی و یهودی شدیداً این فکر را با رسانه ها و شبکه های ماهواره ای و فیلم های سینمائی ترویج می نمایند و از حوزه فرهنگ سازی نیز گذشته و عملاً به لشکرکشی به خاورمیانه دست میزنند و هدف خود را نیز زمینه سازی برای نزول منجی معرفی می نمایند یعنی با اسم دین مبارزه با ادیان و به اسم منجی به مبارزه با منجی عالم می روند!** همچنین در بخشی دیگر از جبهه دینی می توان از یهودیان صهیونیست نام برد که اعتقادات آخرالزمانی شان تقریباً با ایوانجلیست های مسیحی

یکی است بجز قسمت آخر آن، یعنی یهودیان به ایوانجلیست ها این خادمان حلقه بگوششان هم فرصت حیات نمی دهند و معتقدند منجی بنی اسرائیل که آمد، حکومت جهانی یهود برپا می شود و تمامی ساکنان زمین بجز نژاد بنی اسرائیل کشته خواهند شد.

ب) حوزه غیر دینی: مکتب دیگری که درباره آینده جهان در غرب و آمریکا نظرات جدی و خشنی دارد، لیبرال دموکراسی است، استراتژیست های این گروه که پایگاه اصلیشان در آمریکا حزب دموکرات است، نظرات خطرناکی درباره آینده جهان عنوان می نمایند. از جمله این افراد فرانسیس فوکویاما، ژاپنی الاصل آمریکائیت که در نظریه و کتاب معروفش "پایان تاریخ" عنوان نمود، تمامی ادیان و مکاتب در طول تاریخ، ما را به اینجا رساندند که بفهمیم لیبرال دموکراسی تنها دین و راه زندگی است و مابقی ادیان و مکاتب باید نابود شوند و بشر در آینده یک دین، یک حکومت و یک کشور دارد و در یک حکومت جهانی راه و رسم زندگی بشر، روش لیبرالی یعنی سبک زندگی آمریکایی است و نه چیز دیگر

فرد دیگر این جبهه نظریه پردازی به نام ساموئل هانتینگتون آمریکایی است که با ارائه نظریه برخورد تمدن ها راه را برای اقدامات صهیونیستهای لیبرال هموار نمود؛ او جهان را به چند حوزه تمدنی تقسیم می نماید و اعلام میکند هر تمدنی که قویتر است حق است! و چون تمدن غربی بر پایه لیبرال دموکراسی از همه قویتر است پس باید حاکم باشد و مخالفیتش نابود شوند.

برای نابودی دیگر تمدن ها هم دو راه پیشنهاد می کند :

۱- هزم شدن فرهنگی: مثلاً تمدن ارتودوکس که شامل روسیه و حوزه پیرامونی اش می شود را در مقابل تهاجم فرهنگی غرب بی دفاع می داند و اعلام می کند که بزودی روسیه جزئی از فرهنگ غرب می شود و تمام ماهیت دینی، ملی، سنت ها و ... به روش ها و فرهنگ و ارزش های غربی تبدیل می شوند.

۲- نبرد نظامی برای از بین بردن تمدن: درباره تمدن اسلامی با محوریت ایران، عنوان میکند با تهاجم فرهنگی نمیشود تمدن اسلامی ایرانی را بطور کامل از میان برداشت بلکه باید با جنگی تمام عیار مسلمانان و آثار اسلامی را از بین برد تا اثری از این تمدن باقی نماند! با توجه به دو رویکرد دینی و غیر دینی فوق که در رأس آنها صهیونیستهای یهودی قرار دارند و هدف مشترکشان نابودی اسلام و مسلمانان است و رهبری هر دو جریان در آمریکا (با مشخصه دو حزب سیاسی نامبرده) در اختیار صهیونیستها قرار دارد،

صحنه نبرد آینده و دلیل دشمنی های غرب با اسلام و ایران روشنتر می شود. بصورت خلاصه باید گفت **دشمنان اسلام در حوزه دینی و غیر دینی، نظراتی نسبت به آینده و منجی دارند و بر اساس آن نظرات دست به اقداماتی می زنند که این اقدامات در حوزه فرهنگ، سیاست، اقتصاد و نظامی گری در جهت دشمنی و ضربه زدن به اسلام و مسلمانان و فرهنگ اسلامی است**

میدانیم که یکی از شرایط ظهور حضرت مهدی **عجل الله تعالی فرجه الشریف** پذیرش مردمی برای حکومت الهی عادلانه جهانی است، که در **فرج و حضور** آقا امام زمان **عجل الله تعالی فرجه الشریف** تأثیر مستقیم دارد، درست در مقابل این دیدگاه اقدامات فرهنگی دشمنان اسلام قرار دارند، آنها برای اینکه **حضور** حضرت مهدی **عجل الله تعالی فرجه الشریف** به تأخیر افتد

و حاکمیت آنها بر مردم جهان ادامه داشته باشد، دست به منحرف کردن مردم و ترویج گناهان در سطح جهان می زنند و با اینکار به نتیجه مورد نظر خود (که همانا گمراهی بشریت و خواست آنها برای ظلم و فساد و حکومتی مستکبر و جهانی و بی تفاوتی آنها در قبال اعمال ظالمانه حکام بین المللی و زرسالاران جهانی می باشد)، می رسند و این انحراف در تفکر و تیرگی باطنی، منجر به نتیجه غم انگیزی برای مظلومین و انسانهای آزاد در سراسر جهان یعنی تأخیر در ظهور منجی بشریت حضرت مهدی **عجل الله تعالی فرجه الشریف** میگردد.

شیعه در طول تاریخ با امید زنده بودن و انتظار ظهور و حضور منجی، عامل امید و نیروی حرکت بخش این او در مقابل گردنکشان تاریخ بوده و هست و به همین دلیل، وقتی استعمار به عمق نیروی این عامل واقف شد، در صدد خشکاندن اساس آن برآمد که فرقه سازی از آن جمله است و ایجاد بهائیت، نماد آشکار آن به **شمار می رود**. بهائیان به عنوان دشمن ترین دشمنان حضرت ولی عصر **عجل الله تعالی فرجه الشریف** با هرچه که ذره ای یاد آن امام غایب از نظر را زنده سازد، به شدت مخالفت می ورزند و می کوشند همه کانون های مهدوی را با خشونت هرچه تمام تر، نابود سازند.

رفتار امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف با مخالفان و معاندان

طبق وعده ی الهی که یقیناً تخلف ناپذیر می باشد، سرانجام روزگار ظلم و سختی ها به سر آمده، پرتو خورشید سعادت، آشکار می گردد و مهدی موعود که با یاری الهی، بنای زدودن آثار ظلم و جور را دارد، ظاهر گشته و سپس بعد از مدتی حضور خواهند یافت. آن حضرت، دست به اصلاحات گسترده و انقلابی بنیادی و معنوی و مادی

می‌زند و جامعه بشری را چنان سامان می‌بخشد که خشنودی خداوند را در پی داشته باشد. طبیعی است که دشمنان و تعدادی افراد و گروه‌هایی قصد دارند با ایجاد مشکلات، مانع این قیام عظیم شوند یا با اخلاص حرکت قیام او را کند نمایند، دشمنان سرسخت بشریت و دین الهی محسوب می‌شوند و کیفر آنان جز نابودی به دست قدرتمند حضرت مهدی نخواهد بود.

افراد اخلاص‌گر در انقلاب امام، کسانی هستند که دستشان به خون بشریت آلوده است یا انسان‌های بی‌تفاوتی هستند که در برابر جنایات تجاوزگران، سکوت پیشه کرده، ولی در برابر حضرت، پرچم مخالفت برمی‌دارند و یا کج فهمانی هستند که درک خود را بر سخن حضرت برتری می‌دهند. طبیعی است که باید آنان با قاطعیت تمام سرکوب شوند تا جامعه بشری برای همیشه از شر آنان مصون بماند. از این رو، روش و سیاست حضرت مهدی **عجل الله تعالی فرجه الشریف** با آنان بسیار قاطعانه و بدون اغماض است.

الف) قاطعیت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف در رویارویی با دشمنان پیامبر (صلی الله علیه و آله) با ملایمت و نرمی و مهربانی رفتار می‌کرد تا دل‌ها را به دست آورد و مردم با آن حضرت آلفت گیرند؛ ولی حضرت قائم **عجل الله تعالی فرجه الشریف**، طبق دستوری که دارد، رفتار می‌کند و توبه کسی را نمی‌پذیرد. پس وای بر کسی که با او مخالفت کند.

ب) برخورد با گروه‌های مختلف هنگامی که حضرت مهدی **عجل الله تعالی فرجه الشریف** قیام می‌کند، با گروه‌ها و دسته‌های گوناگونی برخورد خواهد کرد. برخی از آنان قوم و نژاد خاصی هستند، گروهی پیرو ادیان دیگری غیر از اسلامند و گروهی هر چند به ظاهر مسلمانند، ولی منافقانه رفتار می‌کنند و از مقدس‌نماهای کج فهمی هستند که با حضرت مخالفت می‌نمایند و یا پیرو فرقه‌های باطل می‌باشند.

۱. قوم عرب امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: آن‌گاه که قائم ما قیام کند، بین او و عرب و قریش راهی جز شمشیر (و جنگ نظامی) نخواهد بود. نیز آن حضرت در حالی که با دست به گوی خود اشاره می‌کرد، فرمود: میان ما و عرب راهی جز بریدن سرها نمانده است. شاید مراد، زمامداران و فرمانروایان خودسر آنان است و یا مراد پیروان مذهب دیگر اسلامی باشد. امام صادق (علیه و السلام) در زمینه‌ی ستیز با قریش می‌فرماید: « هنگامی که حضرت قیام کند... قریش را هدف قرار می‌دهد. از آنان نمی‌ستاند جز شمشیر و به آنان نمی‌دهد جز شمشیر. (بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۵)

۲. اهل کتاب عبدالله بن بکیر از امام کاظم (علیه السلام) درباره تفسیر آیه **وَلَهُ اسْلَمٌ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ طَوْعاً وَ كَرْهاً** هر آن که در آسمان و زمین است چه از روی اختیار یا اجبار مطیع فرمان خداست (آل عمران ۸۳). سؤال کرد. امام فرمود: این آیه درباره قائم ارواحنا فداه فرود آمده؛ هنگامی که علیه یهود، نصارا، صابئیان، مادی گرایان و برگشتگان از اسلام و کافران در شرق و غرب کره زمین قیام می کند و اسلام را به آنان پیشنهاد می نماید. هر کس از روی میل پذیرفت، دستور می دهد که نماز بخواند و زکات بدهد و بر طبق آن چه فرد مسلمان مأمور به انجام آن است، رفتار نماید و هر کس مسلمان نشود، می کشد تا آن که در شرق و غرب جهان، یک کافر برجای نماند. (بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۰)

۳. فرقه های باطل و منحرف امام باقر (علیه و السلام) می فرماید: وای به حال مرجئه! فردا هنگامی که قائم ما قیام کند، به چه کسی پناه خواهند برد؟ راوی گفت: می گویند، در آن هنگام که ما و شما در برابر عدالت یکسان خواهیم بود؟ فرمود: هر یک از آنان توبه کند، خدا از او می گذرد و اگر در درون خود نفاق و دورویی داشته باشد، خداوند جز او کسی را تبعید و آواره نمی کند و اگر چیزی از آن نفاق را آشکار سازد، خداوند خونس را خواهد ریخت.

امیر مؤمنان (علیه و السلام) پس از شکست خوارج به هنگام گذشتن از کشتگان آنان فرمود: آن کس شما را به کشتن داد که شما را فریفت. پرسیده شد: او کیست؟ فرمود: **شیطان و نفس های پلید** (بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۸)

۴. مقدس نماها امام باقر (علیه و السلام) می فرماید: ... حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به سوی کوفه رهسپار می شود. در آن جا گروهی حدود ۱۶۰۰۰ نفر مجهز به سلاح در برابر حضرت می ایستند؛ آنان قاریان قرآن و دانشمندان دینی هستند که پیشانی های آنان از عبادت زیاد پینه بسته، چهره های شان در اثر شب زنده داری زرد شده است و نفاق سراپای شان را پوشانده است. آنان یک صدا فریاد بر می آورند: ای فرزند فاطمه! از همان راه که آمده یا باز گرد، زیرا به تو نیازی نداریم حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در پشت شهر نجف، از ظهر روز دوشنبه تا شامگاه بر آنان شمشیر می کشد و همه را از دم تیغ می گذراند. در این نبرد از یاران حضرت حتی یک نفر زخمی نمی شود. (بحار الانوار، ج ۲، ص ۵۹۸)

۵. ناصبی ها امام صادق (علیه و السلام) می فرماید: هنگامی که حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) قیام کند، همه ناصبیان و دشمنان اهل بیت را بر آن حضرت عرضه می کنند.

اگر به اسلام که همان ولایت اهل بیت است اقرار کردند، آنان را رها، و گرنه به قتل می‌رسند، یا آنان را به پرداخت جزیه همچنانکه اهل ذمه می‌پردازند ملزم می‌کند. ابو بصیر می‌گوید: به امام صادق (علیه و السلام) عرض شد: رفتار امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با ناصبیها و کسانی که با شما دشمنی دارند، چگونه خواهد بود؟ فرمود: ای ابا محمد! در دولت و حکومت ما، مخالفان بهره‌ای نخواهند داشت. خداوند برای ما خون‌های شان را در آن هنگام حلال خواهد کرد؛ ولی امروز خونشان بر ما و شما حرام است. پس کسی تو را فریب ندهد و بدان روزگاری که قائم ما قیام کرد، حضرت برای خدا و رسولش و برای ما انتقام خواهد گرفت. (بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۶)

۶. منافقان در تفسیر آیه **لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا**؛ (فتح ۲۵) اگر شما عناصر کفر و ایمان از یک دیگر جدا می‌گشتید، همانا آنان که کافرند را به عذاب دردناک معذب می‌ساختیم. امام صادق (علیه و السلام) فرمود: «خداوند، در صلب کافران و منافقان، امانت‌هایی از مؤمنان دارد. حضرت قائم ما ظهور نمی‌کند، مگر آن که آن امانت‌ها را خداوند از صلب آنان بیرون آورد (و آن مؤمنان متولد شوند). پس از آن، حضرت کافران و منافقان را به قتل می‌رساند.

امام صادق (علیه و السلام) می‌فرماید: هنگامی که حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) قیام کند، نیازی ندارد که از شما درخواست یاری کند و نسبت به بسیاری از شما منافقان، حد خدا را جاری می‌کند. (وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۸۲)

امام حسین (علیه و السلام) به فرزندش امام سجاد (علیه و السلام) می‌فرماید: سوگند به خدا که خون من از جوشش باز نمی‌ایستد تا این که خداوند، مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را برانگیزد. آن حضرت به انتقام خون من از منافقان فاسق و کافر، هفتاد هزار نفر را می‌کشد. (بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۲۹۹)

۷. شیطان وهب بن جمیع می‌گوید: از حضرت صادق (علیه و السلام) پرسیدم: این که خداوند به شیطان فرمود: **فإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ** آری، به تو (شیطان) مهلت داده خواهد شد تا به وقت معین و روز معلوم، این وقت معلوم چه زمانی خواهد بود؟ فرمود: آیا پنداشته‌ای این روز، روز قیامت است؟

خداوند تا روز قیام قائم ما، به شیطان مهلت داده است. وقتی خداوند او را مبعوث می‌کند (و اجازه قیام می‌دهد)، حضرت به مسجد کوفه می‌رود. در آن هنگام شیطان در حالی که با زانوان خود راه می‌رود، به آن‌جا می‌آید و می‌گوید: ای وای بر من از امروز!

حضرت مهدی ارواحنا فداه پیشانی او را می‌گیرد و گردنش را می‌زند و آن هنگام، روز وقت معلوم است که مهلت شیطان پایان می‌رسد. (بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۵۴) علامه، اکثر آیات قیامت به ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و گاهی به رجعت و گاهی به قیامت تفسیر می‌کند، شاید بدین لحاظ است که این سه روز در ظاهر شدن حقایق شریکند؛ هر چند از حیث شدت و ضعف با هم اختلاف دارند؛ (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۲، ص ۱۸۴) البته از آیت الله وحید خراسانی نیز نقل شده.

استعمار و بهره‌گیری از آخرالزمان

استعمار انگلیس، طعم مبارزه با مهدی سودانی یا متمهدی سودانی را که با ادّعی مهدویت، عده‌ای را به دور خود گرد آورد و جنگ‌های بسیاری با دولت مصر و حتی انگلیس کرد و حتی در نهایت، از این حرکت نیز برای رسیدن به اهداف خود استفاده کرد و با تشویق عده‌ای برای ادّعی مهدویت، ایجاد تفرقه میان مسلمانان را آغاز کرد..

استعمار، زاییده تخیل ما نیست، دورانی از تاریخ جهان است. از درون آن، دو دنیای پیشرفته و عقب مانده بیرون آمده است. دورانی که برای تأمین منافع عده‌ای خاص، نابودی بیش از ۱۵ میلیون انسان در قاره آمریکا و اسارت و بردگی ۱۸ میلیون بینوا در آفریقا را به همراه داشته است (که البته این جزئی از آثار زینبار این دوران است) کار استعمار، زراندوزی و استعمارگران زرسالاران هستند که برای قوام و هستی خود نیاز به چپاول و غارتگری دارند.

غرب باید توان اقتصادی و نظامی لازم برای حفظ منافع خود در رابطه با این تمدن‌ها (اسلام و کنفوسیوس) داشته باشد از مناطق مهم برای تأمین هدف استعمارگران، منطقه خاورمیانه می‌باشد که به علت برخورداری از ۷۰٪ نفت جهان و ۴۰٪ از ذخائر گاز دنیا، به پول سازترین نقطه تبدیل گشته و چشم زراندوزان را به خود خیره کرده است. در مورد علت حمایت بریتانیا از فرزند نامشروع خود اسرائیل چنین می‌گوید: حق دارید پرسید دلایل حمایت انگلیس از یهود و تمایل دولت آن‌ها جهت تحقق آرزوهای یهود در فلسطین برای چیست؟

این جماعت گستاخ زودتر از همه مسلمانان دریافته اند که نمی‌توان از انرژی نهفته و پتانسیل «منجی گرایی» غافل شد و سال‌هاست که درصدد بر آمده اند که آن را در خدمت اهداف خود در آورند. در این راستا طرح مباحثی مجعول چون ضرورت آمادگی برای ظهور عیسی مسیح، تخریب مسجد الاقصی، ساختن مجدد هیکل سلیمان و

ایدئولوژی آرماگدون چیزی جز تسلط بر خاورمیانه و به زیر سلطه کشیدن اسلام اصیل (که در حال حاضر با دو شاخصه حسینی و مهدوی بودن خاری در چشم آنان می باشد) نیست. استعمار، در هندوستان نیز احمدخان قادیانی را به این ادعا برانگیخت و فرقه قادیانیه را ایجاد کرد.

مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، آن گونه که غرب معرفی می کند! استعمار، آغازی برای مدعیان دروغی مهدویت

امروزه در رسانه های نوشتاری و دیداری غرب، شاهد القائات نادرست و سیاه نمایی های بسیاری علیه اسلام و مفاهیم دینی اخلاقی هستیم. جهان غرب با استفاده از رسانه های فراگیر سعی می کند که مفاهیم مورد نظر خویش را در جهت بهره برداری خاص خود به مخاطبانش القا کند. مفاهیم دینی نیز از این قاعده مستثنی نیست؛ چنان که نخستین تاثیر استعمار بر ملل مستعمره، نفوذ در فرهنگ است. ایجاد رخنه در عقاید و تبدیل بنیادهای اصیل اندیشه ای در میان مردم، مسئله ای است که استعمارگران از آن به مثابه راه رسیدن به اهداف شوم خویش، بهره میبرند. بعد از آغاز غیبت صغرا، عده ای، به خیال کسب مال و مقام، شروع به ادعای نیابت و بابیت حضرت مهدی ارواحنا فدا کردند و افرادی مانند شریعی، شلمغانی، نمیری، کرخی، حلاج، ابن ابی العزاقر و... خود را نایب و باب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نامیدند و بعد از اندک مدتی، کم کم، ترقی کردند، خود را امام و حتی پیامبر خواندند (بحارالأنوار ج ۵۱ ص ۳۶۷)

ادعای نیابت و حتی ادعای مهدویت که برای رسیدن به مال و مقام دنیوی و فریب دادن مردم ساده دل بود، تا اینکه نوبت به استعمار رسید. دولت های استعماری که در طول جنگ های صلیبی، طعم شکست را چشیده بودند، بعد از آغاز رنسانس و آغاز نفوذ به کشورهای آفریقایی و آسیایی، به این نتیجه رسیدند که برای نفوذ در کشورهای اسلامی، چاره ای جز ایجاد اختلاف های دینی ندارند. همفر (جاسوس انگلیسی) به هنگام توضیح مواد موافقت نامه ی مقامات بلند پایه ی وزارت مستعمرات بریتانیا برای شکست و نابودی اسلام، به ۱۴ بند از آن اشاره می کند. در بند ششم چنین آمده: تبلیغ عقاید و مذاهب من درآوردی و ساختگی در مناطق اسلامی با برنامه ریزی آگاهانه و منظم به گونه ای که تبلیغ پس از ارزیابی زمینه های مساعد فکری در اقشار مردم صورت گیرد. و اختلافات و منازعات شدیدی بین این فرقه ها برپا گردد تا بدان جا که هر فرقه ای خود را مسلمان واقعی و دیگران را

مرتد و کافر و واجب القتل پندارد. (خاطرات همفر)

اشخاص دیگری مدعی مهدویت شدند که سیاست خارجی، آن‌ها را تحریک نمود و گرنه فرومایگی آن‌ها مانند آفتاب آشکار شد. مانند سید علی محمد باب، میرزا یحیی ازل، حسین علی عبدالبهاء، یوسف خواجه کاشغری که گفت من امام زمان هستم و پیشوای تراکمه گردید و بیست و نه هزار ترکمن را در کنار رود گرگان با قشون ایران مصاف داده و نظایر بسیار در اطراف جهان از آن‌ها دیده شده است. استعمار غرب، روش‌های گوناگونی را برای تحقق این اهداف، در پیش گرفت. یکی از آن‌ها، روشی بود که در یک برهه از زمان، مبارزان مسلمان برای مبارزه با استعمار از آن استفاده کرده بودند. آن روش، ادعای مهدویت از سوی برخی از مسلمانان آفریقا بود. استعمار می‌خواست از این حربه، برای شکست خود اسلام استفاده کند.

راه‌های در امان ماندن از گزند مدعیان

۱. ثبات قدم در دین‌داری عصر غیبت و دوران آخرالزمان، آکنده از انواع فتنه‌ها، شرارت‌ها، ضلالت‌ها و مفسد است. آن‌گاه که واپسین حجت خدا، رخ در پس پرده غیبت نهان کرد، بدعت‌ها، هواپرستی‌ها، فتنه‌انگیزی‌ها و عداوت‌ها اوج گرفت؛ باطل‌پیشه‌گان گردن‌کش بر مسند قدرت نشستند و خداجویان و حق‌طلبان، اقلیتی ناچیز را تشکیل دادند. طبعاً در این زمان، پای فشردن بر شاخص‌های حیات طیبه دینی و اجرای حدود الهی، حق‌مدار ماندن، تقوا داشتن، دست به چرب و شیرین دنیا نیالودن، از پرتگاه فتنه‌ها جستن و به دام بدعت‌ها گرفتار نیامدن، امری شگرف است که جز با برخورداری از اراده پولادین و دین‌شناسی بنیادین و توفیق الهی، حاصل نمی‌شود.

آنچه مدعیان دروغین مهدویت را در عصر ارتباطات از مدعیان دوران‌های پیشین متمایز می‌سازد عبارت است از: برخورداری از انسجام تشکیلاتی، رعایت اصول حفاظتی و رازداری در اجرای برنامه‌ها و برخورد با افراد غیر گروه، وجود رابطه شدید «مرید و مرادی» بین اعضا و مدعیان دروغین، برخورداری آنان از حمایت بیگانگان و برخی محافل مشکوک، سوء استفاده از احساسات و تعصبات مذهبی و استفاده از ابزار ارتباط جمعی برای نفوذ هر چه بیشتر در جامعه.

۲. زدودن دروغ و خرافه‌پردازی از آموزه‌های مهدویت بدون شک، نمی‌توان برای تبیین آموزه مهدویت به هر روش ناصواب تمسک جست. حتی اگر از رهگذر استفاده از این روش‌ها، مخاطبان برای مدتی، رفتارهایی دینی از خود بروز دهند،

این امر هیچ گاه دوام نخواهد داشت. پیامد شوم دروغ و خرافه‌پردازی، بسیار بیشتر از آثار کوتاه و به ظاهر مثبت آن خواهد بود؛ زیرا افزون بر این که این امر، محتوای دین را دستخوش آسیب و تحریف می‌کند و حقایق را با خرافات می‌آمیزد، به هنگام آشکار شدن حقایق، تنفر و بی‌اعتمادی مخاطبان را به آموزه مهدویت برخواهد انگیخت.

۳. بازخوانی دوباره آموزه‌ها مهدویت مفاهیم و آموزه‌هایی مانند غیبت، انتظار، ارتباط و ملاقات، علایم و شرایط ظهور و ... هم‌چون دیگر آموزه‌های دینی، به تبیین و تفسیر صحیح و مستند کارشناسان نیازمندند؛ زیرا ممکن است بدفهمی آنها، بدعت‌ها، فرقه‌ها و نحله‌های منحرف بسیاری را پدید آورد. از این رو، فهم و تفسیر صحیح مسائل مهدویت، از مهم‌ترین بایسته‌های مهدویت پژوهی و رسالت مهم کارشناسان و مراکز علمی فرهنگی است. البته این بدان معنا نیست که مفاهیم را از آن چه جوهره آن است، تهی سازیم؛ بلکه مفاهیم باید به گونه‌ای تحلیل شوند که در آن، عقلانیت با معنویت، قدرت با اخلاق، دانش با ارزش و عمل با علم، جمع شود.

۴. تبیین نقش، جایگاه و مسئولیت علما و خواص در احیاء و نشر فرهنگ مهدویت عصر غیبت با چالش‌های «فترت»، «حیرت»، «فتنه» و «یأس» همراه است. از همین رو است که سگان رهبری مردم را به فقها سپرده‌اند تا با اصول راهبردی، به مقابله با این چالش‌ها برخیزند. از این رو در عصر غیبت، علما، وظیفه سنگینی به عهده دارند و آن، این که باید در جهت پیرایش فرهنگ مهدوی بکوشند و آن را بازخوانی کنند تا پاک بودن ساحت آن از بدعت‌ها و نیز توانمندی آن در حماسه سازی مغفول نماند. حضور عالمانِ مسئولیت پذیر راه را برای تفکرات عوامانه، مطالب ضعیف، دروغ و ویرانگر می‌بندد.

خطر قرار گرفتن در دام مدعیان دروغین برای تمامی اقشار جامعه وجود دارد؛ اما اقشار مذهبی به خاطر باورهای اعتقادی، بیشتر در معرض خطر قرار دارند. امروزه دشمنان دین و افکار اصیل اسلامی فهمیده‌اند که بهره‌گیری از زور و ابزارهای سخت و خشن در تغییر نگرش‌های اصیل جامعه نتیجه‌ای ندارد و از این رو به بهره‌گیری از روش‌های نرم و خزانده و نفوذ از روزنه ایجاد شبهه در اعتقادات و گسترش تفکرات انحرافی با پوشش دینی و مذهبی روی آورده‌اند.

بصیرت، هوشیاری و بیداری بایستی مبنای کار خواص قرار گیرد تا از یک طرف، اندیشه مهدویت مهجور نشود و از دیگر سو، به بهانه ترویج آموزه مهدویت، دروغ

گفتن، صواب تلقی نگردد، که چنین اندیشه‌ای بسیار خطرناک و زمینه‌ساز تحریف و بدعت‌های فراوان خواهد شد.

۵. جلوگیری از سیطره ناهلان بر اندیشه مهدویت تنها کسانی می‌توانند عهده‌دار هدایت دیگران شوند که خود در مسیر هدایت گام نهاده و به هدایت رسیده باشند. اندیشه مهدویت، زمانی به سر منزل مقصود می‌رسد که کسانی عهده دار آن شوند که هدایت الهی را درک کرده، از دین و دانش، بهره کافی برده، و در عمل به آن ملتزم باشند. از این رو است که نه عالمان بی‌عمل و نه جاهلان بی‌خبر از شیوه صحیح دعوت افراد به آموزه مهدویت، نمی‌توانند به ترویج این آموزه پردازند. حضور افراد غیر متخصص در عرصه بیان و بلاغ آموزه مهدویت، زمینه‌ساز تحریف‌های لفظی در اندیشه مهدویت می‌باشد

نفوذ خرافات میان مردم تا موعود گرایی سیاسی

موعود آموزه مشترک ادیان شرقی و غربی است، اما هیچ یک از تحریف مصون نمانده‌اند. در این میان، اندیشه مهدویت در اسلام به‌ویژه تشیع، شفاف‌ترین صورت و سیمای «موعود» است، اما طی سال‌های اخیر از سوی برخی آلایش‌ها و آسیب‌ها تهدید شده است. در اسلام، آموزه موعودگرایی یا مهدویت نیز در دو فرقه اصلی جهان اسلام نیز به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته است، به عبارت دیگر آموزه مهدویت از عصر حضور ائمه (علیهم السلام) طرفدارانی داشته است.

در ادوار تاریخ اسلامی عده‌ای با بهره‌مندی کاذب از این باور و معرفی خویش به عنوان موعود آخرالزمان یا مرتبط با امام مهدی، انحرافات در تحریکات سیاسی و حق طلبانه جامعه ایجاد کرده‌اند. در میان باورهای انحرافی که درباره موعود و مهدویت پدید آمده است نقش تشکیلاتی و سازمانی عوامل استعمار و صهیونیسم و نیز سایه تفکرات مدرنیت و غربیت مشهود است. طی سال‌های اخیر نیز باور به ظهور امام زمان **عجل الله تعالی فرجه الشریف** و نحوه تعامل حضرت حجت با جامعه شیعی از سوی برخی آلایش‌ها و آسیب‌ها تهدید می‌شود

افرادی مدعی رابطه با امام زمان **عجل الله تعالی فرجه** بوده و از طرح این ادعا برای خود بازاری تدارک دیده‌اند. برخی پا را فراتر گذاشته و خود را نماینده حضرت در بین مردم جا زده‌اند و عده‌ای در نهان و آشکار خود را شخص صاحب‌الزمان توصیف می‌کنند. وجه مشترک تمامی این مدعیان تقدس مآبی، زهد فروشی، غلو و درشت‌گویی، اظهارات رمز

آلود و ایهام گویی و اوصافی از این دست است، شگفت اینجا است که این اوصاف را با تفحص در گفتار و کردار مدعیان پیشین و پر سر و صدایی که از سوی استعمار حمایت می‌شدند نیز می‌توانیم ببینیم.

ارتباط موعودگرایی انحرافی با استکبار اما آیا ظهور تفکرات و خرافه‌های مدرنیستی و بت‌های ذهنی غربیت در باورهای موعود گرایانه شیعی، تنها ناشی از تحرکات اجانب بوده؟ البته چنین نیست؛ رواج این تفکرات در سرزمین‌های اسلامی که بر باورهای موعود گرایانه موثر افتاد؛ اما هر چه انحراف و خرافه بیشتر می‌شود، طمع ورزی بیگانگان بر بهره‌مندی از این فرصت جدیت می‌یابد. این مکاتب نه تنها از منظر نظری از مدرنیته تأثیر می‌پذیرفتند، بلکه از سوی استعمار نیز حمایت و هدایت می‌شدند

در سده اخیر نیز تأثیرپذیری طبیعی از مدرنیته در میان متفکران جهان اسلام مشاهده می‌شد و در کنار آن مأموریت‌پذیری عده‌ای دیگر برای اجرای کردن مدرنیت مدرن را نیز مشاهده می‌کنیم. ظهور مکاتب دین‌پیرایانه و دانش‌گريزانه و فرهنگ ستیزانه افرادی چون علی محمد باب، میرزا حسینعلی بهاءالله و احمد کسروی را باید از دسته اخیر دانست. آشنایی با ابعاد تأثیرپذیری جامعه اسلامی از مدرنیته و نیز ظهور خرافه‌های مدرنیستی در آموزه‌های موعود گرایانه می‌تواند نقطه‌عزیمتی برای جامعه اسلامی باشد تا آینده خود را بر مبنای حرکت درست به سوی موعود تنظیم کند.

نشانه‌های ظهور، مصادیق بدلی برای اهداف شوم شیطانی و استعماری

دشمنان اسلام در طول تاریخ همواره با جعل و تحریف به مصاف اسلام ناب آمده‌اند، و شخصیت‌های بدلی و جعلی دست‌پرورده استعمارگران در طول تاریخ خود گواه این مطلب است. آنان با اشرافی که بر آیات و روایات ما دارند به خوبی می‌دانند که چگونه شخصیت‌ها، جریان‌ها، و گروه‌هایی را با دست‌های شیطانی خود پیروانند و آنها را به عنوان مصادیق ناب و اصیل در میان مسلمانان مطرح کنند و از این طریق عده‌ای را گمراه و از دین متنفر نمایند، بنابراین مدعیان تطبیق همیشه بستر را برای شیاطین و استعمارگران و شیادان فراهم می‌کنند تا آنها بتوانند با جعل مصادیق بدلی به اهداف شوم شیطانی و استعماری خود برسند.

تطبیق نشانه‌های آخرالزمانی راهگشای تحلیل درست از حوادث و رویدادها نیست. کسانی که همواره به دنبال تطبیق و تعیین علائم و نشانه‌های ظهور امام‌زمان (ارواحنا فداه) بر مصادیق خاص هستند، هیچ‌گاه درک و تحلیل درستی از حوادث و رویدادهای

محیط پیرامونی خود نخواهند داشت. چرا که تغییر و تحولات چه در سطح داخلی، یا منطقه‌ای و بین‌المللی تابع علل و اسباب و قوانین و متغیرهای خاص خود می‌باشد که باید به درستی شناخته شود و مواضع صحیح و متناسب با آنها اتخاذ گردد. مدعیان تطبیق چون صرفاً به دنبال تعیین مصادیق می‌باشند از علل و اسباب واقعی پیدایش حوادث و رخدادها غافل شده و به گمراهی و ضلالت گرفتار می‌شوند. کسانی که برای عصر ظهور ذهنی خود مصداق‌سازی می‌کنند و افراد، جریان‌ها و گروه‌های خاصی را با علائم و نشانه‌های ظهور امام‌زمان (ارواحنا فداه) تطبیق می‌دهند، خواسته یا ناخواسته در مسیر شیادان و استعمارگران گام برمی‌دارند و پیامدهای ناگوار زیادی را به همراه می‌آورند که به طور خلاصه عبارتند از:

۱. ناامیدی و یاس در اثر عدم اتفاق ظهور
۲. بی‌اعتقادی نسبت به اصل ظهور به دلیل عدم تحقق تطبیق‌های مطرح شده
۳. استهزا و تکذیب باور مهدویت در نتیجه محقق نشدن ظهور
۴. شک و تردید در اصل ظهور و روایات پیرامون آن

نگرانی استکبار و سلطه‌گران

اقویا و حکومت‌ها، از ظهور مفاهیم اسلامی و روشن شدن حقایق قرآن سخت بیمناکند، زیرا آنجا که قرآن و اسلام است و آنجا که ندای برابری و مساوات **ان اکرمکم عند الله اتقاکم** همانا گرمی‌ترین شما در نزد خدا پرهیزکارترین شما است. بلند است، و آنجا که بانگ **وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ** و همانا ما در میان هر امتی پیغمبری فرستادیم تا به خلق ابلاغ کند که خدای یکتا را پرستید و از بتان دوری کنید.

اکنون که رسماً نظام اسلام بر تمام دنیا حاکم نیست، نفوذ اسلام و برنامه‌های آن در نفوس باقی است، فقهاء، روات احادیث اهل بیت علیهم السلام به صورت صنف خاصی شکل گرفته است، **أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُؤَاةِ حَدِيثِنَا (احادیثنا) فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ فَسَأَلُوا أَهْلَ الدُّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ.** (نحل ۴۳) اگر نمی‌دانید از آگاهان پرسید اهل ذکر، در مورد "رجوع جاهل به عالم" یعنی همان رجوع مقلد به مجتهد است (المیزان ج ۱۲ ص ۲۷۱)

برای اینکه قلوب، در تحت تصرف ولایتی امام علیه السلام قرار دارد و هر چه دشمنان بخواهند با تمهیدات و نقشه‌ها قلوب را از علما و نواب امام منصرف سازند،

نمی‌توانند. باید این چراغ روشن بماند و حجت‌های امام در بین مردم باقی بمانند، و همانطور که خدا زمین و خلاق را بدون حجت نخواهد گذارد، امام نیز مردم و شیعیان را بدون حجتی از جانب خود نخواهد گذاشت. و این رشته نیابت و هدایت و حکومت از جانب امام همانطور که از آغاز و از عصر غیبت کبری تا حال منقطع نشده، تا زمان ظهور آن حضرت نیز منقطع نخواهد شد: **لئلا یکون للناس علی الله حجة** تا مردم بر علیه خداوند حجتی نداشته باشند.

حاصل اینکه امام در عصر غیبت بر امور نظارت دارند، و بطور مطلق از کارها کناره‌گیری ندارند. اگر گفته شود: حال که چنین است، اگر چه ظهور کلی حضرت صاحب الامر (ارواحنا فداه) متوقف بر حصول شرایط و مقدمات و اذن خداوند متعال است، ولی اگر اینگونه مداخلات و توجیهات و مقابلات و تشریف دادن اشخاص به سعادت لقاء و شرفیابی به حضور آن حضرت بیشتر باشد، که یک ظهور جزئی همیشه در بین باشد، اصلاحات مهمی انجام خواهد شد و بسیاری از مصالح تامین و مفسدات زیادی دفع می‌گردد.

خط کش ادیان ابراهیمی برای شایعه‌های آخرالزمان

ادیان الهی یک خط کش و معیاری را برای تعیین روز قیامت ارائه کرده است، می‌گوید: طبق نظر ادیان ابراهیمی هر فردی که برای قیامت وقت مشخص کند، دروغ‌گوست، مثلاً اینکه هر کسی بگوید امام زمان (ارواحنا فداه) در فلان روز ظهور می‌کند، دروغ می‌گوید، پس دیگر نیازی نیست که اندیشمندان و الهی‌دانان در برابر هر شایعه‌ای هر روز موضع بگیرند. هیچ ادله‌ای متقن بر دست داشتن لابی صهیونیسم جهانی در شایعه آخر دنیا وجود ندارد، ولی به طور قطع می‌توان گفت که غرب از این شایعه نهایت سوء استفاده را کرده است، به طوری که نظام آمریکا گفته است: ای مردم! شنیده‌اید که ۲۱ دسامبر قرار است دنیا به پایان برسد؟ معنی پایان دنیا ممکن است این باشد که جمهوری اسلامی ایران می‌خواهد با بمب اتمی به دنیا حمله کند!!

مستندی که سوءاستفاده آمریکا از شایعه دسامبر ۲۰۱۲ را رسوا می‌سازد به گونه‌ای که رسانه‌های آمریکایی از این موضوع در راستای تفکر خودشان به ویژه برای اسلام‌هراسی استفاده کردند که شواهد روشن و صریح تولید مستند «ایرانیوم» است که این تلفیقی است از کلمه ایران و اورانیوم، یعنی خطر جنگ هسته‌ای به وسیله ایران که در این مستند به آن پرداخته شده است! در این مستند جهاد، شهادت طلبی و جالب‌تر از همه روحیه موعود باوری را به چالش کشیده است.

هجمه اعتقادات شیعی با معرفی منجی ساختگی هدف از القای آخرین روز دنیا، این است که امید از اذهان جامعه بشری پاک شود، جریان صهیونیسم جهانی به دنبال این است که اذهان جامعه بشری را نسبت به جنایتهایی که در جهان سلام رخ می‌دهد، منحرف سازد، همچنین نگاه هستی‌شناختی مردم جهان را از اعتقاد به وجود خداوند پاک سازد. غرب به دنبال آن است که خدا را از زندگی مردم مشرق‌زمین خارج سازد، آن‌ها سعی می‌کنند با ایجاد این شایعه‌ها، سناریوی **منجی دست‌ساز** را کلید بزنند تا با معرفی منجی ساختگی، تفکرات منجی‌گرایانه تشیع را به چالش بکشند. ساخت فیلم ۲۰۱۲ در سال ۲۰۰۹: این فیلم به خوبی از اهداف صهیونیسم جهانی درباره حوادث مرتبط با سال ۲۰۱۲ پرده بر می‌دارد.

چه کسی از زمان قیامت باخبر است؟! چرا زمان قیامت نامعلوم بودن است؟ شاید یکی از دلایل این امر، اثر تربیتی آن است، زیرا اگر زمان قیامت مشخص باشد، فراموشی و غفلت همگان را فرا می‌گیرد و اگر نزدیک باشد، پرهیز از بدی‌ها به شکل اضطرار و دور از آزادی و اختیار انجام می‌شود.

قرآن کریم به شایعات روز آخر دنیا چگونه پاسخ می‌دهد

قرآن کریم این مصحف آسمانی با خط بطلان بر همه شایعه‌های بشری درباره زمان وقوع قیامت و آخریم روز دنیا، چنین می‌فرماید: **يَسْأَلُكَ النَّاسُ عَنِ السَّاعَةِ قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَ مَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ تَكُونُ قَرِيبًا** (احزاب ۶۳)، مردم از تو درباره رستاخیز می‌پرسند، بگو **علم آن فقط نزد خداست** و چه می‌دانی؟ شاید رستاخیز نزدیک باشد.

آرمان سبز مهدویت نگاه به مسئله آخر الزمان تقریباً در تمامی ادیان ابراهیمی و حتی آیین‌هایی همچون بودیسم وجود دارد. اینکه سرانجام جهان به کدام سمت و سو خواهد رفت و نقطه فرجام انسان به کجا می‌رسد دغدغه‌ای است که در تمام ادیان وجود دارد. با این حال دین مبین اسلام به عنوان نهایی‌ترین و کامل‌ترین ادیان پاسخ بسیار روشنی را در خصوص آخرالزمان داده است. و قرآن مجید نیز صراحتاً به مسئله پایان دنیا اشاره فرموده است. جهانی‌سازی مهدوی از اصیل‌ترین و جدی‌ترین آرمان‌های شیعیان است که خداوند متعال به صراحت در قرآن مجید وعده آن را به مستضعفین داده است. **و نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعَفُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ** (قصص ۵) و ما بر آن هستیم که بر مستضعفان زمین منت نهیم و

آنان را پیشوایان و وارثان زمین گردانیم. مهدویت که از اساسی ترین نظریه های شیعه است دقیقاً در برابر حکومت جهانی لیبرال دموکراسی قرار می گیرد. زیرا در لیبرالیسم اساس بر من خودبنیادگر، فردگرایی و لذت گرایی است و به عبارت بهتر تفکرات اومانیستی تمامی ساحت های سیاسی اجتماعی را تکوین می بخشد. از نظر قرآن انسان موجودی است برگزیده از طرف خداوند، خلیفه و جانشین او در زمین، نیمه ملکوتی و نیمه مادی، دارای فطرتی خدا آشنا، آزاد، مستقل، امانتدار خدا و مسئول خویشتن و جهان، مسلط بر طبیعت و زمین و آسمان، ملهم به خیر و شر، وجودش از ضعف و ناتوانی آغاز می شود و به سوی قوت و کمال سیر می کند و بالایی رود اما جز در بارگاه الهی و جز با یاد او آرام نمی گیرد، ظرفیت علمی و عملی اش نامحدود، از شرافت و کرامتی ذاتی برخوردار، احیاناً انگیزه هایش هیچ گونه رنگ مادی و طبیعی ندارد، حق بهره گیری مشروع از نعمتهای خدا به او داده شده است ولی در برابر خدای خودش وظیفه دار است (مجموعه آثار مطهری ج ۲)

حال آنکه در جامعه مهدوی اساس بر تعالی انسان ها و اتکال بر روح خدا سرشت انسان هاست. از سوی دیگر راه رسیدن به حکومت مهدوی از نگاه تشیع تنها به دست صاحب امر و واسطه فیض میان عالم معنا و ناسوت تحقق پیدا می کند در حالی که انسان تراز عقلانیت مدرن در صدد است تا خود به تنهایی بهشتش را روی زمین رقم بزند. البته این بدین معنا نیست که افراد نقشی در تحقق آرمان مهدویت بازی نمیکنند بلکه دعوی ما در این است که اساس تحقق چنین امر بزرگی نیازمند حضوری معنوی است. با این حال باید گفت ایران اسلامی از ابتدا داعیه دار آماده سازی جهانی برای ظهور آخرین منجی بوده.

گفتمان انقلاب اسلامی پس از طرح در عرصه جهانی، به وضوح امپراتوری جهانی سازی (امپریالیسم جهانی) را به تمام معنای آن به چالش کشید و به سرعت به دیگری جهان غرب (به معنای فکری و فرهنگی آن و نه صرفاً غرب جغرافیایی) تبدیل شد. انقلاب اسلامی بویژه زمانی که رسالت جهانی خود را روشن می سازد و امام راحل (ره) اعلام می دارند: این واقعیت و حقیقت را بارها اعلام نموده ایم که در صدد گسترش نفوذ اسلام در جهان و کم کردن سلطه جهانخواران بوده و هستیم. در نگاه غرب و غرب گرایان از یک جابجایی ساده قدرت سیاسی در گوشه ای از دنیا فراتر می رود. رهبر معظم انقلاب نیز در این خصوص می فرمایند: انقلاب ما در راه آن هدفی که امام زمان برای تأمین آن هدف مبعوث می شود و ظاهر می شود یک مقدمه لازم و یک گام بزرگ بوده. ما اگر این گام بزرگ را بر نمی داشتیم، یقیناً ظهور ولی عصر (ارواحنا فداه) به عقب می افتاد.

سردرگمی انسان مدرن ، پیشگویی قوم مایا

عرضه مطالب دینی برای کاهش اضطراب جهانی از اولویت‌هایی است که باید مورد توجه قرار گیرد. باید به این مسئله توجه داشت که اصولاً این پیشگویی بر چه اساس و پایه‌ای است و چه دلیل معتبر دینی و غیر دینی برای این مسائل وجود دارد. از نظر دین اسلام این گونه پیش بینی‌ها نه تنها غیر معتبر بلکه غیر جایز است و موجب ایجاد عدم امنیت عمومی یا سلب در جوامع بشری می‌شود. این گونه علم‌ها نیز چون سعی دارند با روش‌های خاص پیش بینی‌هایی را انجام دهند از منظر اسلام علم غیر جایز به شمار می‌آیند. آنچه که در متون دینی اسلام آمده، نشان می‌دهد که پایان دنیا را کسی جز خدا نمی‌داند و برخی از علامت‌هایی هم در این زمینه وجود دارد نیز زمان قطعی پایان دنیا را روشن نکرده است. از سویی دیگر بر اساس مبانی دینی اسلام **قبل از پایان دنیا، حضرت مهدی (ارواحنا فداه) ظاهر خواهند شد و حضور خواهند یافت. و ظهور منجی نه تنها در دین اسلام بلکه در بسیاری از کتب آسمانی نیز نوید داده شده است.**

پایان دنیا در تاریکی جهل مدرن

یکی از ویژگی‌های عقلانیت مدرن و پست مدرن خرافه زایی است. در حالی که غول‌های فکری عقلانیت غربی ادعا داشتند که انسان‌ها باید با عقلانیت به واقعیات جهان پی ببرند اما نتایج ترویج این نوع از عقلانیت خرافه زایی و نوعی جهل مدرن را در پی داشته است.

عقلانیت مدرن منکر و نافی و حیانت و عالم ماورای طبیعت است و هرآنچه را که در پنجه حس نگنجد نیز غیر واقعی اعلام می‌دارد. اما همین به اصطلاح عقلانیت موجب ترس، اضطراب و وحشت انسان مدرن شده است. امروز شهروندان غربی با انکار معاد و قیامت آینده‌ای سیاه و روبه نابودی را برای انسان ترسیم کرده‌اند و همین وحشت از پایان بی‌سرانجام زندگی انسان‌ها موجب شده است تا خرافات و عرفان‌های کاذب و شیطانی اوج بگیرند. یکی از ویژگی‌های فطری انسان‌ها نیاز به جاودانه ماندن است.

روح انسان نمی‌تواند برای خود لحظه‌ای را تصور کند که دیگر وجود ندارد. اما تمدن غربی هیچ پاسخی به این نیاز بشری نداده است و جاودانگی انسان را به دست خرافات و جهل سپرده است. همین سردرگمی انسان مدرن نیز باعث شده است تا بازار خرافات و جهل در این تمدن روبه فزونی بگذارد به نوعی که تئوری پایان دنیا در روز جمعه

ابتدای دی ماه سال ۹۱ به اوج خود رسیده است.

البته در این بین **نقش سینمای هالیوود** در دامن زدن به این خرافات نیز بسیار حائز اهمیت است و فیلم ۲۰۱۲ هالیوود که فیلم پرفروشی نیز بود در ایجاد هراس و نگرانی در میان کشورهای غربی تاثیر خاصی داشته. این فیلم که چند سال پیش اکران عمومی شد. بر اساس همین شایعه پایان دنیا در تقویم مایاها ساخته شده و شمایی کلی از جهان در حال نابودی را به معرض دید مخاطبان می گذارد.

البته این فیلم تنها فیلم آخر الزماتی هالیوود نبوده و نیست و ما در سالهای اخیر شاهد موج سواری کمپانی های فیلمسازی بر روی شایعات پایان دنیا بوده ایم. **فیلم های آخر الزماتی هالیوودی** می خواهند با تهدید و خشونت در دل مردم رعب و وحشت ایجاد کنند. حتی بسیاری از فیلم ها ما هم به غلط این راه را رفته در حالی که اسلام مردم را به آرامش دعوت می کند و این مفاهیم با دین و فرهنگ ما سازگار نیستند.

سینمای هالیوود براساس انسان محوری و حذف خدا بنا شده در برخی فیلم های آخر الزماتی مثل **طالع نحس و مومیایی** گاه شیطان را محور قرار می دهند. اغلب این فیلم ها مبتنی بر خرافه هستند و در حال حاضر بیشترین القای خرافه از سوی سینمای هالیوود شکل می گیرد. معمولا مؤلفه های عمده فیلم های آخر الزماتی هالیوودی را در چند مورد می توان دسته بندی کرد:

- ۱- نشان دادن یک آمریکایی و یا یک یهودی به عنوان نجات دهنده بشریت.
- ۲- نشان دادن تصویر مخدوش از مسلمانان به عنوان نیروی ضد منجی.
- ۳- القای غلبه نهایی تمدن غرب و شکست حتمی مسلمین.
- ۴- نشان دادن چهره برتر از یهودیان و معرفی آنان به عنوان نیروی عمده در آخر الزمان.
- ۵- القای تصویری اهریمنی از مسلمین
- ۶- غیرالهی نشان دادن منجی با قداست زدایی از آن.

کلام آخر آن که ما امروز ائتلافی میان فرهنگ لیبرال دموکراسی و صهیونیسم می بینیم که توسط شیپور جهانی آن یعنی هالیوود به گوش جهانیان نواخته می شود. صهیونیسم بین الملل با ترویج خرافات و افسانه های دروغ از طریق سینما، به نوعی جهانی سازی اسطوره ای دست زده و قصد آن دارد تا باورهای خرافی خود در زمینه:

«شیطان»، «پایان دنیا»، «ظهور منجی یهود»، «سفر به سرزمین موعود»، تشکیل
امپراطوری جهانی» و «اسطوره های بنیانگذار سیاست اسرائیل» را به سایر اقوام و
ادیان و ملل نیز تسری می دهد.

از نگاه شیعه در مدینه فاضله مهدوی مردم عقلشان کامل می شود. چون تا زمان ظهور
دو باب علم درک می شود و بعد از آن ۲۴ باب.

این تعریف در ضدیت با فضای فیلم های آخرالزمانی هالیوودی قرار می گیرد که دائماً
بر مدار خشونت و کشتار می چرخند. سینمای دینی ما باید بدیلی در برابر این چنین
رویا پردازی های هالیوودی ارائه دهد تا بیش از این ذهن مردمان مسلمان ما با این
ایستارهای مسیحی- صهیونیستی آلوده و مسموم نشود.

با این حال باید اذعان کنیم هرچند این شایعه تقریباً برای اکثریت قریب به اتفاق مردم
مسلمان کشور ما هیچ اهمیتی ندارد اما در کشورهای غربی این شایعه به شدت رسوخ
پیدا کرده و مردم از ترس به پناهگاه ها هجوم آورده اند. مردم ما برخلاف غربی ها
که آینده جهان را در دست ناسا می دانند و از این جمع علمی کمک می گیرند آینده
جهان را از آن خداوند می دانند.

خداوندی که این جهان را از نابودی و نیستی خلق نمود و پس از آن نیز در روز قیامت
جهان را دگرگون خواهد نمود. مردم ما بر خلاف غربی ها تحلیل دقیقی از آغاز و پایان
دنیا دارند و این تحلیل ها نیز بر اساس عقلانیت صرف نیست بلکه ما با کمک وحی
شناخت صحیح و قابل اطمینانی از آغاز و پایان دنیا داریم.

بله همین خالق جهان بزرگ در قرآن مجید به ما انسان های کوچک می فرماید **وَ إِذَا
سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَ لِيُؤْمِنُوا بِي
لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ** (بقره ۱۸۶) و چون بندگان من از تو سراغ مرا می گیرند بدانند که من
نزدیکم و دعوت دعاکنندگان را اجابت می کنم البته در صورتی که مرا بخوانند پس باید
که آنان نیز دعوت مرا اجابت نموده و باید به من ایمان آورند تا شاید رشد یابند.

حال مطمئناً چنین کسی که خالق این جهان را چنین به خود نزدیک می بیند و خود را
نیز مقرب درگاه الهی می داند دیگر ترس و هراسی از آغاز و یا پایان دنیا ندارد.
البته ما نیز جایگاه عقل را به عناوین یک چراغ هدایت و راهنما می پذیریم اما می دانیم
که دامنه و برد این عقلانیت همه مسائل را پوشش نخواهد داد بلکه این عقل راهی
است به درک معنویت و سعادت الهی.

آینده جهان از نظر اسلام آیت‌الله جوادی آملی

مذاهب و شرایع مختلف آسمانی و یا بشری، هرکدام از دیدگاه خود درباره موضوع آینده جهان اظهار نظر کرده‌اند و تقریباً در تمامی مذاهب و شرایع به نحوی از ظهور منجی عدالت‌گستر در آخرالزمان سخن به میان آمده است.

در این میان موضوع آینده جهان در آیین الهی اسلام که تبلور راستین آن در مکتب تشیع است، مورد توجه قرار گرفته به طوری که این موضوع در آیات قرآن کریم و روایات پیشوایان معصوم اسلام پیش‌بینی شده و آینده جهان از آن مستضعفان و بندگان صالح خدا دانسته شده است. برای تبیین آینده جهان از نظر اسلام توجه به اصول جهان‌بینی از دیدگاه اسلامی لازم است. از این رهگذر، به برخی از قواعد کلی جهان‌شناسی در مکتب دین اشاره می‌شود؛ تا نتایج آن معلوم گردد و نظم نوین جهانی به خوبی معنا شود و در تأسیس آن سعی بلیغ شده تا استکبار جهانی خیال خام در سر نپروراند.

یکم. هدفدار بودن جهان آفرینش آفرینش جهان هدفدار بوده، هیچ‌گونه بطلان و عبث در او نیست؛ (ما آسمان و زمین و آنچه را میان آنهاست بیهوده نیافریدیم... و **مَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَ الْأَرْضَ وَ مَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا** (ص ۲۷) و هدف هر چیزی کمال مناسب آن شیء است و کمال وجودی جهان خلقت، همانا نیل به مقام برتر هستی و رهیدن از نقص نسبی و عیب قیاسی و رسیدن به تمامیت و سلامت است

دوم. ناهماهنگی و تضاد ستم با هدف جهان آفرینش ستم چون سَمّ زیانباری است که با جهاز هاضمه جهان خلقت ناسازگار بوده، مایه تباهی وی می‌شود و چون با نظام داخلی جهان آفرینش ناهماهنگ می‌باشد، با هدف خلقت نیز تضاد داشته، همواره مانع رسیدن به هدف است؛ (فساد در خشکی و دریا به خاطر کارهایی که مردم انجام داده‌اند، آشکار شده **ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ** (روم، ۴۱)، و اگر حق از هوس‌های آنها پیروی کند، آسمان‌ها و زمین و همه کسانی که در آنها هستند تباه می‌شوند... **وَ لَوْ اتَّبَعَ الْحَقُّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ** (مؤمنون، ۷۱)

سوم. عبث نبودن خلقت انسان انسان مخلوق ممتازی است که با هدف ویژه آفریده شد و هرگز یاوه و بیهوده نبوده، گزاف و عبث در حریم آفرینش وی راه نیافته، باطل و رها نیست؛ (آیا انسان گمان می‌کند بی‌هدف رها می‌شود؟) **أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى** (قیامت ۳۶)، (آیا گمان کردید شما را بیهوده آفریده‌ایم، و به سوی ما بازگردانده نمی‌شوید؟). **أَفَحَسِبْتُمْ أَنْ مَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَ أَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ** (مؤمنون ۱۱۵)

چهارم. ظلم و تجاوز مانع رسیدن به هدف خلقت ظلم و تجاوز به حقوق دیگران، چون شعله نورانی است که با کمال انسان مناسب نبوده، همواره سدّ راه رسیدن وی به مقصود آفرینش است و بدون پرهیز از هر گونه ستم فردی و جمعی، خواه به صورت استبداد، خواه به طور استثمار و خواه به نحو استعمار که جامع اضلاع این مثلث مشئوم، همانا استعباد و به بردگی در آوردن دیگران است، میسور نخواهد شد.

پنجم. صلاح افراد در حیات جمعی زندگی انسان یک حیات جمعی است، خواه جامعه وجود جدایی از وجود افراد داشته باشد که عده‌ای بر آن‌اند یا آنکه جامعه وجودی منحاز و مستقلى نداشته بلکه وجود آن همان حیثیت اجتماعی هر فردی باشد که همراه با حیثیت فردی وی آفریده شده است؛ چنان‌که گروه دیگری بر این نظرند؛ بنابراین صلاح هر فردی را باید در صلاحیت حیات جمعی جامعه جست‌وجو کرد؛ زیرا گر چه ممکن است در جامعه آلوده، فردی به صفا زندگی کند یا آنکه در جامعه پاک، فردی به آلودگی مبتلا گردد، لیکن با موارد نادر نمی‌توان حکم کلی و جامع را به دست آورد.

ششم. قوانین و رهبری لازمه حیات جمعی تأمین حیات جمعی جامعه بدون نظام حکومتی ممکن نیست؛ یعنی بدون قانون یکتا و رهبری یگانه و بدون پذیرش همگان نسبت به قانون جامع و رهبری واحد، یا اصلاً زندگی اجتماعی میسر نیست یا به کمال مطلوب نمی‌رسد و همان‌طوری که تعدّد قانون، مانع استقرار نظام حکومتی است، تعدّد رهبر و کثرت آن هر چند شورایی هم باشد، مانع ایده‌آل نظام حکومتی است.

هفتم. نیاز جامعه به قانون جامع و رهبر وارسته تدوین قانون جامع از طرف فرد معین یا گروه خاص، هرگز ضامن منافع همه اقشار و جوامع نمی‌باشد؛ زیرا هر فرد یا گروهی، یا فقط سود خود را می‌طلبد یا در تشخیص سود و زیان دیگران ناتوان است؛ چنان‌که رهبری فردی که فقط چهره مردمی داشته، از تأیید الهی برخوردار نمی‌باشد یا به طور صحیح وارث مکتب الهی نیست، ضامن مصالح همه مردم نبوده؛ بلکه در گرایش‌ها و تنش‌های سیاسی و اجتماعی، منافع طبقه مخصوص را بر مصالح دیگران ترجیح می‌دهد؛ لذا چاره‌ای جز تأمین دو رکن اصیل سیاسی اجتماعی نیست؛ اول، قانون آزاد و دوم، رهبر آزاده. و قانون آزاد از اشتباه و تبعیض نابخا، همانا قانون الهی است و رهبر آزاده همانا انسان وارسته‌ای است که از بند باند بازی، آزاد و از مرز آز و آزار، حرّیت یافته باشد.

هشتم. عدم تحقق نظام حکومتی ایده‌آل جهان آفرینش تا کنون شاهد نظام حکومتی برین نبوده، جوامع بشری به جامعه ایده‌آل نائل نیامده است؛ یعنی به هدف خلقت

خویش بارنیافته است، گرچه در این راه راهیان کوی حق قربانیهای فراوان نثار کرده‌اند و طبقات مخصوص به اوج ایثار رسیده، از این جهت به کمال خویش باریافته‌اند، لیکن هدف عمومی آفرینش حاصل نشده است. البته زمینه‌های مناسب مقصود نهایی را فراهم نموده‌اند و از این نظر، مأموریت‌های الهی خویش را امتثال کرده‌اند.

نهم. نوید تشکیل حکومت صالحان اسلام برابر اصول یاد شده، چنین نوید می‌دهد که حکومت پهنه زمین و گستره زمان آینده به دست وارستگان آزاده از هر گونه رذیلت قرار می‌گیرد؛ تا هم به ستم ظالمان پایان بخشوده شود، هم سطح زمین از تباهی طاغیان تطهیر گردد، هم طبقه محروم از فقر رهایی یابد، هم شکمبارگی مُترفان فراموش گردد؛ (ما می‌خواستیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم) **و نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ** (قصص ۵) (... بندگان شایسته‌ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد) **أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ** (انبیاء ۱۰۵)

دهم. گسترش قسط و عدل و احکام الهی در جهان برنامه حکومت صالحان، همانا احیای زمینِ ظلم زده و زمینه ستم‌دیده، و نجات آن از هر گونه تعدی و طغیان و اصلاح آن به گسترش قسط و عدل است و چون مهم‌ترین عامل رهایی از سلطه شیطان و بردگی هوس همانا ایجاد روح بندگی خداوند در فرد و جامعه می‌باشد، اسلام وظیفه صالحان وارث زمین را چنین ترسیم می‌نماید: (همان کسانی که هرگاه در زمین به آنها قدرت بخشیدیم، نماز را برپا می‌دارند، و زکات می‌دهند، و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند، و پایان همه کارها از آن خداست) **الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوُا الزَّكَاةَ وَ أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ** (حج ۴۱) بنابراین، نتیجه نگرش الهی به جهان خلقت، همانا به آینده خوش بین بودن و با هر ظلمی مبارزه نمودن و زمینه صلح جهانی را فراهم کردن و به هدف والای بشری معتقد بودن و از هر گونه یأس و ناامیدی نجات یافتن. و در مقابل پیشرفت سلاح‌های اتمی و جنگ ستارگان، مقاومت کردن و به انتظار مُصلح آزاده جهانی بسر بردن و در زمان ظهور وی از هیچ نثار و ایثاری دریغ نکردن و برای استقرار حکومت آن انسان کامل و خلیفه خدا در زمین جهاد و اجتهاد نمودن و ذائقه تلخ تهیدستان را با براندازی توانگران زر اندوز شیرین کردن و سرانجام، آفریدگار جهان را با تعدیل نظام بشری خشنود ساختن خواهد بود. بامید آن روز بهروز و به انتظار ظفر عدل بر ظلم و اهتزاز پرچم قسط بر فراز هر کاخ و کوخ!

ظهور مصلحان در مواجهه با تمدن غرب

در رویارویی با فرهنگ و تمدن غرب به دو نوع رویکرد مسلمانان شامل: **غرب‌گرایی و غرب‌زدگی** به نحو اجمال اشاره کرد.

مرحله ظهور مصلحان: آنچه برای مسلمانان و کشورهای اسلامی باقی ماند، جز تباهی فرهنگی، سرخوردگی، بردگی فکری، تضاددینی- فرهنگی محسوس و ... نبود. از سوی دیگر، استعمار فرهنگی منجر به استعمار سیاسی و به دنبال آن استعمار اقتصادی شد. جوامع اسلامی شاهد آن بودند که همه سرمایه‌های ملی آنها به جای به کارافتادن در صنعت و تولید، به حساب سرمایه‌داران استعمارگر خارجی و دولت‌هایشان ریخته می‌شود. گذشته از آن، از این رهگذر، ذلت و خواری فراوانی نصیب مسلمانان شد و مسلمانان، به ویژه متفکران آنها، این امر را به روشنی لمس می‌کردند.

در این دوران بود که مصلحان واقعی به پا خاستند و حرکتی نوین را بنا نهادند. آنها به معنای واقعی کلمه نوگرا یا تجددگرا بودند و خواهان بازاندیشی مسلمانان در رفتارهای خود شدند. شاید برخی، آغاز نوگرایی مسلمانان را همان مرحله اول بدانند، اما حقیقت آن است که دو مرحله پیش را باید به همان نحو که گفته شد توصیف کرد.

مسلمانان، هیچ‌گاه به معنای واقعی کلمه نوگرا نبودند، بلکه مقلد یا مجری فرهنگ منحط غرب بودند. به تعبیر دیگر، مسلمانان و سردمداران آنها شیفته علم و فناوری و نظام‌های اجتماعی غرب شدند و رویکردشان هیچ‌گاه با معتقدات دینی آنها همخوان نبود. البته بودند کسانی که تلاش آنها همخوان کردن رویکردهایشان با فرهنگ و دین اسلام بود، اما این عده در اقلیت بودند و رویکرد غالب، شیفتگی به غرب و فراموشی فرهنگ اصیل اسلام بود. محتوای رویکرد نوگرایان، بازبینی در رفتارهای سابق و دین اندیشی به معنای واقعی کلمه بود.

دین هیچ‌گاه در حاشیه حرکت نبود، بلکه در متن حرکت نوگرایی و در واقع محرک و انگیزه اصلی نوگرایی بود. نوگرایان در این مرحله، که به معنای واقعی و دقیق کلمه باید از آنان به عنوان «اصلاح‌گر» یاد کرد، دغدغه دینی داشتند ما این مرحله را نوگرایی دینی یا همان اصلاح‌گرایی دینی می‌خوانیم و در نوشتار نیز، نوگرایی مورد بحث، نوگرایی اسلامی یا همان اصلاح‌گرایی دینی است.

زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی، تاریخی و دینی این مرحله را فراهم آورد. باید دید دغدغه خاطر نوگرایان یا اصلاح‌گرایان دینی چه بوده است؛ مسئله‌ای که صحت و سقم

حرکت نوگرایی یا اصلاح‌گرایی را تعیین می‌کند. بنابراین فقط در مرحله اخیر باید با این ملاک با فرهنگ و تمدن و غرب مواجه شد که اصالت و هویت دینی و خودباوری اسلامی مسلمانان تحت‌الشعاع دستاوردهای بشری فرهنگ و تمدن غرب قرار نگیرد و خدای ناکرده مسلمانان با یک نوع روحیه خودباختگی و مرعوب‌شدن در این رابطه با دنیای غرب تعامل نکنند.

زمینه سازی برای ظهور چرا و چگونه؟ هر انقلابی برای اینکه ابعاد آن شناخته شود و یا با شکست روبه‌رو نگردد نیاز به زمینه سازی دارد و قیام و انقلاب حضرت مهدی (ارواحنا فداه) اگرچه محکوم به شکست نمی‌باشد، اما برای اینکه ابعاد آن برای همگان روشن شود، بدین جهت باید پیشاپیش برای آن زمینه سازی کرد. البته این زمینه سازی از قرآن شروع شده، سپس پیامبر و معصومین به ابعاد آن پرداخته‌اند. قرآن مجید در چند آیه، وراثت صالحان را نسبت به زمین نوید داده و همچنین حکومت روی زمین را که در آینده به آن‌ها واگذار خواهد کرد بیان داشته است،

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ (انبیاء ۱۰۵) پس از تورات در زبور نوشتیم که وارث نهایی زمین، بندگان نیکوکار من خواهند بود. و همچنین فرموده: **و نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ** (قصص ۵) ما می‌خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم. و فرموده: **وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لَيبدلنهم من بعد خوفهم أمنا يعبدونني لا يشركون بي شيئاً.** (نور ۵۵) خداوند به مؤمنان و شایسته‌کاران وعده داده است که آنان را جانشینان زمین قرار دهد، دینی که برای آنها آن را پسندیده است، مستقر سازد. دوران خوف آنان را تبدیل به امنیت نماید تا بدون هیچ ترس و واهمه ای خدای خویش را پرستند و اطاعت غیر خدا را گردن نهند

آیات فوق مردم را به فکر و اندیشه واداشته که این صالحان کیانند که هم وارث زمین خواهند بود و هم حکومت را به دست می‌گیرند و هم اسلام را فراگیر و جهانی کرده و بدون هیچ ترس و وحشتی و در امنیت کامل به عبادت خدا می‌پردازند. به دنبال طرح این آیات از سوی پروردگار در قرآن مجید، پیامبر (صلی الله علیه و آله) از همان ابتدا مسلمانان را به حکومتی جهانی به رهبری یکی از فرزندان او که همانام و هم‌کنیه اش بوده خبر داده است. (تذکره الخواص ص ۳۶۲، عقد الدرر ص ۲۳، منهاج السنه ج ۴ ص ۲۱۱)

و روایاتی که نقل شده مردم و مسلمانان را به این چهره مقدس و این حکومت الهی آشنا ساخته و معصومان با تبیین مسائل بیشتری به تمام ابعاد آن پرداخته اند. به گونه ای که تمام احادیث اسلامی درباره امام مهدی (ارواحنا فداه) با زمینه سازی کاملاً مرتبط است.

چگونه برای حضور زمینه سازی کنیم؟

۱- شناختن و شناساندن ولی عصر (ارواحنا فداه) مسئله شناخت امام زمان از مسائل ضروری است که به تعبیر روایات، اگر کسی امام زمان خویش را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است. و شناخت بقیه الله بدین جهت لازم است که اگر او را نشناسیم نه تنها عمل ما باطل است بلکه منحرف و گمراه خواهیم شد. امام موسی بن جعفر (علیه السلام) فرمود: امام، حجت بندگان است و هرکه او را رها کند گمراه می شود و هر که با او باشد نجات می یابد و رستگار می گردد. (معجم احادیث الامام المهدی ج ۴) به همین جهت است که در دعا می خوانیم: **اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ رَسُولَكَ؛ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ، اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي، اللَّهُمَّ لَا تَمْتَنِي مِيتَهُ جَاهِلِيَةٍ** مرحوم شیخ عباس قمی این دعا را از جمال الاسبوع ابن طاووس حلی نقل کرده

خدایا خودت را به من بشناسان که اگر خودت را به من نشناسانی رسولت را نخواهم شناخت، خدایا پیامبرت را به من بشناسان وگرنه حجتت را نخواهم شناخت، خدایا حجتت را به من بشناسان وگرنه از دین خود گمراه خواهم شد، خدایا مرا به مرگ جاهلیت نمیران. در همین زمینه احادیث فراوانی در کتابهای شیعه و سنی از پیامبر (ص) آمده است که آن حضرت روی شناخت امام، زیاد تکیه کرده اند.

۲- مبارزه با انحرافات و کجروی ها یکی از حکمتهای غیبت امام عصر (ارواحنا فداه) وجود گناهیانی است که در جامعه به آنها دامن زده می شود، اینجاست که مبارزه با گناهان زمینه ای است برای ظهور امام، زیرا یکی از اهداف بسیار مهم امام مبارزه با انحرافات و کجرویها و ریشه کن کردن مفساد است. امام می آید تا به ظلم و ستم فرجام داده و عدل و داد را روی زمین بگستراند. پیامبر (صلی الله علیه و آله) در یک پیشگویی فرمود: **مَهْدِيُّ أُمَّتِي الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلْتُ جَوْرًا وَظُلْمًا؛** بنابراین اگر بخواهیم زمینه ظهور را فراهم کنیم باید به کمک امام شتافته و در این کار با او همگام شویم. نه باسکوت و بی تفاوتی و نه در برابر انحرافات و مفساد اجتماعی چنین فکر کنند که باید به مفساد در جامعه دامن زد که کاملاً غلط است (غیبه نعمانی ص ۱۸)

۳- ضرورت خودسازی یکی از مسائل اساسی درخصوص زمینه سازی برای ظهور، مسئله خودسازی یاران حضرت مهدی ارواحنا فداه است. کسانی که می خواهند جزو یاوران و یاران حضرت حجت باشند باید خود را به مرتبه ای از تهذیب و کمال و خودسازی برسانند تا بتوانند لیاقت همراهی و یآوری آن حضرت را داشته باشند.

کسانی که فرآیند خودسازی را در وجود خود طی نکرده اند نمی توانند امیدوار باشند که زمینه را برای ظهور منجی آخرالزمان فراهم کرده اند. یاور حضرت باید به درجه ای از کمال رسیده و فضایل اخلاقی را در خود پیاده کرده باشد که بتواند ادعا کند در رکاب حضرت به یاری دین خدا خواهد پرداخت. مسلماً حضرت با افراد خودساخته خواهد توانست به رفع ظلم و اصلاح جوامع بپردازد.

۴- تبیین اهداف امام مسئله دیگری که زمینه ساز ظهور امام زمان ارواحنا فداه است، اینکه پس از شناخت و معرفت به امام عصر، اهداف وی را بررسی و مورد مطالعه قرار دهیم. مثلاً ویژگی های حکومت امام و تمایز آن از سایر حکومت های پیشین و اینکه حکومتی که در قرآن بدان اشاره شده و پیامبران پیشگویی کرده اند، با تمام حکومت ها تفاوت اساسی خواهد داشت. حکومت امام عصر ارواحنا فداه جهانی و الهی و حکومت الهی دین و قرآن و اهل بیت پیامبر است. حکومت برقراری امنیت جهانی است، حکومت بسط عدالت است

حکومت حاکمیت اخلاق و ارزش های انسانی است. بدانیم که امام می آید تا اهداف پیاده نشده تمام انبیای الهی را به انجام برساند، امام می آید تا عالی ترین مظاهر یک حکومت مترقی را به نمایش بگذارد امام می آید تا بشر را به کمال واقعی خود برساند. و خلاصه کاری که امام عصر ارواحنا فداه می کند، تاکنون به دست هیچ پیامبر و یا حاکمی در جهان در طول تاریخ صورت نگرفته است. اعتقاد به این مسائل سبب می شود که برای رسیدن به چنین حکومتی تلاش کرده، موانع را از سر راه برداریم و همچنین دیگران را تشویق بنماییم که چنین کاری خود زمینه سازی برای ظهور خواهد بود.

۵- انتظار فرج از دیگر موارد زمینه سازی ظهور امام زمان ارواحنا فداه انتظار فرج است، انتظاری که پیامبر و معصومین ما را به آن دعوت کرده اند، انتظاری که در روایات، برترین اعمال و بهترین عبادت شمرده شده، انتظاری که به تعبیر امام صادق (علیه السلام) اگر شخص درحال انتظار بمیرد شهید خواهد بود، اگر چه در بستر هم مرده باشد.

۶- شناخت وظایف و عمل به آن بزرگان ما براساس روایات و احادیث و سفارش پیامبر (صلی الله علیه و آله) و معصومین علیهم السلام وظایفی را برای مردم درحال غیبت کبری بیان کرده اند که هر یک از آنها خود زمینه ساز ظهور مهدی موعود ارواحنا فداه خواهد بود. مرحوم محدث قمی به چند مورد از آن ها اشاره کرده است:

- ۱- مهموم بودن برای آن جناب در ایام غیبت.
- ۲- دعا کردن برای حفظ وجود مبارک امام عصر ارواحنا فداه از شر شیاطین انس و جن و طلب تعجیل فرج و نصرت و پیروزی او بر کفار و ملحدین و منافقین.
- ۳- صدقه دادن در حد توان برای حفظ وجود مبارک ولی عصر ارواحنا فداه.
- ۴- به جا آوردن حج به نیابت از امام عصر ارواحنا فداه چنان که در گذشته میان شیعه مرسوم بوده است.
- ۵- برخاستن از برای تعظیم به هنگام ذکر نام مبارک آن حضرت به ویژه نام مبارک قائم ارواحنا فداه
- ۶- تضرع و درخواست از خداوند برای حفظ دین و ایمان از دستبرد شیاطین و رهایی از شبهات.
- ۷- استمداد و استعانت و استعاذه به آن جناب در هنگام سختی ها و گرفتاری ها و بیماری ها و شبهات و فتنه ها (منتهی الآمال ج ۲ ص ۳۸۴)

ضرورت اصلاحات، پیش از ظهور

انسان برای اصلاح خود و جامعه تلاش می کند. اما از آنجا که برخی از عوامل درونی و بیرونی مانع از تحقق این خوشبختی و سعادت بشر است و برخی از انسان ها برخلاف فطرت خویش گام برمی دارند و بدی و زشتی را برمی گزینند، مسئله اصلاح انسان و جامعه از سوی انسان های صالح مطرح می شود. انسان های صالح دوست دارند تا محیطی متناسب با کمالات و خوبی ها فراهم آورند و با هرگونه مانع به عنوان فساد مبارزه کنند. اینجاست که مسئله منجی بشریت مطرح می شود و انتظار انسان صالح و مصلح که بتواند جامعه بشری را نجات دهد، به عنوان یک آرمان مقدس در همه جوامع بشری در طول تاریخ شکل می گیرد.

اصلاحات، نیاز دایمی بشر جهان ماده به گونه ای آفریده شده که حیات و ممات، بد و خوب، زشت و زیبا در آن تنیده و آمیخته شده است و افراط به ویژه در جنبه مادی آن به جای آنکه چهره کمالی را به نمایش گذارد، جنبه زشت و بد آن را آشکار می سازد، این در حالی است که در جهان آخرت چنین تنیدگی و آمیختگی وجود ندارد و

جهان آخرت همه اش کمالی و خیر و حیات محض است **وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ
وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ** (عنکبوت ۶۴)

پیامبران (صلوات الله علیهم) از سوی خداوند به عنوان انسان های صالح و کامل، ماموریت یافتند تا مردم را با حقیقت کمال و راه راست رسیدن به آن آشنا سازند و در نقش مصلح به اصلاحات اموری که به تباهی و فساد کشیده شده پردازند. **وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ فَمَنْ آمَنَ وَ أَصْلَحَ فَلَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ** انعام ۴۸ و (اعراف ۳۵)

این اصلاحات در همه عرصه ها و زمینه ها مساله دایمی است؛ زیرا انسان ها در افکار و عقاید به اسراف می روند و تباهی و فساد می آفرینند، چنانکه در مسائل اقتصادی و جنسی نیز این گونه مسیر اسراف و افراط را در پیش گرفته و فساد و تباهی در آن پدید می آورند. **وَ كَذَلِكَ نَجْزِي مَنْ أَسْرَفَ وَ لَمْ يُؤْمِنْ بِآيَاتِ رَبِّهِ وَ لَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَدُّ وَ أَبْقَى** طه ۱۲۷ و (انعام ۱۴۱ اعراف ۳۱ و ۸۵، یونس ۸۳، شعراء ۱۵۱، ذاریات ۳۴)

اصلاحات، بازگشت به مسیر کمالی هدف از اصلاحات برطرف کردن فساد و تباهی و انجام دادن کار شایسته است. پس هرگاه در چیزی برخلاف طبیعت و فطرت آن، فسادی راه یافت، نیاز به اصلاحات است؛ مسیر اصلی حرکت های جهانی براساس سنت های الهی، رسیدن هر موجودی به کمال آن است که نوعی سکونت و آرامش را موجب می شود که مخصوص رسیدن به این کمالات است.

خصوصیات منتظران واقعی، در انتظار صالح و مصلح کل امور دنیایی چنان آمیزه ای از حق و باطل، زشت و زیبا و بد و خوب است که هرازگاهی انسان نیازمند بازبینی و ارزیابی کارهای انجام شده و راه های رفته است؛ زیرا انسانها هنگام اشتغال به کاری چنان در آن غرق میشوند که از امور دیگر غفلت میکنند. اینجاست که لازم است هرازگاهی دست از کار کشید و به ارزیابی بر اساس نقشه راه پرداخت تا هرگونه انحراف و کژی شناخته و اصلاح شود

با توجه به شرایط عمومی جهان و گسترش امور ضد کمالی و نابهنجار و زشت در جوامع، انسان های صالح تلاش هایی را برای رهایی دیگران به خرج می دهند؛ زیرا رهایی خویش را در گرو رهایی جوامع بشری از کفر و فجور میدانند. (سوره عصر) اما تلاش های این افراد صالح همواره قرین موفقیت نبوده و نیست؛ چرا که مفسدان قدرتمند از هر ابزاری برای رسیدن به اهداف شوم و بدخویش سود می برند؛ درحالی که مصلحان با محدودیت ابزارها مواجه هستند؛ چرا که برای رسیدن به هدف خوب و صالح می بایست از ابزار نیک و صالح و راه و مسیر خوب و هنجاری استفاده کرد و

هیچگاه هدف وسیله را توجیه نمی‌کند. از آنجایی که صالحان، اهل ایمان هستند و می‌دانند که جهان در نهایت به سمت کمال می‌رود، در انتظار مصلح و منجی کل هستند تا جامعه انسانی را به سمتی هدایت کند. منتظران مصلح و منجی جهان، خود انسان‌های صالحی هستند. انسان‌هایی هستند که از تنهایی راه نمی‌هراسند و در برابر دشمنان و مفسدان چون آهن، سخت و شدید هستند و برای رهایی از بدیها تلاش میکنند و استقامت می‌ورزند **فَأَسْتَقِمُّ كَمَا أُمِرْتُ وَ مَنْ تَابَ مَعَكَ وَ لَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ** پس تو چنان که مأموری استقامت و پایداری کن و کسی که با همراهی تو به خدا رجوع کند نیز پایدار باشد، و (هیچ از حدود الهی) تجاوز نکنید که خدا به هر چه شما می‌کنید بصیر و داناست. (هود ۱۱۲)

امام سجاد (علیه السلام) درباره منتظران واقعی: **إِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَذْهَبَ اللَّهُ عَن شِيعَتِنَا الْعَاهَةَ وَ جَعَلَ قُلُوبَهُمْ كَزُبْرِ الْحَدِيدِ؛** آن‌گاه که قائم ما قیام کند، خدا آفت را از شیعیان ما بزداید و دل‌هایشان را چون پاره‌های آهن استوار سازد. (الخصال شیخ صدوق ج ۲ ص ۵۴۱) منتظران واقعی به علی برترین مردمان زمان خود و حتی زمان‌های دیگر هستند؛ زیرا اینان با آنکه در شرایط سخت محیطی و گفتمانی زندگی می‌کنند و از همه جهات بر ایشان فشار است و فساد و تباهی امان ایشان را بریده است ولی هرگز در درستی راه خویش شک نمی‌کنند و با همه فشارها سعی می‌کنند تا صالح باشند و به میزان توان خویش اصلاحات را پیگیر باشند و جامعه را به سوی صلاح و اصلاحات ببرند. از این رو امام سجاد (علیه السلام) منتظران واقعی را برترین مردمان روزگار برمی‌شمارد و می‌فرماید:

الْمُنْتَظِرُونَ لِظُهُورِهِ أَفْضَلُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ؛

در همین راستا و به سبب سختی دوران انتظار و مبارزه با اهل فساد و جنگ عملی و علمی با آنان، امام سجاد در جایی دیگر ارزش انتظار را بسیار بالا می‌برد و می‌فرماید: **مَنْ نُتِبَتْ عَلَيَّ وَ لَا يَتِينَا فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا أَعْطَاهُ اللَّهُ أَجْرَ أَلْفِ شَهِيدٍ مِثْلِ شَهِدَائِهِ بَدْرٍ وَ أُحُدٍ؛** هر که در دوران غیبت قائم ما، بر ولایت ما ثابت قدم باشد، خداوند پاداش هزار شهید مانند شهدای بدر و احد را به او عطا می‌فرماید. (کشف الغمه، ج ۳، ص ۳۱۲)

امام صادق (علیه السلام): **الْمُنْتَظِرُ لِلثَّانِي عَشَرَ كَالشَّاهِرِ سَيَفُهُ بَيْنَ يَدَي رَسولِ اللَّهِ يُدَبُّ عَنْهُ؛** کسی که منتظر امام دوازدهم است مانند کسی است که در کنار رسول خدا و برای دفاع از آن حضرت شمشیر می‌زند. (غیبت نعمانی، ص ۱۴) امام موسی کاظم (علیه السلام) نیز در بیان علت ارزش و اهمیت انتظار: **طُوبَى لِشِيعَتِنَا الْمُتَمَسِّكِينَ بِحُبِّنَا فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا، وَ اللَّهُ مَعَنَا فِي دَرَجَتِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ،** خوشا به حال شیعیان ما که در غیبت قائم ما بر محبت و ولایت ما و بی‌زاری از دشمنان ما پایدار ماندند، آنها از ما و ما از آنها ایم.

آنان امامت ما را پذیرفتند، ما هم آنها را به عنوان شیعیان خود پذیرفتیم. خوشا به حال آنها و بازهم خوشا به حال آنها، آنان به خدا قسم در درجه ما و درکنار ما در روز قیامتند. (الزام الناصب، ص ۸۶) امام هادی (علیه السلام) مسیر درست منتظر واقعی را نشان می دهد و معلوم می دارد که وظیفه منتظر واقعی در عصر غیبت چیست؟ آن حضرت می فرماید: اگر نه این بود که پس از غیبت قائم آل محمد، برخی از علما وجود دارند که به سوی او دعوت می کنند و مردم را به حضرتش سوق می دهند و از دینش با استدلالهای الهی حمایت می کنند و ضعیفان از بندگان خدا از افتادن در دام ابلیس و یارانش، رهایی می بخشند، پس به تحقیق هیچ کس نمی ماند جز اینکه از دین خدا برمی گشت ولی آن عالمان، زمام قلوب ضعفای شیعه را می گیرند همانگونه که ناخدای کشتی، سکان کشتی را می گیرد، پس آنها نزد خدای عزوجل از همه برترند. برای این اساس **ارزش انتظار** در همان مبارزه جویی و اصلاح گری اهل انتظار است که برای اصلاح جامعه خود تلاش می کنند و منتظر مصلح واقعی هستند و در برابر فشارهای مفسدان مقاومت می کنند و از راه درستی که شناخته اند کوتاه نمی آیند و هیچ گونه ای از فساد را نمی پذیرند، بلکه نسبت به آن واکنشی منفی داشته و مبارزه می کنند

برخی بر این باورند که باید بگذاریم تا فساد و تباهی گسترش یابد و زمینه برای ظهور مصلح کل فراهم آید؛ در حالی که براساس آموزه های قرآنی، انسان های صالح به سوی امور کمالی و صالح می روند و با آن دمخور می باشند و از فساد و تباهی بیزاری می جویند. (نور ۶۲) حال چگونه است که به جای گرایش به صلاح و اصلاحات اجازه می دهند که امور خبیث و فاسد در جامعه گسترش یابد و با آن مبارزه نمی کنند؟ امام سجاد (علیه السلام) می فرماید که انسان های صالح نه تنها کارهای خوب را می پسندند بلکه با افراد صالح نشست و برخاست دارند تا این فضای مناسب را برای خود و جامعه ایجاد کنند: **مُجَالَسَةُ الصَّالِحِينَ دَاعِيَةٌ إِلَى الصَّلَاحِ**؛ همنشینی با صالحان، به سوی صلاح رهنمون می شود. (بحارالانوار، ج ۸۷، ص ۴۰۳) پس معنا ندارد که انسان های صالح به انسان های طالح و بدگرایش داشته باشند و با آنان همنشین شده و آنان را تقویت کنند یا اجازه تقویت به آنان بدهند در حالی که اصل امر به معروف و نهی از منکر به گونه ای است که اگر کسی نسبت به منکر ساکت باشد همانند عامل به منکر شناخته می شود. (اعراف، ۱۶۴ تا ۱۶۶) به هر حال، انتظار مصلح کل شرایط و وظایفی دارد که شخص منتظر واقعی می بایست به آنها توجه داشته باشد و براساس آن عمل کند وگرنه تنها مدعی دروغین و منافقی بیش نیست که ادعای انتظار دارد ولی در خلاف جهت مصلح و فلسفه انتظار عمل و رفتار می کند.

آیا با حضور امام زمان ارواحنا فداه دنیا بهشت می‌شود؟ استاد پناهیان

باید بدانیم پس از ظهور مشکلات حل نخواهد شد و حتی خود حضرت به دست مخالفان شهید خواهند شد. باید بدانیم که تا دنیا باقی است سختی‌ها و مشکلات دنیا هم وجود خواهند داشت. باید بدانیم پس از ظهور مشکلات حل نخواهد شد و حتی خود حضرت به دست مخالفان شهید خواهند شد. باید بدانیم که تا دنیا باقی است سختی‌ها و مشکلات دنیا هم وجود خواهند داشت. برای نزدیک شدن فرج باید ابتدا از عوام‌زدگی و نگاه عامیانه پرهیز کرده و به صورت غیرواقعی و خیال پردازانه‌ای ظهور و حضور امام را در ذهن دور کنیم.

عوام‌زدگی موجب تحریف می‌شود و اگر باعث انحراف نشود لاقلاً موجب بیزار شدن کسانی خواهد شد که با دقت و موشکافی با قضیه روبرو می‌شوند. یک **نگاه عامیانه** به ظهور این است که تلقی شود عملیات نجات قرار است خارج از سنت‌های تغییر ناپذیر الهی انجام شود؛ سنت‌هایی که تاریخ حیات بشر بر آن مبتنی بوده و هیچ‌گاه دچار کمترین تغییر و تبدیلی نشده است.

اگر خداوند فقط از طریق معجزه و امداد، برای عملیات نجات بشر کاری را به انجام برساند، نقش آگاهی و اراده انسان‌ها در سعادتشان در نظر گرفته نشده است؛ و ارزش سنت‌های الهی و اساساً ارزش حیات بشر و این همه امتحانات و شکست‌ها و پیروزی‌ها زیر سوال خواهد رفت. البته این درست است که نگاه معنوی حضرت معجزه می‌کند اما باید به این سؤال پاسخ داد که قواعد رشد و کمال و نقش عزم و لیاقت انسان چه خواهد شد؟

تصور عامیانه دیگر این است که در حکومت حضرت با شمشیر همه مسائل حل می‌شود؟ این سلاح همان شمشیری است که در زمان علی (علیه السلام) بود، ولی فرصت پیدا نکرد، و موفق نشد؟ آری در موقع حضور امام، سلاح و تجهیزات استفاده می‌شود، همین فلج شدن جهان با ویروس کرونا، چه مقدار به ضعف بشر در مقابل توانایی خداوند توجه شد؟ از همه مهمتر با ایجاد شدن شرایطی و یکی از آن شرایط اتمام حجت و روشن بینی مردم خواهد بود

صرف خسته شدن مردم از ظلم و به اوج رسیدن جور، برای تحقق فرج کافی است و دیگر نیازی به آمادگی مردم برای پذیرش عدالت نیست.

در صورتیکه تاریخ چیز دیگری را نشان می‌دهد. بعد از ۲۵ سال دوران غربت حضرت علی (علیه السلام) مردم که از ظلم خسته شده بودند، هجوم آوردند برای بیعت با امام ولی خدا به مردم گفتند: مرا رها کنید! امام که تعارف نداشتند و در جایی که تکلیف باشد چه جای رد کردن؟ آمادگی مردم و یاری کردن ولی خدا. علت اساسی امتناع امیرالمومنین از پذیرش بعد از کشته شدن خلیفه سوم این بود که، هر چند مردم از ظلم خسته شده بودند، اما خواهان عدالت هم نبودند. عده ای در دوران خلفا به اموالی رسیده بودند، عده ای هم حال مبارزه نداشتند.

پس مردم، باید از ظلم خسته شده باشند، خواهان عدالت باشند و هر چند بصورت اجمالی ریشه‌های مظالم را بشناسند تا مهدی حضور یابند.

تصور عامیانه دیگر این است که پس از ظهور دنیا جای خود را با بهشت عوض خواهد کرد حقیقت اینست که برطرف شدن سختی‌های زندگی مقدماتی دارد که اهم آنها بر چیده شدن بساط کفر است که همیشه مستقیم یا غیر مستقیم موجب ظلم می‌گردد و بر طرف شدن مشکلات مقدمه‌ای است برای اهداف مهم‌تری مثل فراغت بندگان خدا برای عبودیت و کسب کمالات معنوی؛

گسترش نگاه عامیانه به مسئله ظهور آثار سوئی دارد از جمله مانع گسترش و فرهنگ اصیل انتظار در جهان بشریت می‌شود وقتی ما سطحی برخورد کردیم و تئوری‌های حکومت حضرت را به صورت علمی بیان نکردیم، کم‌کم این موضوع به یک امر خیالی و خرافی تبدیل می‌شود و ترویج انتظار به محافل مذهبی و مساجد محدود می‌شود و دین و دنیا همچنان از یکدیگر جدا خواهند ماند جامعه ما امروز از این موضوع رنج می‌برد

اثر سوء دیگر نگاه عامیانه، بستری است که برای انحراف و بهره‌برداری دشمنان از موضوع مهدویت ایجاد می‌شود مثل انواع ادعاهای دروغین و مسئله بهائیت و جریانها و عرفانهای کاذب، نگاه عامیانه باعث انحراف دوستان هم می‌شود مثل اینکه مردم را صرفاً بر روی بحث رابطه عاطفی شخصی با امام زمان متمرکز می‌کنند و این یعنی «رخوت» این خیلی بد است که ما هر وقت اسم امام زمان بیاید آهی بکشیم و بگوییم ان شاءالله آقا بیاید و بعد به زندگی پر اشتباه خود ادامه دهیم.

وقتی به موضوع انتظار سطحی نگاه کنیم، نمی‌توانیم وظایف خوبی برای خود استخراج کنیم و در وجود خود مسئولیتی احساس کنیم بدترین اثر منفی نگاه عامیانه به

مهدویت اینست که ممکن است منتظران امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، به دلیل اینکه وجود واقعی و نازنین حضرت با آن تصور خیالی آن‌ها سازگاری ندارد، جزو دشمنان او قرار بگیرند مثل یهودیانی که سال‌ها پیش از بعثت به مدینه آمدند و منتظر پیامبر بودند ولی به محض آمدن پیامبر او را انکار کردند

یکی دیگر از آثار سوء نگاه عامیانه به خصوص در بحث استفاده حضرت از معجزات و مطلق دیدن آن در اصلاح امور، این است که عده‌ای خواهند گفت: دیدید دین خدا اجرایی نبود؟ دیدید که کار هیچ کدام از پیامبران نگرفت؟ آخر سر هم خدا آمد و با معجزه همه چیز را درست کرد؟ آیا واقعا امام زمان می‌آیند که بگویند: ای انسان! ما از آدم شدن تو ناامید شده‌ایم، لذا خودمان با یک عنایت معنوی، قلب تو را منقلب می‌کنیم؟ پس اینکه مردم تا به حال این همه زجر می‌کشیده‌اند تا خودسازی کنند، کار بیهوده‌ای انجام می‌دادند؟

در یک تحلیل عالمانه از مسئله ظهور، همه قواعد طبیعی حیات بشر که یقینا عنصر معنویت هم در اوج آن جای دارد، در نظر گرفته می‌شود عنصر معجزه هم در یک گوشه‌ای از آن منظومه جایگاهی دارد عنصر نصرت الهی و عنصر عنایت معنوی حضرت هر کدام جایگاه ویژه خودشان را دارند منتها باید تئوری‌های علمی آن را استخراج کنیم و تبیین درستی از اینکه مثلا چگونه یک رهبر الهی با نورش جامعه را نجات می‌دهد داشته باشیم و جایگاه و نقش این نور را در آن منظومه بشناسیم.

به ویژه که ما فراموش نمی‌کنیم که با وجود حضور نورانی و بی‌مانند رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و سپس حضرت علی (علیه السلام) و دیگر امامان، به دلیل فراهم نبودن عوامل دیر، هیچ‌گاه آن حکومت نمونه و نجات بخش به طور کامل مستقر نشده و تداوم نیافت.

وقتی نگاه‌های عامیانه را کنار بزنیم سوال‌های درستی برای ما ایجاد می‌شود که نفس جوشش این سؤال‌ها خود به معنای جدی گرفتن امر ظهور است بعضی سؤالات از این قبیل‌اند: آن احکامی که تاکنون امکان اجرا نداشته‌اند، کدام‌ها هستند؟ در زمان ظهور چرا و چگونه فرصت اجرا پیدا می‌کنند؟ به چه دلیل و با کدام ساز و کار طبیعی و اجتماعی، حکومتی که از ابتدای خلقت تاکنون امکان تحقق نداشته، امکان تحقق پیدا می‌کند؟ وقتی تشکیل حکومت با استفاده از ساز و کار طبیعی مبتنی بر یک سری قواعد و سنن الهی باشد در چنین وضعیتی سوال‌های دیگری مطرح می‌شود: اگر آدم‌ها به صورت اجباری و یا با معجزه خوب نمی‌شوند، پس می‌توانند از اختیار خود استفاده

کنند و باز آدم‌های بدی شوند ولی در زمان ظهور آدم‌ها اکثراً خوب می‌شوند این امر چگونه اتفاق می‌افتد؟ چه عاملی باعث خوب شدن اکثر آدم‌ها می‌شود؟ چرا این خوبی‌ها پایدار می‌مانند. چرا بدی‌های آدم‌های بد پنهان می‌شود و آن‌ها نمی‌توانند ضرر چندانی بر جامعه بزنند؟ این آدم‌های بد در جامعه مهدوی چگونه زندگی می‌کنند؟

امام زمان (ارواحنا فداه) با مشکل نفاق و فساد چگونه برخورد خواهند کرد؟ آیا ما همین الان هم می‌توانیم به سوی چنین جامعه‌ای حرکت کنیم؟ تا چه حد؟ آیا می‌توانیم از قواعدی که منجر به ایجاد چنین تحولی در زندگی بشر می‌شوند برای حل مشکلات امروز جامعه خود استفاده کنیم؟ اساساً آیا این قواعد طبیعی بدون حضور امام معصوم قابل بهره‌برداری هستند؟ یا بخشی از آن هست و بخشی نیست؟ نقش حضور امام در جامعه و نقش حاکمیت او در تحقق سعادت بشر دقیقاً چیست؟

فلسفه حضور منجی، آینده روشن برای جهانیان

حکمت عاشورایی همواره با فلسفه ظهور پیوند تنگاتنگی خورده است؛ چرا که قیام عاشورایی برای اجرای عدالت به هر طریق ممکن صورت گرفت و ظهور منجی برای آن است که جامعه جهانی، عدالت جهانی را تجربه کند و انتقام همه بشریت را از ظالمان بگیرد. این گونه است که عدالت و انتقام دو روی سکه ظهور منجی است. حضرت صاحب الامر و الزمان (ارواحنا فداه) قیام نهایی بشریت را برای دست یابی به عدالت جهانی انجام می‌دهد و به عنوان منتقم آل محمد (صلی الله علیه و آله) از همه ستمگران تاریخ از قابیل تا یزید تا یزیدیان و فرعونیان آینده تاریخ، انتقام می‌گیرد. براساس آموزه‌های شیعی و قرآنی، تاریخ بشریت فلسفه‌ای دارد که در سنت و قوانین تغییر ناپذیر الهی نوشته شده است.

از این سنت و فلسفه تاریخی می‌توان به جبر تاریخی نیز یاد کرد. به این معنا که سرانجام تغییر ناپذیر تاریخ بشر، چیزی جز پیروزی مومنان و اهل عدالت و تقوا بر سپاه کفر و ظلم نیست. خداوند در آیات ۲۲ و ۲۳ سوره فتح بیان می‌کند که این سنت هر چند در گذشته دارای نمودهایی بوده ولی در آینده تاریخ بشریت یک امر قطعی و حتمی است. **و لَوْ قَاتَلَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوَلَّوْا الْأَدْبَارَ ثُمَّ لَا يَجِدُونَ وِلِيًّا وَلَا نَصِيرًا** و اگر کافران با شما مسلمین به جنگ برخیزند از قتال شما پشت گردانیده و فرار کنند و دیگر هیچ ناصر و یآوری برای خود نیابند. **سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا** سنت الهی (و قانون نظام ربّانی) بر این بوده (که حق بر باطل غالب شود) و ابداً در سنت خدا تغییری نخواهی یافت

بنابراین در پایان تاریخ بشریت، این مومنان و نیکوکاران هستند که بر زمین حاکمیت می یابند و پیروزی نهایی از آن ایشان است. **وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ.....** خدا به کسانی از شما بندگان که (به خدا و حجّت عصر علیه السلام) ایمان آرند و نیکوکار گردند وعده فرمود که (در ظهور امام زمان) در زمین خلافتشان دهد چنانکه امم صالح پیمبران سلف را جانشین پیشینیان آنها نمود، و دین پسندیده آنان را (که اسلام واقعی است بر همه ادیان) تمکین و تسلط عطا کند و به همه آنان پس از خوف و اندیشه از دشمنان ایمنی کامل دهد که مرا به یگانگی، بی هیچ شائبه، شرک و ریا پرستش کنند، و بعد از آن هر که کافر شود پس آنان به حقیقت همان فاسقان تبهارند. (نور ۵۵ المیزان ج ۱۵ ص ۱۵۱) امام حسین (علیه السلام) و امام زمان (ارواحنا فداه)، پیوند گذشته با آینده شیعیان با پشتوانه عاشورایی، وظیفه کنونی خود را می دانند و به امید آینده ای روشن برای خود و فرزندان، حرکت ها و قیام های عدالت خواهانه خود را سامان می دهند از این رو، شیعیان هرگز در لحظه های تاریخی و در درون فتنه ها سرگردان و حیران نمی مانند؛ چرا که می دانند چه وظیفه ای دارند و برای چه هدفی بزرگ باید حرکت کنند. از اینرو هرگز گسستی میان گذشته و آینده ایشان پدید نمی آید. هر مومن شیعی، به عشق حسین (علیه السلام) پرچم عدالت را بر می دارد تا در زیر فرمان امام زمان (ارواحنا فداه) آینده روشن خود را ترسیم کند

بنابراین اگر در جهاد عدالت خواهانه به دست ظالمان و مستکبران و ستمگران شهید شود، خود را پیروز می داند چرا که به وظیفه خود همانند امام حسین (علیه السلام) عمل کرده است و اگر شکست ظاهری بخورد، می داند سرمایه بزرگ برای آیندگان فراهم آورده است تا عدالت را برای یاری امام زمان (ارواحنا فداه) جهانی سازد. بنابراین، شیعیان با این همه آموزه های کامل از نظریه و عمل، در کنار الگوها و سرمشق های زندگی از امام حسین (علیه السلام) تا امام زمان (ارواحنا فداه) همانند امیرمومنان علی (علیه السلام) و امام حسن (ع) پرچم عدالت برپا می کنند و عدالت خواهان را به دور این پرچم گرد می آورند و امیدوارانه گام بر می دارند. حکمت عاشورایی به آنان قدرت و فلسفه ظهور به آنها، امید می دهد. از این دشمنان همواره در تلاش هستند تا عاشورا و ظهور منجی را از ایشان بگیرند و با انواع تشکیک ها و تردیدافکنی ها می خواهند نسل کنونی را از گذشته و آینده شان جدا سازند و سرگردانی و حیرت را برایشان به ارمغان آورند هجوم هایی که در سال های اخیر به دو مساله مهم و هویت بخش عاشورا و امام زمان (ارواحنا فداه) انجام می گیرد، نشان میدهد که دشمن در اندیشه هویت زدایی از شیعیان است تا آنان را نیز همانند دیگر جوامع در حیرت و سرگردانی و گسست میان

آینده و گذشته قرار دهند. هوشیاری شیعیان تاکنون توانسته همه هجوم های دشمنان به فرهنگ والای تشیع را دفع کند و همچنان شور حسینی برای شهادت طلبی در راه عدالت و امیدواری به جهان در سایه عدالت منجی را در ایشان زنده نگه دارد. به هر حال، عاشورا و ظهور دو واژه به هم گره خورده در فرهنگ تشیع است؛ چرا که این مفاهیم اکنون شیعیان را به گذشته و آینده چنان پیوند می زند که فرهنگ سرشار از زندگی، حیات، شور، عشق، جاودانگی و حرکت را برای آنان پدید می آورد.

بنابراین، بدون عاشورا صحبت از ظهور کردن بی نتیجه گذاردن حرکت حضرت امام حسین (علیه السلام) است و نوعی خودفراموشی از اصل فرهنگ عاشورا است؛ چرا که حرکت امام حسین (علیه السلام) پیشرفت در مسیر برپایی عدالت بود که این حرکت در نهایت با ظهور امام عصر ارواحنا فداه به مرحله عمل در کل جامعه بشری خواهد رسید. باشد که همواره پاسدار فرهنگ عاشورا و انتظار باشیم تا حرکت و قدرت را در رگ های جامعه تزریق کنیم و امید به آینده را در دل ها زنده نگه داریم.

ادعای رؤیت امام زمان (ارواحنا فداه) آیا صحیح و معتبر است؟

شکی نیست که براساس آموزه های دینی، امام زمان (ارواحنا فداه) در عصر غیبت کبری به مسلمانان بویژه شیعیان توجه و عنایت خاصی دارند و به تعبیر یکی از روایات همانند انتفاع خورشید این بهره مندی صورت می گیرد. از طرفی حضرت در مجامع مختلف حضور پیدا می کند. بین مردم رفت و آمد دارد، در مشاهد مشرفه به خصوص در ایام حج در مکه و عرفات حضور دارند، آن حضرت مردم را مشاهده می کند و مردم نیز ایشان را می بینند، اما او را نمی شناسند.

بنابراین آثار وجودی و برکات معنوی و مادی امام عصر (ارواحنا فداه) براساس آموزه های وحیانی در عصر غیبت کبری برکسی پوشیده نیست اما سخن در این است که کسی ادعای رویت یا مشاهده حضرت را داشته باشد و از این طریق بخواهد برای خود جایگاه و مقام معنوی خاصی را احراز کند که واسطه فیض است و ارتباط خاصی با حضرت حجت دارد، تا چه اندازه معتبر است؟ این سخن براساس توقیع شریف حضرت مهدی (ارواحنا فداه) به چهارمین نائب خاص خود «علی بن محمد سمري» مردود شناخته شده و فرد مدعی کذاب و دروغگو معرفی شده است.

در توقیع منسوب به آن حضرت خطاب به نائب چهارم آمده است: ای علی بن محمد سمري! خداوند اجر برادران دینی تو را در سوگ تو افزون کند. تو زندگی را شش روز دیگر بدرود خواهی گفت. کار خویش را سامان بخش و به کسی درمورد جانشینی خود

در نیابت خاصه) وصیت نکن که غیبت کامل کبری آغاز گردیده و ظهور جز به اذن الهی تحقق نیابد، و آن پس از مدتی دراز و قساوت دلها پراکنده شدن زمین از جور و ستم خواهد بود. آگاه باشید، هر کس پیش از خروج سفیانی و صیحه آسمانی ادعای مشاهده ما را داشته باشد، سخت دروغگو و افترازننده است (بحارالانوار ج ۵۱ ص ۲۶۰) از این توقیع استفاده می‌شود، کسانی که پیش از خروج سفیانی و شنیده شدن صیحه آسمانی، ادعای رویت و مشاهده حضرت را داشته باشند، «کذاب و مفتری» خواهند بود، و تکذیب آنان لازم است، و این سخن تا روز قیامت و هنگام ظهور حضرت بر مسلمانان حجت است و باید مدعیان دروغگو را تکذیب و طرد کنند

بنابراین مراد از توقیع مذکور، نفی ادعای اختیاری بودن مشاهده و رؤیت و ارتباط با امام زمان (ارواحنا فداه) می‌باشد، یعنی اگر کسی مشاهده و ارتباط را به اختیار خود ادعا کند، به این صورت که هر وقت بخواهد خدمت امام عصر (ارواحنا فداه) شرفیاب می‌شود و با آن حضرت ارتباط پیدا می‌کند، کذاب و افترازننده است و این ادعا از احدی در غیبت کبری پذیرفته نیست. اما از طرف دیگر این سخن حضرت به این معنا نیست که کسی با کسب فضائل، تقوا و معنویت و شایستگی و قابلیت لازم نمی‌تواند به حضور امام برسد و آن حضرت را درک کند، چراکه ارتباط معنوی با امام در آیات و روایات تأکید شده و این ارتباط با بهره‌گیری از تقوا، تهذیب نفس، و توسل به اهل بیت (علیهم السلام) به ویژه ساحت مقدس امام زمان (ارواحنا فداه) امکان‌پذیر است،

شاید بر همین اساس باشد که یکی از وظایف شیعیان در زمان غیبت، دعا برای امام زمان و توسل به آن حضرت بیان شده است (منتهی الامال، ص ۵۵۹) ارتباط معنوی بدان معنا نیست که انسان امام زمان را ملاقات حضوری کند، بلکه باید با امام ارتباط معنوی برقرار کند و همیشه به یاد او باشد و او را در تمام اعمال ناظر بداند.

هرگاه چنین لیاقت و شایستگی برای کسی حاصل شد، قطعاً حضرت به او توجه ویژه نموده و به رفع مشکلاتش می‌پردازد، از این رو امام زمان (ارواحنا فداه) در توقیعی که برای شیخ مفید صادر نمود، فرمودند: «ما بر اخبار و احوال شما آگاهیم. هیچ چیز از اوضاع شما بر ما پوشیده نمی‌ماند، در رسیدگی و سرپرستی شما کوتاهی نکرده و یاد شما را از خاطر نبرده‌ایم. اگر جز این بود، دشواری‌ها و مصیبت‌ها بر شما فرود می‌آمد، دشمنان شما را ریشه کن می‌کردند (احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۵۹۶)

در این زمینه امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: سوگند به خدا، حجت خدا میان مردم هست، در کوچه و بازار گام برمی‌دارد، به خانه‌های آنان وارد می‌شود، در شرق و غرب جهان به سیاحت می‌پردازد، گفتار مردمان را می‌شنود، بر اجتماعات آنان وارد شده،

سلام می‌دهد، او مردم را می‌بیند (غیبت نعمانی، ص ۷۲) بنابراین توقیع شریف حضرت به نائب چهارم، جلوی شیادان و حقه‌بازان و دروغ‌گویان که قصد سوءاستفاده از عقاید و احساسات مردم را دارند را می‌گیرد تا هرکسی نتواند ادعای ارتباط کند و مردم را فریب دهد

و دیگر اینکه بعد از اتمام غیبت صغری و شروع غیبت کبری راه ارتباط مستقیم با حضرت طبق مصالح غیبت مسدود شد. و اگر قرار باشد هرکس بتواند با حضرت ارتباط داشته باشد و ارتباط را به اطلاع همه برساند خلاف مصلحت و فلسفه غیبت عمل شده است

آیا می‌توان برای حضور امام عصر (ارواحنا فداه) وقت تعیین کرد؟

نزدیک بودن حضور آرزوی قلبی همه منتظران امام عصر می‌باشد و دعای هر لحظه و هر ساعت شیفتگان مهدوی است. پیشوایان ما به همه ما آموخته‌اند که برای فرج آن حضرت دعا کنیم و منتظر ظهور و حضور او باشیم و خود را هر لحظه برای حکومت عدل گستر او آماده سازیم (بحارالانوار ج ۹۲ ص ۳۲۶) دوران غیبت امام عصر، بنابر تعالیم اهل بیت (علیهم السلام)، دوران امید است و شور و نشاط و تحرک ویژه‌ای می‌طلبد. با این حال این شور و نشاط محدوده‌ای هم دارد که خود اهل بیت، برایمان ترسیم نموده‌اند و پیشروی بیش از آن را به شدت نهی کرده‌اند

در فرهنگ اهل بیت «پیگیری تاریخ ظهور» امری نکوهیده و دعا برای «تعجیل فرج» کاری پسندیده است. محدوده دیگری که در روایات به شدت از آن نهی شده، «توقیت» یعنی «تعیین وقت برای ظهور» است.

علامه مجلسی در جلد ۵۲ بحارالانوار، ص ۱۰۱ بابت با عنوان «التمحیص و النهی عن التوقیت» (نهی از تعیین وقت ظهور) گشوده و تعداد زیادی از این گونه روایات را جمع آوری کرده است. فراوانی این روایات و اعتبار سندی قسمت قابل ملاحظه‌ای از آنها و اجماع دانشمندان بزرگ شیعه بر این مساله، جای هیچ شک و شبهه‌ای را برای حرمت و نهی شدید این مسئله باقی نگذاشته است. با کنکاش در این دسته از روایات روشن می‌شود که این روایات به چند نکته پراهمیت اشاره دارند:

اول اینکه: تنها خداوند است که از تاریخ ظهور خبر دارد.

از امام رضا (علیه السلام) نقل شده که فرمودند: **أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَا يُجَلِّهَا لَوْفَتِهَا إِلَّا هُوَ ثَقَلَتْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بِغَتَّةٍ»** (اعراف ۱۸۷) (کمال الدین، ج ۲، ص ۳۷۳)

از پیامبر خدا سوال شد که چه زمانی قیام کننده‌ای که از فرزندان تو است، خروج خواهد کرد؟ پیامبر خدا پاسخ داد: قیام او همانند قیامت است که (قرآن درباره روز رستاخیز چنین می‌گوید: همانا علم آن تنها نزد پروردگار من است و) هیچ کس جز او (نمی‌تواند) وقت آن را آشکار سازد. (این حادثه حتی) در آسمان‌ها و زمین، سنگین (و بسیار پر اهمیت) است و جز بطور ناگهانی، به سراغ شما نمی‌آید!

دوم اینکه: به دلیل آنکه تاریخ ظهور را تنها خداوند می‌داند، بنابراین هر کس برای ظهور، زمان تعیین کند، دروغگو است: «اسحق بن یعقوب» توسط جناب محمد بن عثمان عمری نامه‌ای خدمت امام زمان ارواحنا فداه فرستاد و سؤالاتی نمود و امام در فرازی از پاسخ در مورد وقت ظهور فرمودند: **وَأَمَّا ظُهُورُ الْفَرَجِ فَإِنَّهُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ وَكَذَبَ الْوَقَاتُونَ** و اما ظهور فرج به فرمان خدای متعال وابسته و تعیین وقت کنندگان دروغگویند (کمال الدین ج ۲ ص ۱۶۰ حدیث ۴)

همچنین در روایتی «فضیل» از امام باقر (علیه السلام) پرسید: آیا برای این امر وقتی تعیین می‌شود؟ امام سه بار فرمود: «کذب الوقاتون» تعیین کنندگان وقت دروغگویند (الغیبه طوسی ص ۴۲۶)

البته منظور از تعیین وقت تعیین دقیق وقت ظهور است و اینگونه تعیین وقت را پیشوایان معصوم (علیهم السلام) به هیچ وجه جایز نشمرده اند و آن را از اسرار الهی دانسته اند ولی علامات را ذکر فرموده اند که چون آنها واقع شوند نزدیک بودن ظهور را نوید می‌دهند.

سوم اینکه: سیره دائمی اهل بیت نیز چنین بوده که هیچگاه برای ظهور تعیین وقت نکرده‌اند. امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: **كَذَبَ الْمُوقَّتُونَ مَا وَقَّتْنَا فِيمَا مَضَى وَلَا نُوقِّتُ فِيمَا يُسْتَقْبَلُ** (الغیبه طوسی، ص ۴۲۶)؛ وقت گذاران دروغ می‌گویند. ما (اهل بیت) نه در گذشته، وقت (ظهور) را تعیین کرده‌ایم و نه در آینده، تعیین وقت خواهیم کرد.

چهارم اینکه: وظیفه عموم شیعیان در برابر کسانی که برای ظهور وقت تعیین می‌کنند، تکذیب علنی و مبارزه فکری با آنان است. امام صادق (علیه السلام) به محمد بن مسلم می‌فرماید: **هَنْ وَقَّتْ لَكَ مِنَ النَّاسِ شَيْئًا فَلَا تَهَابَنَّ أَنْ تُكَذِّبَهُ فَلَسْنَا نُوقِّتُ لِأَحَدٍ وَقَّتًا** (الغیبه طوسی، ص ۴۲۶)؛ هر کس برای تو وقت تعیین کرد، بی محابا آن را دروغ بشمار؛ زیرا ما برای هیچ کس، هیچ وقتی تعیین نمی‌کنیم.

و **پنجم** اینکه: تعیین وقت برای ظهور جدای از تاثیرات نامطلوب فراوانی که بر روی منتظران می‌گذارد، ظهور را نیز به تعویق خواهد انداخت. امام باقر (علیه السلام) می‌فرماید:

أَبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُخَالِفَ وَقْتِ الْمُؤَقَّتِينَ (الكافی ج ۱ ص ۳۶۸)؛ خداوند جز این نمی‌خواهد که با تاریخی که وقت گذاران تعیین کرده‌اند، مخالفت کند (و بر خلاف آن تاریخ، حضرت را ظاهر گرداند)

بنابراین هر کس با هر قصد و غرض و انگیزه‌ای و در هر جایگاه و منصب و مقامی، اگر به دام توقیت بیفتد و برای ظهور حضرت مهدی وقت تعیین کند، دروغگو خواهد بود و وظیفه عموم جامعه شیعی، مقابله جدی و تکذیب چنین افرادی است.

تمسک به امام زمان (عج) و منحرف نشدن قال الصادق (علیه السلام): **طُوبَى لِمَنْ تَمَسَّكَ بِأَمْرِنَا فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا فَلَمْ يَزِغْ قَلْبُهُ بَعْدَ الْهُدَايَةِ**؛ خوشا به حال کسی که در زمان غیبت قائم ما متمسک به امر ما باشد و قلبش پس از هدایت منحرف نگردد.

زیارت عاشورا و دریافت مفاهیم مهدوی

زیارت عاشورا حدیثی قدسی و از سوی خداوند متعال است. زیارت عاشورا به معنای جدا شدن از همه و فقط به امام حسین (علیه السلام) توجه کردن است.

گام اول در زیارت عاشورا، امام شناسی با محوریت وجود نورانی امام حسین (علیه السلام) است. در بخش اول زیارت، **خدا خونخواه امام (ثارالله) معرفی شده است** در اوصافی که در باره وجود نورانی امام حسین (علیه السلام) آمده به اول وصف مشترک امام با امام زمان (ارواحنا فداه) اشاره شده است. وتر وصفی است که خداوند متعال در باره امام حسین (علیه السلام) فرموده و امام همین کلمه را در باره امام زمان (ارواحنا فداه) آورده. اگر خداوند در زیارت عاشورا امام (ارواحنا فداه) را تنها و رها شده می‌خواند، امام حسین (علیه السلام) نیز فرزندش مهدی (ارواحنا فداه) را غریب، تنها و رها شده توصیف می‌کند.

گام بعدی زیارت عاشورا، سنگینی حادثه و مصیبت عاشورا برای پیوند با حادثه عاشورا باید عظمت مصیبت را درک کرد. محرم و عزاداری ما برای درک و فهم حادثه عاشورا است. این در حالی است که مهمترین جریان زمینه ساز ظهور حضرت نیز فهم سنگینی حادثه عاشورا است. تا این فهم حاصل نشود از انتظار خبری نیست.

جامعه منتظر جامعه ای است که کربلا را درک کند. کسی که عظمت حادثه را درک کرده باشد می‌تواند برای ظهور حضرت و انتقام‌گیری از قاتلین حسین به دست فرزند ایشان لحظه شماری کند. وقتی امام عصر (ارواحنا فداه) ظهور و قیام می‌کنند، پس از قرار گرفتن در کنار خانه خدا و تلاوت آیات قرآن، روضه امام حسین (علیه السلام) را می‌خوانند.

آیا تا کنون اندیشیده اید آنچه که جامعه را به حرکت وامی دارد و بیدار می کند، روضه امام است. ندای روضه امام توسط امام مهدی (ارواحنا فداه)، ندای یا اهل العالم است نه اهل الشیعه و اهل المسلمین. امام زمان (ارواحنا فداه) به جامعه، عظمت حادثه عاشورا را متذکر میشوند و آن را تفهیم و تبیین و سپس جامعه را آماده قیام می کنند. پس نباید فراموش کرد که برای رسیدن به جامعه منتظر باید جامعه عاشورایی داشته باشیم. در بخشی از زیارت عاشورا، **لعن دشمنان اباعبدالله** مطرح می شود. چه کسانی مورد لعن قرار می گیرند؟ آیا این مفهوم، امروز با بحث دشمن شناسی مهدویت ارتباط دارد؟ **لعن قاتلین**، گام چهارم زیارت عاشورست.

وقتی سنگینی مصیبت وارد شده به اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) را درک کردیم با همه وجود، قاتلین و ظالمین را لعن می کنیم. باید توجه داشت که لعن، اول زیارت نیست بلکه پس از تبیین و فهم حادثه است. لعن زیارت عاشورا به یک یا دو نفر نیست بلکه **لعن جریان طاغوت** از ابتدا تا امروز و همه اثرگذاران و زمینه سازان ظلم است. حتی در این میان همه کسانی که از جریان طاغوت تبعیت کردند و این مسیر را ادامه دادند، مورد لعن قرار می گیرند.

کسانی که بر زبانشان لفظ «یا حسین» است، نمی توانند با جریان طاغوت، صهیونیست و غرب، پیوند دوستی برقرار کنند. در این گام از زیارت، مقابله با دشمنان، همراهی با حجت خدا و فدا کردن جان در این مسیر مورد تأکید است.

رمز پیوند با زیارت عاشورا برائت جویی، تسلیم و فدا شدن تا روز قیامت است. پس از رسیدن به **مقام تسلیم و فدا شدن در راه امام**، نوبت به دعا می رسد. در بخشی از دعا از خداوند می خواهیم که ما را همراه حضرت مهدی (ارواحنا فداه) خونخواه امام قرار دهد. هدف امام از قیام، زنده شدن دین خدا بود که این هدف محقق شد و امروز حیات طیبه ما و مدار قیام امام است. این هدف به طور کامل با ظهور فرزندش مهدی (ارواحنا فداه) محقق می شود و جریان عاشورا در ظهور معنا پیدا می کند.

از همین رو در این بخش از دعا آرزو می کنیم که ما نیز همراه فرزند امام و خونخواه امام باشیم. در قرآن کریم نیز آمده است: ای پیامبر! بین مردم اعلان حج کن تا به سمت تو بیایند. چرا که مقصد حج، نبی و حسین و مهدی فاطمه است. پس حج کامل با پیوند با امام عصر (ارواحنا فداه) انجام می شود. تا **روحیه ظلم ستیزی و استکبار ستیزی** در جامعه ما جدی دنبال نشود، قرب ایجاد نمی شود.

آنهایی که فکر می کنند با نماز شب و شب زنده داری مقرب خدا می شوند باید بدانند که راه تقرب به خدا پیوند با حسین (علیه السلام) و دشمن ستیزی است نه صرفاً نماز شب. در زیارت عاشورا با امام حسین (علیه السلام) بودن، **ثبات قدم و حیات و مرگ با امام (ارواحنا فداء)** را از خدا می خواهیم. درخواست معیت، ثبات و حیات و ممات اهل بیت، یعنی انتظار و زندگی مهدوی. خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: شب ها به امید رسیدن به مقام محمود، شب زنده داری کن. در زیارت عاشورا آن قدر امام حسین (علیه السلام) را آبرودار نزد خدا می دانیم که مقامی که پیامبر با نماز شبش طلب کرده و به آن رسیده، ما با پیوند با امام این مقام را درخواست می کنیم.

به این نکته نیز باید توجه داشت که تنها دعایی که دو بار در زیارت عاشورا به آن اشاره شده، در خواست خونخواهی امام در جوار امام عصر (ارواحنا فداء) است.

ثارالله لقبی است که در زیارت معتبر عاشورا آمده در لغت یعنی خون و هم طلب و انتقام گرفتن از خون کسی که به دست دیگران کشته شده (مقابیس اللغه ج ۱) و یکی از القاب امام حسین علیه السلام است.

ثارالله: یعنی (طلب دمه الله) کسی که طالب خون او خداست و انتقام از قاتلین او را خداوند خواهد گرفت (ابن المنظور، لسان العرب، ج ۴)

ثارالله به کسی که خود و خویشانش در راه خدا کشته شوند نیز گفته می شود. مرحوم مجلسی: **وتر الله ای الفرد المتفرد فی الکمال من نوع البشر فی عصره الشریف او المراد ثار الله ای الذی تعالی طالب دمه و الموتور قتیل له، قتیل فلم یدرک بدمه** فردی که از لحاظ رسیدن به کمال در دوران خویش یگانه و بی همتاست و یا مراد از آن همان ثار الله است که به معنی کسی است که طالب خون او خداوند است. **موتور** به معنای کشته شدن در راه خداوند و کشته شده ای است که انتقام خونش را نگرفته باشند (بحارالانوار) و احتمال دارد معنای ثارالله چنین باشد، خونی که صاحب آن خداوند است و ولی دم او خداوند است چون خون حسین علیه السلام در راه خدا و برای حفظ قرآن و تمامیت اسلام ریخته شده این خون و این شهیدان، خدائی هستند بنابراین انتقام آن نیز باید از طرف خداوند باشد. یا اینکه چون امام حسین علیه السلام حجت خداوند بر زمین و ولی مطلق حق بود و مردم او را کشتند بنابراین خداوند انتقام حجتش را از قاتلین او خواهد گرفت. و احتمال دارد به این معنا باشد که جان و خون امام حسین (علیه السلام) چنان متعالی و حقانی است که به خداوند استناد دارد و از شرافت ویژه ای برخوردار است. مثل: بیت الله، یوم الله، ید الله، و ... **این** **الطالب بدم المقتول بکربلا**

امام زمان (ارواحنا فداه)، منتقم امام حسین (علیه السلام)

امام زمان (ارواحنا فداه) عهده دار تمام خون‌هایی است که به ناحق در طول تاریخ ریخته شده است و با ایجاد عدالت و پایان دادن به جریان ظلم سبب می‌شود انتقام مظلومان جهان را بگیرد. مظلوم‌ترین فردی که در عالم کشته شده است، حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) است از این رو امام مهدی (ارواحنا فداه) خونخواه و منتقم خون امام حسین (علیه السلام) است

از امام رضا (علیه السلام) سؤال کردند آن افرادی که امام حسین (علیه السلام) را کشتند. نیستند که از آنها انتقام بگیرند. در قرآن می‌خوانیم نباید گناه دیگری را به گردن فرد دیگری انداخت؛

امام رضا (علیه السلام) می‌فرمایند که هرکسی در عصر ظهور راضی باشد به کاری که یزید و یزیدیان با امام حسین (علیه السلام) انجام دادند، امام مهدی (ارواحنا فداه) از آنها انتقام می‌گیرد. حال که ما به امام مهدی (ارواحنا فداه) چنین لقبی می‌دهیم معنایش این نیست که ما می‌گوییم امام زمان (ارواحنا فداه) منتقم است

امام سجاد (علیه السلام) فرمودند: سوگند به خدا که خون امام حسین (علیه السلام) از حرکت و جوشش نمی‌ایستد تا اینکه خداوند مهدی (ارواحنا فداه) را برانگیزد

امام زمان (ارواحنا فداه) به انتقام خون امام حسین (علیه السلام) از منافقان، فاسقان، کافران انتقام می‌گیرد و در روایات این چنین آمده است و لقب منتقم را ائمه اطهار (علیهم السلام) در روایات به امام زمان (ارواحنا فداه) نسبت دادند.

ابوحمزه ثمالی به امام باقر (علیه السلام) عرض می‌کند: آیا شما قائم نیستید؟ حق را به پا نمی‌دارید؟ پس چرا تنها ولی عصر امام زمان (ارواحنا فداه) را قائم می‌خوانند.

امام محمد باقر (علیه السلام) می‌فرمایند: چون جدم امام حسین (علیه السلام) کشته شد، فرشتگان صدا به گریه و ناله بلند و عرض کردند پروردگارا! آیا قاتلان بهترین بندگان و برترین اشرف برگزیدگان را رها می‌کنید

و خداوند فرمود: ای فرشتگان من ناراحت نباشید، به عزت و جلالم سوگند از آنها انتقام خواهم گرفت هر چند بعد از گذشت زمان‌ها باشد. آن لحظه خداوند حجاب را از مقابل دیدگان فرشتگان برداشت و امامان از فرزندان امام حسین (علیه السلام) را یکی پس از دیگری به آنها نشان داد فرشتگان وقتی دیدند، جریان ولایت و امامت امام حسین (علیه السلام) بعد از شهادتشان ادامه دارد شاد شدند دیدند یکی از فرزندان امام

حسین(علیه السلام) ایستاده مشغول نماز است. خداوند فرمود با این قائم یعنی همین شخص ایستاده، از قاتلان امام حسین(علیه السلام) انتقام خواهیم گرفت، (بحارالانوار، دلائل الامامه)

أَيْنَ الطَّالِبِ بِدَمِ الْمَقْتُولِ بِكربلا

نبرد حق و باطل را پایانی نیست، تا حق، حاکمیت مطلقه یابد کربلا، حلقه ای از حلقات زنجیره مبارزه حق و باطل بود و خون شهیدان کربلا، هنوز بدون انتقال مانده است، تا آنکه مهدی علیه السلام قیام کند و در رکابش یارانی جان برکف و شهادت طلب و قویدل و آهنین اراده و مومن و صبور و بصیر، به خوانخواهی آن مظلومان برخیزند چه توفیقی است جهاد در این راه، و در رکاب امام منتظر

تعالیم زیارتنامه ها، تداوم این راه را می آموزد، و اوج پرشکوه این خط را عصر آن موعد نشان میدهد. زائر، هم آرزومند است و هم خواستار، که آن روزگار درخشان را دریابد و خوانخواه شهیدان کربلا باشد.

در (زیارت عاشورا) زائر چنین می گوید: خطاب به حسین و یاران شهیدش **(وَ أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِكُمْ مَعَ إِمَامٍ هُدَى ظَاهِرٍ نَاطِقٍ بِالْحَقِّ مِنْكُمْ...)** از خدا می خواهم که خونخواهی شما را، در رکاب امام هدایتگر و آشکار و حقگویی از شما خاندان، روزی ام کند

و در جای دیگر می طلبد **اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِنَ الطَّالِبِينَ بِثَارِهِ...** خدایا ما را از خونخواهان حسین علیه السلام قرار بده، در رکاب پیشوای دادگری که عزت بخش اسلام و مسلمین باشد

وَ أَنْ يُوفَّقَنِي لِلطَّلَبِ بِثَارِكُمْ مَعَ الْأَمَامِ الْمُنتَظَرِ الْهَادِي.... این خونخواهی از کارهای مهم آن حضرت است. در (دعای ندبه) که نوعی نیایش عاشقانه و پرسوز و گدار و گفتگوی پر اشتیاق با مهدی علیه السلام است،

خطاب به آن امام می خوانیم: **أَيْنَ الطَّالِبِ بِدُحُولِ الْأَنْبِيَاءِ وَ أَبْنَاءِ الْأَنْبِيَاءِ أَيْنَ الطَّالِبِ بِدَمِ الْمَقْتُولِ** کجاست، خونخواه پیامبران و پیامبرزادگان؟ کجاست خونخواه کشته دشت کربلا؟ او نه تنها خونخواه شهدای کربلا، بلکه همه خونهای به ناحق ریخته حق پویان و حق جویان تاریخ است و پیروانش نیز راهی این راهند و سربازان امام زمان (ارواحنا فداه) به فرموده حضرت صادق، خدا ترس و شهادت طلبند و شعارشان: **(بِالْثَارَاتِ الْحُسَيْنِ)** است؛ بیائید به طلب خون حسین (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸)

این شعار شور آور، از ظهر عاشورا، از درون خاک خونین کربلا برخاست و در جام خورشید ریخت و به همه چیز رنگ خون زد، شفق خونبار را بیاراست و فجر بیدار را

بیاکنند. و در کوههای و هامونها و دشتها و جنگلها و نهرها و دریاها و در آبادیها و شهرها و روستاها و دهها، در همه جا و همه چیز بگسترد و همه جا و همه وقت، خونها را به جوش آورد و نهضتها را شکل داد

این شعار است که همه جا را کربلا کرده است و همه ماه را محرم و همه روز را عاشورا و همین شعار است که بر پرچم شورشیان دوران شورش بزرگ، شورش مهدی ارواحنا فداه نیز نقش خواهد بست.. پس دوستداران او هم که در مقام زیارت می ایستند و او را به این صفت می ستایند و آرزومند جهاد در رکاب او برای خونخواهی سیدالشهدا و همه شهیدان مظلومند، باید در موضع و تعهد اجتماعی چنین باشند یعنی خون آشنا و دشمن ستیز و حق طلب و پا در رکاب و سلاح برکف!... در رکاب مهدی ارواحنا فداه حکومت عدل گستر زیباست

درک آن دوران گرانقدر، سعادت است و آرزوی دیدار آن ایام، ارزشی والاست و... انتظار برای آن دوره، عبادت است، البته انتظاری تعهد آفرین و عمل زا و زمینه ساز در (زیارت جامعه) می خوانیم: **مُعْتَرِفٌ بِكُمْ مُؤْمِنٌ بِإِيَابِكُمْ مُصَدِّقٌ بِرَجْعَتِكُمْ مُنْتَظِرٌ** ، ... من شما را به امامت می شناسم، به بازگشت شما را باور دارم، منتظر حکومت شما و چشم به راه دولت شمایم.

چشم انتظار بودن، از تلاش و جهاد برای زمینه سازی آن حکومت، جدا نیست باید زمینه چینی و تمهید مقدمات برای آن روزگار کرد هم در عصر امام، باید در دولت او خدمت و فعالیت داشت و هم در رکابش، حتی برای بذل جان آماده بود. انتظار ظهور آن حضرت، باید همراه با فراهم کردن اسباب و زمینه های لازم و یاری ها و امکانات شایسته و بایسته است

زائر، خطاب به امام زمان عج می گوید: **(نُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ...)** (آداب سرداب مطهر) یاری ام، آماده برای شما و دوستی ام، خالص برای شماست. **وَاجْعَلْنِي اللَّهُمَّ مِنْ أَنْصَارِهِ وَاعْوَانِهِ وَاتَّبَاعِهِ وَشِيعَتِهِ** خدایا مرا از یاران و پیروان گوش به فرمان آن حضرت قرار بده

در زیارت دیگری از آموزشهای حضرت رضا علیه السلام در باب زیارت امام غایب می گوئیم: خدایا! ما را در حزب آن حضرت قرار بده، از آنانکه فرمان او را می کنند، همراه او مقاومت دارند، با خیرخواهی برای وی، رضایت تو را می جویند تا آنکه در قیامت، ما را در زمره یاران و پیروان و تقویت کنندگان حکومتش برانگیزی باز.

در زیارتی دیگر، خطاب به آن امید دلها و منجی انسانها می‌گوییم: ای مولای من! اگر پیش از ظهورت مرگم فرارسد، تو و پدران پاک و بزرگوارت را در پیشگاه خداوند وسیله و واسطه قرار می‌دهم تا هنگام ظهورت و تشکیل دولتت، مرا بار دیگر به دنیا برگرداند تا به خواسته و آرمان خودم از راه طاعت تو برسم

آرزوی بازگشت به دنیا در روزگار ظهور او، باید همراه با آماده سازی روح و اراده برای آن دوران باشد و زمینه سازی اجتماعی برای آمدن آن عدل گستر و حجت غایب پروردگار. به اینگونه است که می‌بینم انتظار، با تنبلی و بی حوصلگی و بی تفاوتی و بیعاری سازگار نیست. انتظار، یک بسیج عمومی است... همیشه آماده، از نظر قدرت‌های ایمانی و روحی، نیروهای بدنی و سلاحی، تمرینهای عملی و نظامی، پرورشهای اخلاقی و اجتماعی، سازماندهی‌های سیاسی و مرامی.... و همواره در سنگر، سنگر مبارزه با تمایلات نفسانی، با سستیهای تکلیفی، سنگر مبارزه با ذلت پذیری و استعمار زدگی، مبارزه با تطاول و ستم و انحراف، مبارزه با زیر بار کفر رفتن و برده دیگران شدن و سلطه یهود و نصاری و ملحدان را پذیرفتن و قدرتهای ناحق را تحمل کردن

این آمادگی عمومی و همیشگی، جوهر اصلی انتظار است... زائری که مشتاق حضور و جهاد در رکاب مهدی عج است، باید لیاقتهای مورد نیاز را از هم اکنون در خود فراهم آورد، وگرنه این شوق، به تنهایی او را به جایی نمی‌رساند " زائر شهادت طلب شهادت، حد اعلائی کمال انسان است. و چه زیبا که در رکاب (مهدی موعود) باشد، و در راه احقاق حق و گسترش عدل بر گسترده زمین!

در زیارتها، روی عنصر (شهادت طلبی) و آرزوی جهاد و شهادت، پیش روی امام زمان و در رکاب آن عزیز، تاءکید فراوان شده است. باگذشت زمانها و عمرها، یقین من در باره تو بیشتر و عشقم افزونتر می‌شود و منتظر و چشم به راهم تا در پیش رویت جهاد کنم و جان و مال و ف رزندان و خانواده و هر چه را دارم، در اطاعت فرمانت فدا کنم **وَ لِظُهُورِكَ إِلَّا مُتَوَقَّعًا وَ مُنْتَظَرًا (تَوَقَّعًا وَ اُنْتَظَارًا) وَ لِجِهَادِي بَيْنَ يَدَيْكَ مُتَرَقِّبًا (إِلَّا تَرَقُّبًا)**

زیارت آن حضرت در سرداب مقدس **مَوْلَايَ فَإِنْ أَدْرَكْتُ أَيَّامَكَ الرَّاهِرَةَ**، و در ادامه، آرزو شهادت در رکابش به این صورت بیان شده است. اگر دوران درخشان حکومت و فرمانروایی تو را درک کردم، در آن هنگام، من بنده گوش به فرمان تو، به امر و نهی تو فعالیت می‌کنم و امید شهادت در رکاب تو و کامیابی نزد تو را دارم. خدایا! مرا از یاران و پیروان و مدافعان او قرار بده، خدایا توفیق شهادت مشتاقانه در پیش روی او

را به من ارزانی دار، در صف و جمعی که در قرائت آنان را ستوده و گفته ای: صبی همچون بنیانی استوار.. **وَ اجْعَلْنِي مِنْ اَنْصَارِهِ وَ اَشْيَاعِهِ وَ الدَّائِبِينَ عَنْهُ وَ اجْعَلْنِي مِنْ الْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ.... بنیان مرصوص**

در زیارت آن حضرت در روز جمعه آمده است: می خواهم که خداوند مرا از یاری کنندگان تو بر ضد دشمنانت قرار دهد و در زمره هوادارانت، مرا از شهیدان در برابرت قرار دهد **وَ اَنْ يَجْعَلَنِي مِنَ الْمُنتَظِرِينَ لَكَ وَ التَّابِعِينَ وَ النَّاصِرِينَ لَكَ عَلَى اَعْدَائِكَ، وَ الْمُسْتَشْهِدِينَ** در دعای عهد، می خوانیم: خدایا، به هنگام ظهورش، مرا از قبر، برون آر، در حالی که کفن پوشیده و شمشیر آخته و نیزه برگرفته باشم و ندای آن دعوت گر در شهر و بیابان را لبیک گفته باشم

در فرازی دیگر، عاشقانه و شهادت طلبانه، در زیارت آن موعود امته و ذخیره الهی برای نجات بشریت، می گوئیم: خدایا... همچنانکه دلم را به یاد مهدی آباد کردی و مرا زنده دل ساختی، سلاح مرا نیز در راه یاری او آخته ساز

آری... این است حماسه و روح (شهادت طلبی)، که ائمه ما، در متن زیارتنامه ها، به ما آموخته اند... آیا با تخریب قبر، می توان الهام معنوی و روحی را از تربت سیدالشهدا گرفت؟ آیا با حمله و هجوم به مزارات معصومین، می توان عقیده و ایمان به آنان را از مردم سلب کرد؟

مفهوم حکومت در قرآن و احادیث (خیلی خلاصه)

الف، در قرآن مجید آیات زیادی در مورد احکام سیاسی، اقتصادی و جزایی اسلام هست که مخاطب آنها عموم مسلمانان هستند. در این آیات همه مسلمانان مسئول اجرای این احکام گردیده اند با توجه به اینکه اجرای این احکام جز با در دست گرفتن حکومت و اعمال قوه اجرایی ممکن نمی شود باید چنین نتیجه گرفت که مسلمانان باید در همه اعصار به تاسیس حکومت پردازند تا بتوانند به احکام سیاسی مذکور عمل کنند.

ب، پاره ای از آیات و روایات همه مسلمانان را به تحکیم روابط اجتماعی و تحقق بخشیدن به هدف واحد دعوت می نماید و آنان را از رهبانیت، عزلت گزینی و تفرقه و پراکندگی بر حذر می دارد.

ج، سخنان فراوانی از پیشوایان دین به ما رسیده که به موجب آنها مهمترین وظیفه مسلمین در هر عصری تشکیل حکومت و تعیین رهبر می باشد. از مجموع مطالبی که در آیات و روایات آمده است به وضوح معلوم می شود که بر مسلمین واجب است

با ایجاد نظام امامت که نوعی نظام حکومتی است به تجمع و اتحاد مسلمین و تشکل قوا و نیروهای آنها تحقق بخشند.

د، برای انسان، حکومت یک امر ضروری و اجتناب ناپذیر است. انسان یک موجود اجتماعی است و مایل به تکامل. از آنجا که تکامل و ترقی را با یک حساب روشن می توان در "اجتماع" بهتر یافت، انسان تمایل شدید به زندگی اجتماعی دارد

در هر اجتماع برخورد حقوق اشخاص و تصادم منافع و افکار و امیال افراد امری طبیعی است زیرا انسان حبّ مال، حبّ جاه و از همه مهمتر حبّ ذات دارد و می خواهد در ارضای غرایز و امیالش از آزادی مطلق برخوردار باشد و مانعی برای رسیدن وی به خواسته هایش نباشد. از اینرو همین خواسته، باعث ایجاد اختلاف و تصادم منافع و حقوق افراد بشری می شود

بنابراین باید مرجعی باشد که در برخورد طبیعی منافع تکلیف افراد را روشن کند و حدود وظایف و حقوق آنها را مشخص نموده تا مصالح همه در آن جامعه حفظ شود و از تعدی و تجاوز جلوگیری به عمل آید.

دو نظریه در باب حکومت و دولت از قرآن کریم برداشت شده است:

الف - عده ای عقیده دارند که در قرآن کریم "حکومت دینی" به عنوان یک ضرورت اعتقادی مطرح شده است. آنها استدلال می کنند که:

۱- حکومت عقلاً و عملاً امری لازم و اجتناب ناپذیر است.
۲- حکومت و اعمال سلطه از آن خداست و هیچ کس را سزاوار نیست که بر آدمیان حکم براند و فرمان دهد. مگر کسانی که خداوند این حق را به آنها داده (۵۷ و ۶۲ انعام و ۷۰ قصص)

۳- در میان آدمیان فقط پیامبران هستند که از طرف خداوند به اعمال سلطه و قدرت و فرمان بر آدمیان مأذون و مجازند **النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ** و... احزاب (۳۶)، مگر کسانی که از طرف پیامبران اجازه دارند. در مورد اینکه چه کسی و کسانی از طرف خداوند و رسول (صلی الله علیه و آله) مأذون به حاکمیت است بین دو نحله بزرگ اسلامی **سنی** و **شیعه** اختلاف وجود دارد.

سنی ها بر این عقیده اند که پس از پیامبر (صلی الله علیه و آله) شخص و گروه خاصی از طرف خداوند و رسول وی برای حاکمیت مسلمانان معین نشده و به استناد **أَمْرُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ** (شوری ۲۳۸) **وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ** (آل عمران ۱۵۹) حق حاکمیت به مردم واگذار شده است.

اما شیعه براساس یک سلسله استدلال های کلامی و عقلی و با تاکید بر برخی روایات تاریخی (غدیر خم) و نیز با استناد به برخی آیات قرآن کریم **يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ** (مائده ۶۷) معتقدند که این حق حاکمیت و آمریت به امام علی (علیه السلام) و یازده فرزندش واگذار شده و لذا از نظر شیعیان **اولی الامر** منحصرأ امامان معصوم شیعه اند. در استمرار این اندیشه نظریه ولایت فقیه مطرح شده که مأذون از طرف امام برای حاکمیت تلقی میشوند.

ب- در مقابل گروهی عقیده دارند که اصولاً حکومت یک پدیده و مقوله عرض است و موضوعاً از حوزه دین و احکام دینی و شرعی خارج است و از آیات قرآن نیز حکومت دینی و لزوم تاسیس حکومت بر بنیاد دین استفاده نمی شود. این نظریه عموماً **بیعت** را مبنای مشروعیت حکومت و دولت میدانند و شورا (استفاده از عقل جمعی) را شیوه حکومت میدانند.

اگر آیات قرآن کریم در باب **حُکْم، حاکم و حکومت** را در مورد توجه قرار دهیم، میتوان گفت که حُکْم و مشتقات آن عموماً به معنای قضاوت و داوری در امور و یا به طور خاص امور حقوقی است (۲۳ و ۵۵ و ۷۹ آل عمران ۶۰ و ۱۰۵ انساء ۱۱۳ و ۱۴۱ و ۲۱۳ بقره، ۲۳ و ۴۷ مائده، ۴۹ و ۷۸ و ۶۹ انعام)

و در روایات دینی در قرون نخستین اسلامی، نیز عمدتاً حکم و حکومت به معنای قضاوت در امور اختلافی و منازعات حقوقی بوده است. البته بعدها قضاوت به معنای آمریت سیاسی و دولت نیز تحویل شده به گونه ای که اکنون از حکومت و حاکمیت عموماً همان دولت و قدرت سیاسی در ذهن متبادر می شود

دلیل آن روشن است حکومت نیز خود نوعی قضاوت و داوری در جامعه است. احتمالاً با ذهنیت پسین بوده است که از واژه حکومت و حاکمیت در قرآن کریم، آنجا که درباره خداوند و یا برخی پیامبران به کار رفته است، دولت فهمیده شده است

در عین حال میتوان گفت که حکومت در هر معنا، درباره خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله) درست و صادق بوده **إِن الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ** (انعام ۵۷) و **يَا لَه الْحُكْم** (انعام ۶۲ قصص ۷۰) درباره ذات باری راست می آید. میتوان از برخی از آیات قرآن کریم پاره ای از شرایط حکومتگران مانند: عدالت (مائده ۴۲)، امین بودن (قصص ۲۶)، توانا بودن (قصص ۲۶) و... تکالیف و وظایف آنان مانند: مشورت (شوری ۳۸ و آل عمران ۱۵۹ حفظ حرث و نسل (محمد ۲۲)، جلوگیری از تسلط بیگانگان؛ قاعده نفی سبیل (نساء ۴) استخراج کرد در حدیثی از پیامبر (صلی الله علیه و آله) آمده: اگر حداقل سه نفر هم سفر شوند، حتماً یکی از سه نفر را امیر و رئیس خود قرار دهید. از اینجا می توان فهمید از نظر آن حضرت،

هرج و مرج و فقدان قوه حاکم بر اجتماع، که منشأ حل اختلافات و پیوند دهنده افراد اجتماع با یکدیگر باشد، چه اندازه زیان آور است. ارزش و اهمیت حکومت را از توجه خاص پیشوایان معصوم و رهبران دینی نیز میتوان به دست آورد. افرادی مانند امیر المومنین (علیه السلام) که جان خویش را از هر گونه آلودگی پاک و منزّه داشته بود، حکومت را به عنوان ابزار کارآمدی در جهت عینیت یافتن آرمان های الهی، مقدس می شمرد، تا جایی که از شمشیر زدن برای حفظ و نگهداری اش دریغ نداشتند و بر این عقیده بودند که: جامعه و مردم اصلاح نمیشوند مگر آنکه حاکمان اصلاح گردند.

جایگاه دولت در قوانین اسلامی آن قدر بدیهی و مهم است که در این مورد گوستاولوبون فرانسوی می گوید: قرآن کریم، که کتاب آسمانی مسلمین است، منحصر به تعالیم و دستورات مذهبی تنها نیست، بلکه دستورات سیاسی و اجتماعی مسلمانان نیز در آن درج است.

حکومت ، موهبت الهی

اطلاق **مُلک** شامل هر مُلکی اعم از حق یا باطل می شود و تمام اقسام آن به خداوند مستند است؛ **قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكِ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ** ملک فی حد نفسه، موهبتی از مواهب الهیه و نعمتی از نعم اوست که می توان به وسیله ی آن، آثار نیکویی در اجتماع انسانی پدید آورد و خداوند متعال گرایش به آن را در انسان ها قرار داده است.

از طرفی هم می توان گفت : ملکی که نا اهلان دارند، ذاتا مذموم نیست، بلکه خود آن ها مذموم هستند که حکومت را وسیله ی ستم قرار داده اند.

بدین جهت، حضرت یوسف علیه السلام در برابر نعمت ملک و سلطنت، از خداوند فرجام نیکو تقاضا می کند؛ **رَبِّ قَدْ آتَيْتَنِي مِنَ الْمُلْكِ ... تَوْفَنِي مُسْلِمًا**، اما هنگامی که خداوند به نمرود سلطنت عطا می کند، وی در برابر حضرت ابراهیم علیه السلام می ایستد و مبارزه می کند؛ **أَلَمْ تَرِ إِلَيَّ الَّذِي حَاجَّ إِبْرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ أَنْ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ** حضرت یوسف علیه السلام مُلک مصر را به خداوند اضافه کرد **رَبِّ قَدْ آتَيْتَنِي مِنَ الْمُلْكِ** و در نتیجه عزیز گشت.

لزوم تشکیل حکومت در سیره انبیاء و اولیاء این معقول نیست که بگوییم در اسلام قوانین سیاسی، اداری و اجتماعی تشریح شده، ولی شارع مقدس اسلام نظری به حکومت و قوه مجریه و قضائیه ندارد. امام (ره) : اساسا انبیاء خدا مبعوث شدند برای خدمت به بندگان، خدمت های معنوی و ارشادی و اخراج بشر از ظلمات به نور و

خدمت به مظلومان و ستمدیدگان و اقامه عدل، عدل فردی و اجتماعی. در جایی دیگر حکومت اسلامی همان است که در صدر اسلام بوده و همه طوایف در مقابل قانون، علی السواء بودند، ما الان می خواهیم یک همچو معنایی را مستحق بکنیم که تمام طوایف باشند. شما از کجا می گوید دین تکلیف حکومت را تعیین نکرده اگر تعیین نکرده بود پیغمبر اسلام چطور تشکیل حکومت کرد و به قول شما در نیم قرن نیمی از جهان را گرفت آن تشکیلات بر خلاف دین بود یا با دستور دین اگر بر خلاف بود چطور پیامبر و علی ابن ابی طالب خود بر خلاف دین رفتار می کردند.

ضرورت تشکیل دولت از نظر قرآن

از منظر قرآن کریم، دولت و حکومت اسلامی امری است که در ذات دیانت اسلام نهفته است. از دیدگاه قرآن کریم به سه دلیل حکومت برای مردم ضرورت دارد:

۱- رهایی از هرج و مرج: در داستان بنی اسرائیل می خوانیم، هنگامی که بر اثر هرج و مرج داخلی و نداشتن حاکمیت قوی و لایق، گرفتار ضعف و فتور و شکست شدند و دشمنان بر آنان مسلط گشتند، خداوند طالوت را برای رهایی از هرج و مرج اجتماعی حاکم ایشان کرد.

۲- جلوگیری از فساد و ایجاد نظم و امنیت در جامعه: اگر حکومت مقتدر و نیرومندی نباشد و جلوی سرکشان را نگیرد، زمین پر از فساد می شود.

۳- آسایش و رفاه اجتماعی و امنیت داخلی و خارجی: از احکام جهاد در قرآن برمی آید که وجود تشکیلات منظم سیاسی و اجتماعی لازم است تا از مرزهای جامعه محافظت شود. در مسائل اقتصادی نیز لازم است حکومتی باشد تا قسط و عدالت را اجرایی کند. همچنین قوه قضایی که اختلاف را حل و فصل کرده و از تجاوز و تعدی میان افراد جامعه جلوگیری به عمل آورد. در رابطه با اهداف حکومت اسلامی نیز آیات و روایات زیادی وارد شده که از جمله به آیه ۲۱ و ۵۶ از یوسف و آیه ۸۴ از کهف ۵۵ از نور ۲۶ از ص ۵۸ از نساء می توان اشاره کرد.

خداوند بهترین قانونگذار بهترین قانون آن است که مقنن آن شرایط زیر را داشته باشد
أَفْحَكَمَ الْجَاهِلِيَّةَ يَبْغُونَ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ:

الف از تمام اسرار هستی و انسان در حال و آینده آگاه باشد

ب، هیچ هدف انتفاعی نداشته باشد **ج،** هیچ لغزش عمدی و سهوی نداشته

باشد. **د،** از هیچ قدرتی نترسد **ه** خیرخواه همه باشد. این شرایط همه

در خداوند متعال وجود دارد. بنا براین، بهترین قانونگذار خداوند است.

دلیل مشروعیت حکومت فقها در زمان غیبت مصباح یزدی

به اعتقاد ما شیعیان، فقها در زمان غیبت همانند کسانی هستند که در زمان حضور امامان معصوم (علیهم السلام) از سوی آن بزرگواران منصوب می شدند.

همان گونه که، مثلاً، مالک اشتر در زمان حضور امیرالمؤمنین (علیه السلام) برای حکومت مصر منصوب شد، در زمان غیبت نیز فقها از طرف امام معصوم (علیهم السلام) برای حکومت منصوب شده اند

گویا امیرالمؤمنین (علیه السلام) آنها را تعیین کرده است، ولی نه به «اسم» بلکه به «عنوان». آن عنوانی که برای زمان غیبت تعیین شده، «فقیه جامع الشرایط» است. در زمان غیبت نیز گاه شرایط لازم حکومت برای یک فقیه، در یک شهر، استان یا کشور وجود دارد و او می تواند با یاری مردم به وظایف و تکالیف خویش جامه عمل بپوشاند. در گذشته، گاه این اختیارات برای یک فقیه به صورت محدود و مختصر وجود داشت.

برخی از فقها در زمان حکومت قاجار، در مناطق خویش همانند یک والی یا حاکم عمل می کردند. حکومت در ظاهر به قاجاریه تعلق داشت، ولی در عمل، فقها در شهر یا روستای خویش اعمال قدرت و ولایت می کردند و مردم نیز به دستورات آنان عمل می کردند. آنان این قدرت را داشتند که به شکایات مردم رسیدگی و در مورد آنها قضاوت کنند و در مواردی حدود الهی را جاری سازند.

این که در این موارد چگونه فقها می توانستند به صورت محدود اعمال ولایت کنند به شرایط آن زمان باز می گردد؛ مثلاً گاه حکومت مرکزی ضعیف بود، و یا در مواردی، پادشاه به دلیل گرایش مردم به یک عالم، اختیارات محدودی را به او واگذار می کرد.

در هر حال، انجام وظایف و تکالیف از سوی یک فقیه در زمان غیبت، همانند والی منصوب از ناحیه امام معصوم (علیه السلام) در زمان حضور، به همراهی و یاری مردم وابسته است

در گذشته هیچ گاه برای یک فقیه امکان اعمال ولایت به صورت مطلق وجود نداشت و همان گونه که اشاره کردیم، تنها برخی از فقها به صورت محدود و مقید توان اعمال قدرت داشتند.

به دیگر سخن، ولایت آنان از نوع «ولایت مقید و محدود فقیه» و نه «ولایت مطلق فقیه» بود.

یکی از دلایلی که امام خمینی(ره) بر لزوم تشکیل و حکومت اقامه می کند

ماهیت و کیفیت قوانین اسلام و احکام شرع است. از ماهیت و کیفیت این قوانین چنین بر می آید که برای اداره سیاسی اقتصادی و فرهنگی جامعه تشریح شده است

احکام و تعالیم دینی، حاوی قوانین و مقررات متنوعی است که یک نظام اجتماعی و سیاسی را می سازد؛ از امور خصوصی مانند تا امور عمومی، از طرز معاشرت با همسایه و اولاد و قبیله و عشیره تا مقررات جنگ و صلح و مراوده با سایر ملل و دول.

با دقت در ماهیت و کیفیت احکام شرع در می یابیم که اجرای آنها و عمل به آنها مستلزم تشکیل حکومت است و بدون تاسیس یک دستگاه عظیم و پهناور اجرا و اداره نمی توان به وظیفه اجرای احکام الهی عمل کرد.

حضرت امام(ره) به برخی از این احکام اسلام که بدون تاسیس حکومت اسلامی، قابلیت اجرا پیدا نمی کنند، اشاره میکند، مالیاتهایی که اسلام مقرر داشته و طرح بودجه ای که ریخته نشان می دهد تنها برای سد رمق فقرا و سادات فقیر نیست، بلکه برای تشکیل حکومت و تامین مخارج ضروری یک دولت بزرگ است

مثلا خمس، یکی از درآمدهای هنگفتی است که بیت المال می ریزد و یکی از اقلام بودجه را تشکیل می دهد... بدیهی است، درآمد به این عظمت برای اداره کشور اسلامی و رفع احتیاجات مالی آن است

هر گاه خمس درآمد کشورهای اسلام یا تمام دنیا را اگر تحت نظام اسلام درآمد حساب کنیم، معلوم می شود، منظور از وضع چنین مالیاتی، فقط رفع احتیاج سید و روحانی نیست. بلکه قضیه مهمتر از اینهاست

منظور رفع نیاز مالی تشکیلات بزرگ حکومتی است. اگر حکومت اسلامی، تحقق پیدا کند، باید با همین مالیاتهایی که داریم، یعنی خمس و زکات که البته مالیات اخیر زیاد نیست جزیه و خراجات (یا مالیات بر اراضی ملی کشاورزی) اداره شود.

از طرف دیگر، احکامی وجود دارد که راجع به حفظ نظام اسلام و دفاع از تمامیت ارضی و استقلال امت اسلام است. مثلا این حکم **أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُزْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ** که امر به تهیه و تدارک هر چه بیشتر نیروهای مسلح و دفاعی به طور کلی است و امر به آماده باشی و مراقبت همیشگی.

حضرت امام معتقد است "هر گاه مسلمانان به این حکم عمل کرده و با تشکیل حکومت اسلامی به تدارکات وسیع پرداخته با حال آماده باشی کامل جنگی می بودند، مشتی یهودی جرئت نمی کردند، سرزمین های ما را اشغال کرده، مسجد اقصی ما را

خراب کنند و آتش بزنند و مردم نتواند به اقدام فوری برخیزند "تمام اینها نتیجه این است که مسلمانان به اجرای حکم خدا برنخاسته و تشکیل حکومت صالح و لایق نداده اند." از دیگر احکام اسلام که با تاسیس حکومت اسلامی، قابلیت اجرا پیدا می کنند، احکام حقوق و احکام جزایی است. به عنوان مثال، احکام دیات که باید گرفته شود و به صاحبانش داده شود، یا حدود و قصاصی که باید با نظر حاکم اسلامی اجرا شود، بدون برقراری یک تشکیلات حکومتی تحقق نمی یابد. همه این قوانین مربوط به سازمان دولت و جز قدرت حکومتی از عهده انجام این امور مهم بر نمی آید.

حضرت امام در ادامه بحث، می فرمایند: "شرع و عقل حکم می کند که نگذاریم وضع حکومت ها به همین صورت ضد اسلامی یا غیر اسلامی، ادامه پیدا کند

دلایل این کار واضح است؛ چون برقراری نظام سیاسی غیر اسلامی بی اجرا ماندن نظام سیاسی اسلام است. همچنین به این دلیل که هر نظام سیاسی غیر اسلامی، نظام شرک آمیز است، چون حاکمش طاغوت است و ما موظفیم آثار شرک را از جامعه مسلمانان و از حیات آنان دور کنیم و از بین ببریم.

حکومت اسلامی در عصر غیبت

فقهای شیعه به جز معدودی از فقهای معاصر بر این باورند که در زمان غیبت، فقیه، حق حاکمیت دارد و حکومت از سوی خدا به وسیله امامان معصوم به صورت نصب عام به فقها واگذار شده است. پس در زمان غیبت، مشروعیت حکومت از سوی خداست نه از سوی آرای مردم. نقش مردم در زمان غیبت، فقط عینیت بخشیدن به حکومت است، نه مشروعیت بخشیدن. برخی خواسته اند نقش مردم در حکومت اسلامی در زمان غیبت را پررنگ تر کنند. اگر بخواهیم نظر مردم را در مشروعیت دخالت دهیم با این اشکال مواجه می شویم که آیا حاکمیت حق مردم بود تا به کسی واگذار کنند؟

چرا که حاکمیت فقط حق خداست و امامان معصوم از سوی خدا حق حاکمیت بر مردم یافته اند. اگر نظر مردم در مشروعیت حکومت دخالت داشته باشد. باید هر زمانی که مردم نخواستند فقیه حاکم باشد، حکومت او نامشروع باشد ولی می دانیم که فقیه در زمان غیبت حق ولایت دارد. این حق با موافقت مردم تحقق عینی می یابد.

در دوران غیبت صغری حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه) چهار نفر به عنوان **نواب خاص** مسئولیت و نمایندگی و ارتباط بین امام و شیعیان را به عهده داشتند و کلیه وجوهات و نامه ها و سفارشات را از شیعیان را به امام میرساندند.

امام برای اینکه زمینه را تا مسئولیت چهارمین نایب خود در ارتباط با غیبت کبری

مشخص کنند نامه ای به نایب دوم خود به نام محمد بن عثمان بن عمرو می‌دهد که کاملاً واضح و مشخص نموده اند که شیعیان به چه اشخاصی بایستی مراجعه کنند و مسائل شرعی و... را بپرسند **أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُؤَاةِ حَدِيثِنَا (أَحَادِيثِنَا)، فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ** و اما در مورد حوادثی که در آینده رخ خواهد داد به راویان احادیث ما رجوع کنید زیرا آنان حجت من بر شما هستند و من نیز حجت خدا بر آنان می باشم. (وسائل، ج ۲۷، ص ۱۴۰) و (کتاب الغیبه شیخ طوسی)

محتوای نامه به این معنی است که: نظام مترقی و عادلانه ی امامت معصوم تا فرجام تاریخ و پایان جهان امتداد خواهد یافت چرا که نظام امامت یک نظام زوال ناپذیر الهی است و رهبری او در جهان هستی فراگیر است خواه آشکار باشد خواه بنا به مصالحی در نهان یا غیبت باشد.

شش روز قبل از رحلت نایب چهارم علی بن محمد سمري، نامه ای از سوی امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) صادر شد که در آن مرگ او را پیشگوئی و متن توقیع و نامه، نمایانگر پایان غیبت صغری و انقطاع نیابت خاصه و آغاز غیبت کبری و شروع نیابت عامه طبق نامه قبلی خود به نایب دوم می باشد.

شیخ طوسی: در بغداد علما بزرگ شیعه مثل: ابن بابویه پدر شیخ صدوق نیز این پیشگوئی امام زمان و مرگ نایب چهارم را به چشم خود دیدم (الغیبه ص ۲۴۲)

معرفی اولی الامر توسط پیغمبر (صلی الله علیه و آله)

طبق مدارک قطعی، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از طرف پروردگار عالم، اولی الامر را معرفی فرموده و مسلمانان را از حیرت رهانید و از روایات متواتره تنها به نقل یک روایت در کتاب غایة المرام بحرانی باب ۱۴۲ ص ۷۰۶ آمده (جابر بن عبدالله انصاری) از رسول خدا پرسید (اولی الامر) که خداوند اطاعتشان را واجب فرموده چه کسانی هستند؟ فرمود: (اینها جانشینهای من و امامان مسلمین هستند، پس از من نخستین آنها علی بن ابیطالب، سپس حسن پس حسین پس علی بن الحسین، پس محمد بن علی که معروف به باقر است. و ای جابر! تو زمان او را درک می کنی و سلام مرا به او برسان. پس از او جعفر بن محمد، موسی بن جعفر، علی بن موسی، محمد بن علی، علی بن محمد، حسن بن علی و پس از او هم نام و هم کنیه من، حجت خداوند در زمین ابن الحسن بن علی (علیهم السلام)، این است کسی که خداوند بر دست او فتح می فرماید مشارق و مغارب زمین را و این است کسی که غایب می شود و ثابت نمی ماند بر اعتقاد به امامتش مگر کسی که خداوند دلش را به ایمان آزمایش فرموده باشد.

وظیفه ما در زمان غیبت

در زمان غیبت حضرت مهدی ارواحنا فداه ما را به حال خود رها نکرده اند، بلکه ما را به پیروی از فقها و اسلام شناسان عادل و باتقوا که نواب عام آن حضرت هستند، سفارش کرده اند. بر ما لازم است که در حوادث و مشکلات گوش به فرمان حکم خدا که از طریق فقیه جامع الشرایط عادل به ما ابلاغ می شود، باشیم امام زمان ارواحنا فداه با خط مبارک خود پیامی برای یکی از نواب خود نوشتند، که بیان شد. در روایت دیگر فرموده **إِنَّ مَجَارِي الْأُمُورِ وَالْأَحْكَامِ عَلَى آيْدِي الْعُلَمَاءِ بِاللَّهِ الْأَمْنَاءِ عَلَى حَلَالِهِ وَحَرَامِهِ** جریان کارها به دست علمای الهی است که امینها بر حلال و حرام خدایند. (بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۸۰)

آیه اولوالامر یکی از آیات مهم و اساسی قرآن می باشد. ای کسانی که ایمان آورده اید از خدا اطاعت نمایید، و از رسول و صاحبان امر اطاعت کنید، اگر در موضوعی نزاع داشتید به خدا و رسول مراجعه کنید. **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ** اطاعت از این سه نفر برای تمامی مسلمانان واجب می باشد چرا که خصیصه مشترک این سه، مصونیت از گناه و خطا و اشتباه می باشد.

خداوند در سوره نجم ۴ می فرماید **وَ مَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَى . إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَى** پیغمبر از پیش خود سخن نمیگوید، هر چه میگوید فقط وحی است، فرشته به او تعلیم داده. پس بر مردم لازم است که احکام و قوانین دین را از پیغمبر بشنوند و عمل کنند. اطاعت از رسول، در ردیف اطاعت از خدا قرار گرفته و نباید غیر از آن باشد، معلوم می شود پیغمبر نیز دارای احکام و دستورهای مخصوص بوده بدان جهت **واجب** **الاطاعة** است

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) علاوه بر مقام دریافت احکام خدا و ابلاغ آنها موظف بود احکام و قوانین الهی را در بین مسلمانان اجرا کند، جلوی تعدیات و مفاسد را بگیرد، امنیت و نظم عمومی را برقرار سازد، اسباب رفاه و آسایش عموم ملت را فراهم نماید، در راه خدا ترقی و عظمت اسلام و مسلمانان کوشش کند، و به طور کلی به وسیله قوانین اجتماعی اسلام، امور اجتماعی اسلام، امور اجتماعی و سیاسی مسلمانان را به بهترین وجه اداره کند؛ یعنی از جانب خدا مأموریت داشت که بر مسلمانان حکومت و زمامداری کند.

لازمه حکومت این است که احکام و فرمان هایی صادر کند و طبق مصالح و احتیاج های گوناگون و حوادث و پیشامدهای متغیر دستورهایی بدهد مانند تعیین و نصب فرمانداران و قضات، دستور جهاد و دفاع، عزل و نصب فرماندهان سپاه، دستورهای

مخصوص برای جهاد و پیروزی، ایجاد نظم و انضباط در بین دستگاه دولت اسلامی، جعل و تدوین احکام ضروری در حدود و شعاع احکام الهی و به طور کلی صادر کردن هر حکمی که برای اداره ملت ضرورت پیدا می کند **وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ اخذُوا فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّمَا ...** از رسول خدا اطاعت کنید، اگر از دستوراتش سر پیچی نمایید بیش از تبلیغ وظیفه ای ندارد. یعنی عدم اطاعت از فرمان های فرستاده خداوند باعث زیان و ضرر جامعه و زندگی مسلمانان می شود چرا که هدف پیامبر از تبلیغ دین خدا، وظیفه و رسالتی است که خدا بر عهده او نهاده است و از این راه هیچ اجر و دستمزدی جز پاداش اخروی دریافت نمی کند بلکه هدفش سعادت امت و مسلمانان می باشد مجادله ۱۳ **اطيعوا الله و رسوله** از خدا و رسول اطاعت کنید.

اولوالامر و صاحبان امر آنان کسانی هستند که منصب زمامداری و صاحب الامری مخصوص رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به آنان رسیده. آنان نیز مانند رسول الله حق دارند برای اداره امور اجتماعی ملت، احکام و دستورهای را در حدود و شعاع احکام و قوانین الهی تدوین کنند و به اجرا درآورند. در همین احکام ریاستی است که قرآن کریم اطاعت از صاحبان امر را نیز واجب قرار داده است. بنابراین، دستورها و فرمان های رسول الله و صاحبان امر هر دو از یک سنخ است و با احکام خدایی تفاوت دارد. شاید به همین مناسبت باشد که در مورد اطاعت از رسول، لفظ **اطيعوا** تکرار شده و تردید نیست که صاحبان امر **واجب الاطاعة** هستند.

مقصود از ولی امر کسی است که از جانب خدا برای زمامداری و امامت مسلمانان تعیین شده. احکام و قوانین الهی منحصر به امور عبادی نیست بلکه در تمام شئون مادی و معنوی مردم جریان دارد. برای اداره ملت احکام سیاسی و جزایی و قضائی دارد. این مطلب نیز مسلم است که قانون اگر ضامن اجرا نداشته باشد نتیجه کامل نخواهد داد. پیغمبر که آورنده احکام و قوانین شریعت است همیشه در بین بشر باقی نمی ماند تا ضامن اجرا و حافظ احکام باشد. بدین جهت خداوند حکیم، افراد مخصوصی را برای زمامداری ملت و حفظ و اجرای احکام تعیین می کند. آن افراد برگزیده باید کلیه احکام و قوانین دین را بدانند، از عصیان و گناه و خطا و اشتباه محفوظ باشند، یعنی معصوم باشند. قرآن شریف این افراد را به عنوان اولوالامر معرفی نموده و در ردیف خدا و رسول قرار داده و اطاعتش را واجب کرده است. این آیه بسیاری از مسائل و مشکلات مسلمانان را در عرصه های اجتماعی و سیاسی و اینکه در حل این مسائل از چه کسانی باید اطاعت نمود و چگونه به اهداف و آرمان های اساسی جامعه نایل گشت، حل نموده است. ((مسائل کلی امامت، ابراهیم امینی، علامه طباطبایی))

سِرِّ یار

پیش گوئی (شاه نعمت الله ولی) از شروع صفویه تا انقلاب اسلامی ایران و ظهور حضرت اباصالح المهدی امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ۸۰۰ سال قبل

آنچه اکنون همه شاه نعمت الله را به آن می شناسند پیشگویی های بسیار دقیقی است که تمام آنچه تاکنون بر ما گذشته محقق گشته؛ از ظهور صفویه تا سقوط پهلوی و وقوع انقلاب اسلامی که به گفته وی بعد از چهل و اندی سال متصل به ظهور حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خواهد شد.

جالب آنکه جناب شاه نعمت الله مدح و ثنای خود را نثار رهبر انقلاب ایران و حکومت برپا شدهی او می کند و از این رو است که عده ای دست به تحریف اشعار آن بزرگ مرد عارف زده، غافل از اینکه نسخه‌ی خطی دیوان او که در ۱۲۷۴ هجری قمری استنساخ شده، در سازمان اسناد و کتابخانه ملی به شماره بازیابی ۱۶۹۲۱-۵ قابل ملاحظه است. به انضمام اینکه قدیمی ترین نسخه‌ی خطی دیوان شاه نعمت الله ولی مربوط به دوره صفویه بوده و در ماهان کرمان نگهداری می شود که ابیات ذیل برگرفته از آن و دریافت شده از سایت دکتر سید حمید رضا طالقانی است:

“قدرت کردگار می بینم / حالت روزگار می بینم”

“از نجوم این سخن نمی گویم / بلکه از کردگار می بینم”

“از سلاطین گردش دوران / یک به یک را سوار می بینم”

“هر یکی را به مثل ذره نور / پرتوی آشکار می بینم”

“از بزرگی و رفعت ایشان / صفوی برقرار می بینم (...).”

“آخر پادشاهی صفوی / یک حسینی به کار می بینم”

[آخرین پادشاه صفوی، شاه سلطان حسین بود]

“نادری در جهان شود پیدا / قامتش استوار می بینم”

[اشاره به نادر شاه افشار شاه مقتدر و مؤسس سلسله افشاریه]

“آخر عهد نوجوانی او / قتل او آشکار می بینم”

[احتمالا اشاره به شاهرخ میرزا نوه نادر شاه و آخرین پادشاه افشاریه دارد که در نوجوانی به شاهی رسید و نهایتا در کهنسالی توسط آغا محمد خان قاجار کشته شد]

“شهر تبریز را چو کوفه کنند / شهر طهران قرار می بینم”

[اشاره به انتقال پایتخت از تبریز به تهران در زمان آغا محمد خان قاجار]

“بعد از آن دیگری فنا گردد / شاه دیگر به کار می بینم”

“که محمد به نام او باشد / تیغ او آبدار می بینم”

[بنا بر ویژگیهایی که از او می گوید، مرادش محمد شاه است، نه آغا محمد خان قاجار]

“چارده سال پادشاهی او / دولتش کامکار می بینم”

[محمد شاه چهارده سال پادشاهی کرد]

“سال کز مرغ می شود پیدا / مرگ او آشکار می بینم (...).”

“ناصرالدین به نصرت دوران / چارده هشت سال می بینم (...).”

[چارده هشت، یعنی ۴۸ که دقیقاً منطبق بر مدت پادشاهی ناصرالدین شاه است]

“از شهنشاه ناصرالدین شاه / شیونی بیم دار می بینم”

[اشاره به ترور ناصرالدین شاه]

“روز جمعه ز شهر ذیقعه / تن او در مزار می بینم”

[روز مرگ ناصرالدین شاه ۱۲ اردیبهشت ۱۲۷۵، مصادف با جمعه، ۱۸ ذی القعدة ۱۳۱۳]

“بعد از آن شه مظفرالدین را / شاهیش ناگوار می بینم”

“چارشنبه ز شهر ذیقعه / مرگ او آشکار می بینم”

[روز مرگ مظفرالدین شاه ۱۸ دی ۱۲۸۵، مصادف با چهارشنبه، ۲۴ ذی القعدة ۱۳۲۴]

“از الف تا به دال می گویم / شاه و شاهی فکر می بینم”

[اشاره به نهضت مشروطیت ایران و تهدید پایه های سلطنت قاجاریه است]

“در خراسان و مصر و شام و عراق / فتنه و کارزار می بینم”

“جنگ و آشوب و فتنه ی بسیار / در یمین و یسار می بینم”

[آغاز جنگ جهانی اول، مصادف با آخرین روزهای عمر مشروطیت ایران]

“غارت و قتل لشکر بسیار / در میان و کنار می بینم”

“شه چو بیرون رود ز جاگاهش / شاه دیگر بکار می بینم”

[به کودتای رضا خان علیه احمد شاه قاجار اشاره دارد، جالب آنکه به خروج او از کشور اشاره می کند و نه مرگ او]

“چون فریدون به تخت بنشیند / نوکرانش قطار می بینم”
“متصف بر صفات سلطان است / لیک من گرگ وار می بینم”
“دائم اسبش به زیر زین طلا / کمتر آن را سوار می بینم”
“عدل و انصاف در زمانه ی او / همچو هیمة به نار می بینم”
“علمای زمان او دائم / همه را تار و مار می بینم”

[تقابل دولت با دین و روحانیت هیچ گاه در تاریخ ایران به اندازه دوران حکومت رضا شاه نبوده است. او کوشش کرد تا لباس روحانیت را از بین برده و به کلی سازمان روحانیت را فرو بپاشد]

هست فصل الحجاب در عهدش / فضل، بی اعتباری بینم”
[مهم ترین اقدام ضد دینی رضاشاه کشف حجاب زنان بود.
در اینجا فصل الحجاب یعنی برداشتن حجاب زنان و فضل یعنی فضیلت و حیا و
“جنگ سختی شود تمام جهان / کوه و صحرا فکار می بینم”
[اشاره به آغاز جنگ جهانی دوم]

“کار و بار زمانه وارونه / قحط و هم ننگ و عار می بینم”
[اشاره به نابسامانی شدید اقتصادی در ایران و گسترش قحطی، همچنین اشغال کشور توسط متفقین و خیانت رجال سیاسی در همکاری با بیگانگان]

“چون دوده سال پادشاهی کرد / شهیش برکنار می بینم”
[رضا شاه عملاً از سوم اسفند ۱۲۹۹ تا شهریور ۱۳۲۰، قدرت را در اختیار داشت و پس از آن برکنار و تبعید شد که دوده سال یعنی ۲۰ سال می شود]
“پسرش چون به تخت بنشیند / بوالعجب روزگار می بینم”
“نوجوانی به سان سرو بلند / رستمش بنده وار می بینم”
“در امور شهی است بی تدبیر / لیکنش بخت یار می بینم”

[خود محمد رضا پهلوی نیز معتقد بود که در کار پایداری سلطنتش، علیرغم حوادث سهمگین که می‌توانست طومار حکومت او را در هم بپیچد، همواره بخت یار او بوده تا جایی که مدعی بود که خداوند حامی اوست]

“بس فرومایگان بی حاصل / حامل کار و بار می‌بینم”

“مذهب و دین ضعیف می‌یابم / مُبتدع افتخار می‌بینم”

“ظلم پنهان، خیانت و تزویر / بر اعظم شعار می‌بینم”

“ظلمت ظلم ظالمان دیار / بی حد و بی شمار می‌بینم”

“ماه را رو سیاه می‌یابم / مهر را دل فکار می‌بینم”

“دولت مرد و زن رود به فنا / حال مردم فکار می‌بینم”

“غارت و قتل مردم ایران / دست خارج به کار می‌بینم”

“کهنه رندی به کار اهرمنی / اندر این روزگار می‌بینم”

[ابتدا دخالت خارجی را در غارت و قتل مردم ایران مورد اشاره قرار می‌دهد، سپس آن قدرت خارجی را شیطانی قلمداد می‌کند. اشاره به آمریکا، شیطان بزرگ]

“دور او هم تمام خواهد شد / لشکری را سوار می‌بینم”

“شور و غوغای دین شود پیدا / سر به سر کارزار می‌بینم”

[اشاره به وقوع انقلاب اسلامی ایران و مبارزات گسترده مردمی از یک سو و کشتار مردم به دست جلادان رژیم شاه، از سوی دیگر]

“قصه ای بس غریب می‌شنوم / غصه ای در دیار می‌بینم”

“جنگ و آشوب و فتنه‌ی بسیار / نام او زشت و خوار می‌بینم”

[محمد رضا پهلوی، تنها شاهی است که تمام مردم مستقیماً او را مورد خطاب قرار داده و مرگ بر او گفتند بنابراین وی خوارترین شاه در سلسله پادشاهی ایران است]

“کم ز چل(۳۷) چون که پادشاهی کرد / سلطه اش تار و مار می‌بینم”

[اشاره به ۳۷ سال حکومت محمدرضا پهلوی]

“غم مخور زانکه من در این تشویش / خرمی وصل یار می‌بینم”

“بعد از او شاهی از میان برود / عالمی چون نگار می‌بینم”

“سیدی راز نسل آل رسول / نام او، برقرار می‌بینم”

[اولاً سیادت امام خمینی(ره) را تصریح می‌کند، ثانیاً نام او را نیز تعیین می‌نماید زیرا عدد واژه «برقرار» به حروف ابجد، ۷۱۰ و عدد واژه «خمینی» نیز همان می‌باشد]

“نایب مهدی آشکار شود / سروری را سوار می‌بینم”

[نیابت عام حضرت از پایان غیبت صغری آغاز شده است اما هیچگاه نیابت عام فقها آشکار و علنی و عملیاتی نبوده است تا اینکه با وقوع انقلاب اسلامی ایران، نیابت عام فقها، فعلیت یافت و حکومت ولایت فقیه با تکیه بر نیابت عام حضرت حجت عجل الله فرجه تأسیس گردید]

“پیشوای تمام دانایی / رهبری با وقار می‌بینم”

“متصف بر صفات سلطانیست / لیک درویش وار می‌بینم”

“رهنما و امام هفت اقلیم / نام او را شعار می‌بینم”

[اشاره به استفاده مکرر از نام امام خمینی در شعارهای قبل و بعد از انقلاب]

“همچو مولا جلال الدین مولا / شمس تبریز وار می‌بینم”

[اشاره به عشق و ارادت آیت الله خامنه ای به امام خمینی]

“بندگان جناب حضرت او / سر بسر تاجدار می‌بینم”

“گوهر شب چراغ بهر کمال / آن دُرّ شاهوار می‌بینم”

“هر کجا رو نهد به فضل اله / دشمنش خاکسار می‌بینم”

[اشاره به غلبه بر فتنه های داخلی و موفقیت های نظامی ایران در منطقه]

“با کرامات و جامع آداب / آصف روزگار می‌بینم”

[تشبیه مقام معظم رهبری به آصف بن برخیا، وزیر حضرت سلیمان و عالم قوم]

“تا چهل سال ای برادر من / دوره‌ی شهریار می‌بینم”

[نمی‌گوید «دوره آن شهریار می‌بینم» بلکه می‌گوید «دوره شهریار می‌بینم» زیرا در صورت اول حکومت شخص خمینی کبیر باید ادامه می‌یافت و توسط او به صاحب اصلیش تسلیم می‌شد اما در مصراع تصریح می‌کند که طول حیات جمهوری اسلامی، دوره شهریار می‌بینم کبیر است و حکومت از اندیشه ها و آرمانهای او منحرف نمی‌شود]

“بعد از آن خود امام خواهد بود / که جهان را مدار می بینم”

“صورت و سیرتش چو پیغمبر / علم و حلمش شعار می بینم”

“قائم شرع آل پیغمبر / به جهان آشکار می بینم”

🌸 “میم و حاء، میم و دال” 🌸 می خوانند / نام آن نامدار می بینم”

“از کمر بند آن سپهر وقار / تیغ چون ذوالفقار می بینم”

“جنگ سختی شود تمام جهان / کوه و صحرا فکار می بینم”

[جنگ جهانی سوم]

“مردمان جهان زانس و پری / همه را در فرار می بینم”

“مر مسیح از سما فرود آید / گور دجال زار می بینم”

“رنگ یک چشم او به رنگ کبود / خری بر خر سوار می بینم”

“هر قدم از خرش بود میلی / دور گردون غبار می بینم”

“آل سفیان تمام کشته شوند / با هزاران سوار می بینم”

“مهدی وقت و عیسی دوران / هر دو را شهسوار می بینم”

“دین و دنیا از او شود معمور / خلق از او، بخت یار می بینم”

“مسکنش شهر کوفه خواهد بود / دولتش پایدار می بینم”

“هفت باشد وزیر سلطانم / همه را کامکار می بینم”

“زینت شرع و رونق اسلام / محکم و استوار می بینم”

عاصیان از امام معصومم / خجل و شرمسار می بینم

گرگ با میش، شیر با آهو / در چرا، برقرار می بینم

نه درودی به خود همی گویم / بلکه از سرّ یار می گویم

نعمت الله نشسته در کنجی / همه را در کنار می بینم

چهل حدیث پیرامون حضرت مهدی (ارواحنا فداه)

۱ - قال رسول الله (صلى الله عليه و آله): **الْمَهْدِيُّ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ يَصِلِحُهُ اللهُ فِي لَيْلَةٍ؛** مهدی از ما اهل بیت است خداوند امر او را در یک شب اصلاح خواهد فرمود

۲ - قال رسول الله يقول: **الْمَهْدِيُّ مِنْ عِثْرَتِي مِنْ وَوَدِ فَاطِمَةَ** مهدی ارواحنا فداه از سلاله من است، از فرزندان فاطمه (سلام الله علیها)

۳ - قال رسول الله: **نَحْنُ سَبْعَةٌ وَوَدِ عَبْدُ الْمُطَلِّبِ سَادَةُ أَهْلِ الْجَنَّةِ: أَنَا، وَ حَمْزَةُ وَ عَلِي وَ جَعْفَرُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ الْمَهْدِيُّ** ما هفت نفر از فرزندان عبدالمطلب سروران اهل بهشت هستیم: من و حمزه و علی و جعفر و حسن و حسین و مهدی (ارواحنا فداه)

۴ - قال رسول الله: **لو لم يبق من الدنيا الا يوم لطول الله ذلك اليوم حتى يلي المهدي** اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نماند خداوند آن روز را آن قدر طولانی می کند که مهدی ارواحنا فداه در پی آید

۵ - قال رسول الله: **بل منّا، بنا يَخْتِمُ اللهُ كما بنا فَتَحَ، وَ بنا يُسْتَنْقَذُونَ مِنَ الشَّرْكِ، وَ بنا يُؤَلَّفُ اللهُ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ بَعْدَ عَدَاوَةِ بَيْنِهِ، كما بنا أَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ بَعْدَ عَدَاوَةِ الشَّرْكِ** بلکه از ماست خداوند همچنانکه به ما آغاز فرمود به ما هم ختم خواهد کرد به وسیله ماست که مردم از شرک نجات می یابند به وسیله ماست که خداوند بین دلهای مردم الفت و پیوند ایجاد می کند بعد از آنکه دشمنی حاصله از شرک بینشان جدایی افتاده باشد

۶ - قال علی (عليه السلام) **قلت: يا رسول الله امنا آل محمد المهدي، ام من غيرنا؟ فقال: لا بل منّا، يَخْتِمُ اللهُ بِهِ الدِّينَ كما فَتَحَ بِنَا وَ بنا يُنْقَذُونَ مِنَ الْفِتْنَةِ كما أَنْقَذُوا مِنَ الشَّرْكِ وَ بنا يُؤَلَّفُ اللهُ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ بَعْدَ عَدَاوَةِ الْفِتْنَةِ إِخْوَانًا فِي دِينِهِمْ** گفتم: ای رسول خدا آیا مهدی (عج) از بین ما آل محمد (ص) است یا از بین غیر ما؟ فرمود: نه، بلکه از بین ماست خداوند دین را همچنانکه گشود به وجود او ختم خواهد کرد مردم به وسیله ما از فتنه نجات می یابند چنانکه از شرک نجات یافتند و به وسیله ماست که خداوند بین دل های مردم الفت و پیوند ایجاد می کند و به وسیله ماست که مردم بعد از دشمنی برخاسته از فتنه بایکدیگر برادر شدند.

۷ - قال رسول الله: **لَتَمْلَأَنَّ الْأَرْضُ ظُلْمًا وَ عُدْوَانًا، ثُمَّ لَيُخْرِجَنَّ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي حَتَّى يَمْلَأَهَا قِسْطًا وَ عَدْلًا كما مُلِئَتْ عُدْوَانًا وَ ظُلْمًا** زمین پر از ستم و دشمنی می شود و به

درستی مردی از اهل بیت من قیام خواهد کرد تا زمین را از عدل و داد پر کند چنانکه
پر از دشمنی و ستم شده باشد

۸ - قال رسول الله : **يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يُوَاطِي اسْمَهُ اسْمِي، وَ خَلَقَهُ خُلُقِي، يَمْلَأُهَا قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلِئْتُ عُدْوَانًا وَ ظُلْمًا** مردی از اهل بیت من قیام خواهد کرد اسمش همانند اسم من و اخلاقش همانند اخلاق من است او زمین را پر از عدل و داد کند چنانکه پر از ظلم و جور شده باشد

۹ - قال رسول الله : **و يح هذه الامة من ملوك جبابرة، يقتلون و يخيفون المطيعين الا من اظهر طاعتهم؛ فالمؤمن التقى ليصانعههم بلسانه و يفر منهم بقلبه و جناحه فاذا اراد الله تعالى ان يعيد الاسلام عزيزا قصم كل جبار عنيد و هو القادر على ما يشاء ان يصلح امة بعد فسادها. يا حذيفة! لو لم يبق من الدنيا الا يوم لطول الله ذلك اليوم حتى يملك من اهل بيتي رجل تجرى الملاحم على يديه و يظهر الاسلام لا يخلف وعده و هو سريع الحساب .**
وای بر این امت از

پادشاهان ستمگر مردم را می کشند و اطاعت کنندگان پروردگار را می ترسانند مگر کسی را که فرمانبری و اطاعت از آنان را اظهار کند پس انسان با ایمان و پرهیزگار باید با زیانش با آنان بسازد اما در قلب و با جوارحش از آنان بگریزد
پس اگر خدای بزرگ بخواهد اسلام را عزیز گرداند هر ستمگر عناد پیشه ای را در هم خواهد شکست و او بر آنچه بخواهد تواناست و می تواند امت را بعد از تباهی اصلاح فرماید - و حالشان را نیکو گرداند -

ای حذیفه: اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد خداوند همان یک روز را آنچنان طولانی خواهد کرد که مردی از اهل بیت من به حکومت رسد به دست او پیشامدهای عجیب به وقوع می پیونند و خداوند - به دست او - اسلام را پیروز می کند و در وعده هایش خلاف نمی کند و او محاسبه گری سریع است

۱۰ - قال رسول الله : **لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا لَيْلَةٌ، لَيَمْلِكُ فِيهَا رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي** اگر از عمر دنیا جز یک شب باقی نمانده باشد خداوند در همان یک شب مردی از اهل بیت مرا به حکومت خواهد رسانید.

۱۱ - قال رسول الله : **الْمَهْدِيُّ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِي لَوْنُهُ لَوْنُ عَرَبِيٍّ وَ جِسْمُهُ جِسْمُ إِسْرَائِيلِي عَلَى خَدِّهِ الْأَيْمَنِ خَالٌ كَأَنَّهُ كَوْكَبٌ دَرِّيٌّ، يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلِئْتُ جُورًا وَ ظُلْمًا يَرْضَى فِي خِلَافَتِهِ أَهْلَ الْأَرْضِ وَ أَهْلَ السَّمَاءِ وَ الطَّيْرَ فِي الْجَوِّ**

مهدی ارواحنا فداه مردی از فرزندان من است رنگ رخساره اش رنگ عربها و اندامش اندام اسرائیلی هاست برگونه راستش خالی هست که مانند ستاره ای درخشان است زمین را از عدالت پر می سازد چنانکه از ستم و حق کشی پر شده باشد در زمان خلافت و رهبری او زمینیان و آسمانیان و پرندگان فضا راضی و خشنود خواهند بود.

۱۲ - ان النبي (صلى الله عليه و آله) **قال لفاطمة سلام الله عليها: يا بنية: المهدي من ولدك** همانا پیامبر به حضرت فاطمه (علیها السلام) فرمودند: ای دخترک من! مهدی، از فرزندان توست

۱۳ - قال رسول الله : **أبشري يا فاطمة إنَّ المَهْدِيَّ منكِ** ای فاطمه: تو را بشارت باد، که مهدی (علیه السلام) از نسل تو است

۱۴ - ان النبي (صلى الله عليه و آله) **قال لفاطمة سلام الله عليها : والذي بعثني بالحق، منهما - يعني الحسن و الحسين - مهديّ هذه الامة. اذا صارت الدنيا هرجا و مرجا و تظاهرت الفتن و تقطعت السبل و اغار بعضهم على بعض فلا كبير يرحم صغيرا و لا صغير يوقر كبيرا يبعث الله عند ذلك منهما من يفتح حصون الضلالة و قلوبا غفلا; يقوم بالدين في آخر الزمان، كما قمت به في اول الزمان، و يملا الدنيا عدلا كما ملئت جورا** همانا پیامبر (صلى الله عليه و آله) به حضرت فاطمه (سلام الله عليها) فرمودند: «سوگند به آنکه مرا به حقیقت مبعوث گردانید که مهدی این امت از نسل این دو نفر است. اشاره به حسن (علیه السلام) و حسین (علیه السلام) «زمانی که دنیا آشفته گردد و فتنه ها ظاهر شوند و راه ها کوتاه گردند و برخی مردم بر برخی دیگر هجوم آورند نه بزرگسالان به خردسالان رحم کنند و نه خردسالان به بزرگسالان احترام نهند در آن زمان خداوند از نسل این دو کسی را بر می انگیزد که حصارهای گمراهی را می گشاید و دل های غفلت زده را بیدار می کند و در آخر الزمان دین را به پا می دارد چنانکه من در ابتدا آن را به پا داشتم و دنیا را از عدالت پر می سازد چنانکه از ستم پر شده باشد

۱۵ - قال رسول الله : **المهدي رجُلٌ من عِترتي، يقاتِلُ على سنّتي كما قاتلتُ أنا على الوحي** رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: مهدی، مردی از خاندان من است. او بر طبق سنت من - با مخالفین - می جنگد، چنانکه من بر طبق وحی الهی می جنگم

۱۶ - قال علي (عليه السلام) **المهدي رجل منا، من ولد فاطمة** مهدی (ارواحنا فداه) مردی از نسل - ما از فرزندان فاطمه (علیها السلام) است

۱۷ - قال رسول الله: **يَجِيءُ فِتْنَةٌ غِبْرَاءُ مَظْلَمَةٌ تَتَّبِعُ بَعْضُهَا بَعْضًا حَتَّى يَخْرُجَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يُقَالُ لَهُ الْمَهْدِيُّ فَإِنْ أَدْرَكَتَهُ فَاتَّبِعْهُ وَكُنْ مِنَ الْمُهْتَدِينَ** فتنه ای سخت، تیره و تاریک فرا می رسد فتنه ها پشت سر هم - بر مردم - وارد می شوند تا اینکه مردی از اهل بیت من قیام کند که «مهدی» خوانده می شود. اگر او را دریافتی پیروش باش، تا از هدایت یافتگان باشی

۱۸ - محمد بن علی (علیه السلام) قال: **إِنَّا نَرْجُو مَا يَرْجُو النَّاسُ، وَ إِنَّا نَرْجُو لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ سَيَطُولُ ذَلِكَ الْيَوْمُ حَتَّى يَكُونَ مَا تَرْجُو هَذِهِ الْأُمَّةُ؛ وَ قَبْلَ ذَلِكَ فِتْنٌ شَرٌّ فِتْنَةُ يَمْسِي الرَّجُلَ مُؤْمِنًا وَ يَصْبِحُ كَافِرًا؛ وَ يَمْسِي كَافِرًا فَمَنْ أَدْرَكَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ وَ لِيَكُنْ مِنْ أَحْلَاسِ بَيْتِهِ**

همانا ما به همان چیزی که مردم امید دارند امید بسته ایم. و امیدواریم که اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد خداوند همان یک روز را آنچنان طولانی کند که آنچه را این امت به آن امید بسته اند، تحقق پذیرد و قبل از بدترین فتنه ها پدید می آید، چنانکه شخصی از برخی مردم در شب مومن است و صبح که می شود کافر شده است یا در صبح مومن است و شب که می رسد کافر گردیده است پس اگر کسی از شما به چنین فتنه ای گرفتار شد باید تقوای الهی پیشه کند و باید کناره گزینی و خانه نشینی اختیار کند

۱۹ - قال عمار ياسر: **إِذَا قَلَّتِ النَّفْسُ الزَّكِيَّةُ، وَ أَخُوهُ تَقَتَّلَ بِمَكَّةَ ضَيْعَةً، نَادَى مُنَادٌ مِنَ السَّمَاءِ: إِنَّ أَمِيرَكُمْ فَلَانٌ، وَ ذَلِكَ الْمَهْدِيُّ، الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ حَقًّا وَ عَدْلًا** زمانی که نفس زکیه کشته شود و برادرش در مکه به نبرد شدید پردازد ندا دهنده ای از آسمان ندا دهد که امیر و فرمانروای شما فلانی است و او همان مهدی است کسی که زمین را از حقیقت و عدالت آکنده سازد

۲۰ - قال رسول الله: **سَتَكُونُ فِتْنَةٌ لَا يَهْدَأُ مِنْهَا جَانِبٌ إِلَّا جَاشَ مِنْهَا جَانِبٌ، حَتَّى يَنَادِيَ مُنَادٌ مِنَ السَّمَاءِ: إِنَّ أَمِيرَكُمْ فَلَانٌ** فتنه ای خواهد بود هنوز طرفی از این فتنه آرام نگرفته که طرف دیگری بر می شورد - قسمتی از آن آرامش نیابد مگر آنکه قسمتی دیگر از آن بر می آشوبد - تا آنکه ندا دهنده ای از آسمان ندا در می دهد همانا امیر و فرمانروای شما فلانی است

۲۱ - قال رسول الله : **يَخْرُجُ الْمَهْدِيُّ وَعَلَى رَأْسِهِ مَلَكٌ ينادِي: إِنَّ هَذَا مَهْدِي فَاتَّبِعُوهُ** مهدی قیام می کند در حالی که بالای سر او فرشته ای ندا می دهد این مهدی است از او پیروی کنید

۲۲ - قال علی (علیه السلام) **اذ نادى مناد من السماء: إِنَّ الْحَقَّ فِي آلِ مُحَمَّدٍ» فَعِنْدَ ذَلِكَ يَظْهَرُ الْمَهْدِيُّ عَلَى أَفْوَاهِ النَّاسِ وَيَشْرَبُونَ حُبَّهُ فَلَا يَكُونُ لَهُمْ ذِكْرٌ غَيْرُهُ** زمانی که ندا دهنده ای از آسمان ندا می دهد که حق در خاندان محمد صلی الله علیه و آله است در آن هنگام نام مهدی بر زبانهای مردم آشکار می گردد و محبت او را به دل می گیرند و از غیر او یاد نمی کنند

۲۳ - قال رسول الله : **فِي الْمَحْرَمِ ينادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ: أَلَا إِنَّ صَفْوَةَ اللَّهِ [مِنْ خَلْقِهِ] فَلَانٌ فَاسْمَعُوا لَهُ، أَطِيعُوهُ فِي سَنَةِ الصَّوْتِ الْمُعْمَعَةِ** در ماه محرم، ندا کننده ای از آسمان ندا می دهد: آگاه باشید که برگزیده خدا - از میان خلایق - فلانی است، پس فرمانش را گوش کنید و از او اطاعت کنید در سالی که جنگ ها و فتنه ها فراوان است و سال صدای آسمانی است.

۲۴ - قال علی (علیه السلام) **تُخْتَلَفُ ثَلَاثُ رَايَاتٍ: رَايَةٌ بِالْمَغْرِبِ وَ رَايَةٌ بِالْجَزِيرَةِ وَ رَايَةٌ بِالشَّامِ؛ تَدْوُمُ الْفِتْنَةِ بَيْنَهُمْ سَنَةً** - ثم ذكر خروج السفیانی و ما یفعله من الظلم والجور ثم ذكر خروج المهدي و مبايعة الناس له بين الركن و المقام، و قال: «يسير بالجيوش حتى يسير بوادی القری فی هدوء و رفق و يلحقه هناک ابن عمه الحسنی فی اثني عشر الف فارس، فيقول له: يا ابن عم انا احق بهذا الجيش منك انا ابن الحسن و انا المهدي. فيقول له المهدي بل ان المهدي فيقول له الحسنی: هل لك من آية فابايحك؟ فيومي المهدي الى الطير فيسقط على يديه و يغرس قضيبا في بقعة من الارض فيخضر و يورق. فيقول له الحسنی: يا ابن عمی هی لك سه پرچم به مخالفت با یکدیگر برافراشته شود پرچمی در «مغرب» و پرچمی در عربستان و پرچمی در «شام» فتنه و جنگ بین آنها یک سال طول می کشد» سپس از قیام سفیانی و ظلم و ستمی که بر مردم روا می دارد یاد کرد و پس از آن از ظهور و قیام حضرت مهدی ارواحنا فداه و بیعت کردن مردم با او در بین رکن و مقام یاد نمود - و فرمود «لشکریان خویش را حرکت می دهد تا در کمال آرامش به «وادی القری» می رسند در آنجا پسر عمویش «سید حسنی» همراه با دوازده هزار سوار به او می رسد و می گوید ای پسر عمو من به فرماندهی این لشکر سزاوارتر از تو هستم زیرا من فرزند امام حسن هستم و مهدی من هستم حضرت مهدی به او می فرماید بلکه من «مهدی» هستم. حسنی می گوید آیا تو را

نشانه و معجزه ای هست تا با تو بیعت کنم؟ پس حضرت مهدی (علیه السلام) به پرنده ای اشاره می نماید و پرنده در دستهایش قرار می گیرد و نی خشکی را می گیرد و در زمین می کارد، بلافاصله سبز می شود و برگ می دهد آن زمان «سید حسنی» به او عرض می کند این پسر عمومی من این مقام سزاوار توست

۲۵ - قال رسول الله : **يَكُونُ عِنْدَ انْقِطَاعِ مِنَ الزَّمَانِ وَ ظُهُورِ مِنَ الْفِتَنِ رَجُلٌ يُقَالُ لَهُ الْمَهْدِيُّ، يَكُونُ عَطَاؤُهُ حَثِيًّا** هنگامی که آخر الزمان شود - و یاس و نامیدی رخ نماید - و فتنه ها ظاهر شود، مردی خواهد بود که مهدی نامیده می شود و بخشش و عطایایش ریزان و سرشار است

۲۶ - قال رسول الله : **يَكُونُ عِنْدَ انْقِطَاعِ مِنَ الزَّمَانِ لِيُبْعَثَنَّ اللهُ مِنْ عَتْرَتِي رَجُلًا اَفْرَقَ الثَّنَائِيَا، اَجْلَى الْجِبْهَةِ، يَمْلَأُ الْاَرْضَ عَدْلًا يَفِيضُ الْمَالَ فَيُضَا** هنگامی که آخر الزمان شود - یاس و ناامیدی و قحطی رخ نماید - به تحقیق خداوند مردی از خاندان مرا بر خواهد انگيخت دندان های پیشین فاصله دار و جبینش گشاده است. زمین را از عدالت پر می سازد و مال فراوان می بخشد

۲۷ - قال رسول الله : **يَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ خَلِيفَةٌ يَقْسِمُ الْمَالَ وَلَا يَعُدُّهُ** در آخر الزمان خلیفه ای خواهد بود که مال را بدون اینکه بشمارد تقسیم می کند

۲۸ - قال رسول الله : **و جبرئيل على مقدمته و ميكائيل على ساقته، يفرح به اهل السماء و الارض و الطير و الوحش و الحيتان في البحر** جبرئیل در راس پیشاهنگان لشکر و میکائیل در راس دنباله داران لشکر او قرار دارند آسمانیان و زمینیان و پرندهگان و حیوانات وحشی و ماهیان دریا همگی به ظهور او شاد می شوند

۲۹ - قال رسول الله : **بشراكم بالمهدى، رجل من قریش من امتی على اختلاف من الناس و زلازل، فيملا الارض قسطا و عدلا كما ملئت جورا و ظلما و يرضى عن ساكن السماء و ساكن الارض و يقسم المال صحاحا بالسويه بين الناس و يملأ قلوب امه محمد غنى و يسعهم عدله حتى انه يامر مناديا فينادى من له حاجة؟ فما ياتيه احد الا رجل واحد، ياتيه يساله فيقول: انت السادن، يعطيك. فياتيه فيقول: انا رسول المهدى اليك لتعطيني مالا فيقول احث فيحثي فلا يستطيع ان يحمله فيلقى حتى يكون قدر ما يستطيع ان يحمله فيخرج به و يندم فيقول انا كنت اجشع امه محمد نفسا كلهم دعى الى هذا المال فتركه غيرى فيرده عليه فيقول انا لا نقبل شيئا اعطيناه فيلبث في ذلك ستا او سبعا او تسع سنين و لا خير في الحياة بعده**

شما را به مهدی بشارت باد مردی از قریش، از بین امت من، در زمانی که مردم با هم به مخالفت و ستیز بر می خیزند و زلزله ها روی می دهد؛ او زمین را از عدالت و برابری پر می سازد چنانکه از ظلم و جور پر شده باشد آسمانیاں ساکنان زمین از او راضی و خشنود می شوند او مال را به درستی و برابری بین مردم تقسیم می کند و دل های امت محمد صلی الله علیه و آله را از بی نیازی می آکند و عدالت او همگان را شامل می شود تا آنجا که فرمان می دهد ندا دهنده ای ندا در دهد کیست که نیازی داشته باشد؟ پس هیچکس جز یک مرد به نزد او نمی آید مرد نزد او می آید و درخواست می کند می فرماید به نزد نگهبان پرده دار برو به تو [نیازت را] می دهد به نزد او می رود و می گوید من فرستاده مهدی هستم نزدت آمده ام که مالی به من عطا کنی پس می گوید: بریز آنقدر از مال به دامنش می ریزد که نمی تواند آن را حمل کند پس مال را بیرون می برد در حالیکه پشیمان است و می گوید من طمعکارترین و حریص ترین فرد از امت محمد صلی الله علیه و آله بودم. همه آنان به این مال فرا خوانده شدند اما جز من کسی آن را قبول نکرد پس باز می گردد و پول ها را به نگهبان پس می دهد او می گوید ما چیزی را که به کسی بخشیدیم باز پس نمی گیریم پس آن حضرت در چنان حکومتی شش یا هفت یا نه سال درنگ می کند و بعد از او خیری در زندگانی نیست

۳۰ - قال رسول الله : **الْمَهْدِيُّ مِئِي أَجَلِي الْجَبْهَةِ أَقْنَى الْأَنْفِ** مهدی از نسل ماست گشاده پیشانی است و وسط بینی او قدری بر آمده است

۳۱ - قال رسول الله : **ستكون بعدى فتن; منها فتنة الاحلاس يكون فيها حرب و هرب ثم بعدها فتنة اشد منها ثم تكون فتنة. كلما قيل انقطعت تمادت حتى لا يبقى بيت الا دخلته و لا مسلم الا ملته حتى يخرج رجل من عترتي** پس از من فتنه هایی رخ خواهد داد. یکی از آن فتنه ها فتنه تنگدستی و بیچارگی و خانه نشینی خواهد بود در آن فتنه، جنگ و گریزها به وقوع می پیوندند و بعد از آن فتنه ای سخت تر و پس از آن فتنه ای دیگر خواهد بود هرچه گفته می شود دیگر فتنه به پایان رسید گسترش بیشتر می یابد تا جائی که هیچ خانه ای نمی ماند مگر آنکه فتنه ای آن را در می گیرد و هیچ مسلمانی نیست مگر آن که فتنه ها او را دلزده و دلتنگ ساخته باشد تا این که مردی از خاندان من قیام کند.»

۳۲ - قال علی (عليه السلام) **لا يخرج المهدى حتى يقتل ثلث و يموت ثلث و يبقى ثلث** مهدی قیام نخواهد کرد تا زمانی که یک سوم مردم کشته شوند یک سوم دیگر بمیرند و - تنها - یک سوم آنها باقی بمانند

۳۳ - اخرج ابن ابی شیبة عن مجاهد، قال: حدثني فلان - رجل من اصحاب النبي صلى الله عليه وآله: ان المهدى لا يخرج حتى تقتل النفس الزكية، فإذا قتلت النفس الزكية غضب عليهم من في السماء ومن في الأرض؛ فأنتي الناس، فرؤوه كما تزف العروس الى زوجه ليلة عرسها و هو يملا الارض قسطا و عدلا و تخرج الاض نباتها و تمطر السماء مطرها و تنعم امتي في ولايته نعمة لم تنعمها قط

فلانی - مردی از اصحاب پیامبر) برایم روایت کرد که: همانا مهدی قیام نخواهد کرد تا آن زمان که نفس زکیه کشته شود آن وقت هرکس در آسمان و هرکس در زمین است برکشندگان او خشمگین می شوند پس مردم می آیند و شادمانه گرداگردش می چرند. چنانکه در شب عروسی شادمانه گرد عروس می چرخند. و مهدی (ارواحنا فداه) زمین را از عدل و داد پر می کند و امت من در زمان ولایت و حکومت او از چنان نعمتی برخوردار می شوند که هرگز در گذشته از آن بهره مند نبوده اند

۳۴ - قال رسول الله : يلتفت المهدى و قد نزل عيسى بن مريم كانما يقطر من شعره الماء فيقول المهدى: تقدم صل بالناس فيقول عيسى: اما اقيمت الصلوة لك، فيصلي خلف رجل من وُلدى مهدى

(ارواحنا فداه) متوجه می شود که عیسی بن مریم نازل شده است و چنان است که گویا از موهایش آب می چکد مهدی (ارواحنا فداه) به او می فرماید: بفرما، پیش برو و با این مردم نماز بگزار. عیسی گوید: این نماز برای اقتدای به تو بپا داشته شده پس پشت سر مهدی (ارواحنا فداه) که مردی از فرزندان من است نماز می خواند.»

۳۵ - قال رسول الله : يبائع الرجل بين الركن و المقام عدة اهل بدر فياتيه عصائب اهل العراق و ابدال اهل الشام فيغزوه جيش من اهل الشام حتى انتهوا بالبدياء خسف بهم عدة اى به تعداد لشكريان بدر با آن مرد مهدى (ارواحنا فداه) بين ركن و مقام كعبه بيعت مي كنند پس جمعي از بزرگان اهل عراق و صالحين اهل شام به ياري او مي آيند پس لشكري از اهل شام با او و يارانش مي جنگند تا به منطقه اى به نام «بدياء» مي رسند زمين آنان را (لشكر شام) را در خود فرو مي برد

۳۶ - قال اميرالمؤمنين: ذلك يخرج في آخر الزمان و اذا قيل للرجل الله الله قيل; فيجمع الله له قوما قزع كقزع السحاب يؤلف بين قلوبهم لا يستوحشون على احد و لا يفرحون لاحد دخل فيهم على عدة اصحاب بدر لم يسبقهم الاولون و لا يدركهم الاخرون و على عدد اصحاب طالوت الذين جاوزوا النهر معه هيهات، چقدر دور است! سپس با دستش نه عدد شمرد فرمود: او در آخر الزمان ظهور خواهد کرد و در زمانی که درباره

اش گفته شود خدا را، خدا را، که او کشته شده است پس خدا برای او، از جای جای زمین گروهی را که همچون قطعه های ابر پراکنده اند گرد هم می آورد و بین دل‌هایشان الفت و پیوند ایجاد می کند به گونه ای که از هیچکس نمی هراسند و شادمان نمی شوند به تعداد اصحاب بدر در این گروه وارد می شوند کسانی که پیشینیان بر آنان سبقت نگرفته و پسینیان توفیق درک و وصول به آنان را نمی یابند و آنان به تعداد اصحاب طالوت اند که با او از هر گذشتند.

۳۷ - قال رسول الله : **يَخْرُجُ النَّاسُ مِنَ الْمَشْرِقِ فَيُؤَطُّونَ لِلْمَهْدِيِّ يَعْنِي سُلْطَانَهُ** مردمی از مشرق زمین قیام می نمایند و برای سلطنت و حکومت حضرت مهدی (ارواحنا فداه) زمینه سازی می کنند

۳۸ - قال اميرالمؤمنين علي (عليه السلام): **ويحا للطالقان فان لله بها كنوز ليست من ذهب ولا فضة و لكن بها رجال عرفوا الله حق معرفته و هم انصار المهدي في آخر الزمان** آه از طالقان - رحمت باد بر طالقان - خدا را در آن شهر گنجینه هایی است از طلا و نقره نیستند بلکه در آن مردانی هستند که خدا را به حقیقت معرفت شناخته اند و آنان در آخر الزمان یاوران مهدی (ارواحنا فداه) خواهند بود

۳۹ - قال رسول الله : **مِنَّا مَهْدِيُّ الْأَمَةِ الَّذِي يُصَلِّي عَيْسَى خَلْفَهُ** از نسل ماست آن کسی که عیسی بن مریم پشت سر او نماز می خواند

۴۰ - قال رسول الله : **من كذب بالدجال فقد كفر و من كذب بالمهدي فقد كفر** کسی که **دجال** را تکذیب کند کافر شده و کسی که «مهدی (ارواحنا فداه)» را تکذیب کند کافر شده است.

منابع :

مجموعه ای از سخنرانی های (رهبر کبیر انقلاب امام خمینی)

(مقام معظم رهبری) (علامه حسن زاده عاملی) (آیت الله جوادی عاملی)

آیت الله : مصباح یزدی، علامه طباطبایی، ابراهیم امینی و استاد پناهیان

تدوین و تلخیص مولف : زارع پور